







چهار روز					

### تاوان وعده‌های زودهنگام



هادی سبحانیان، معاون وزیر اقتصاد اعلام کرد: تا انتهای امسال کارت اعتباری و یارانه‌ای آماده خواهد شد می‌توان از سال آینده این کارت‌های اعتباری و یارانه‌ای منتشر شده تا به این لحظه مجلس تصمیم گرفته است که ۴۲۰۰ تومانی تا سقف ۹ میلیارد دلار در بودجه سال آینده بماند. اقتصاد و مردم ایران در طول سال‌ها هزینه بسیاری بابت وعده‌ها و برنامه‌های قطعی نشده پرداخت کرده و این مسئله بر عدم قطعیت‌ها در اقتصاد افزوده است. از جمله نزدیک‌ترین تجربه این وعده‌های نهایی نشده، می‌توان به شسار و برنامه تغییر الگوی سهمیه سوخت اشاره کرد که اعتبار سیاستگذاران و تصمیم‌سازان را مخدوش می‌سازد. آنچه سبحانیان، معاون وزیر اقتصاد اعلام کرده هم از جنس همان وعده‌ها و برنامه‌های نهایی و قطعی نشده است که اثرات آن بر معیشت مردم نمایان می‌شود. گفته‌های دیروز او نشان می‌دهد در حالی که مجلس تصمیم دارد ارز ۲۲۰۰ تومانی را برای سال آینده حفظ کند، معاون وزیر اقتصاد از آمادگی دولت برای جایگزینی کارت یارانه یا اعتباری خرید خبر می‌دهد. نتیجه اینکه در این بلا تکلیفی هزینه‌ش را مردم با افزایش قیمت‌ها، تحت‌تأثیر انتظارات تورمی، ناشی از تصمیم‌های غیر قطعی، می‌پردازند. مقامات مسئول قبل از آنکه یک پیش‌نهاد به تصمیم قطعی برای اجرا برسد، وعده دهندند و اجازه دهند در زمان نزدیک به اجرا، جزئیات اعلام شود. جزی‌های عمل کردن و وعده دادن بر اساس پیش‌نهادها تاوان دارد. تاوان این عدم قطعیت‌ها را مردم می‌پردازند.

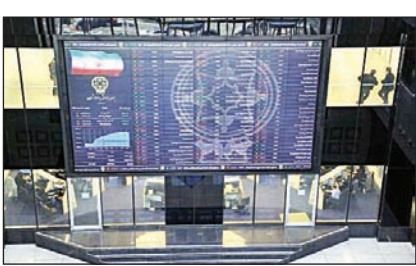
نقد خبر

## لزوم بازگشت ایدرو به تنظیمات اساننامه

**خبر:** مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران برگزار شد. طبق اطلاعات ارائه شده در این جلسه، عملکرد ایدرو در تملک دارایی‌های سرمایه‌ای هزار و ۶۵۰ میلیارد تومان بوده است.
**نقد:** سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران از اساس برای این هدف تشکیل شد تا در حوزه‌های دور از دسترس بخش خصوصی فعال شود و بار توسعه اقتصادی در حوزه‌هایی را که نیازمند سرمایه هنگفت برای راه‌اندازی است یا خواب سرمایه طولانی مدت به‌دنبال دارد، به دوش بکشد و پس از اتمام مأموریت، با واگذاری آن حوزه‌از گود سرمایه‌گذاری خارج شود. متأسفانه در فراز و نشیب اقتصاد و سیاستگذاری این، این مسئولیت به‌تدریج فراموش شده و همین مسئله راه را برای تبدیل شدن ایدرو به یک هلدرینگ اقتصادی فعال در همه حوزه‌های ریز و درشت باز کرده است. به‌نظر می‌رسد، در گام دوم انقلاب و در مسیر اصلاح ساختار اقتصاد ایران، بد نیست تمهیداتی هم برای بازگرداندن تنظیمات ایدرو به شرایط اساننامه اندیشیده شود و این هلدینگ عریض و طویل به‌جای فعالیت اقتصادی، کمک‌حال اقتصاد باشد.

تالار شیشه‌ای					

## مصوبات کمیسیون تلفیق برای حمایت و رونق بورس



نمایندگان مجلس در نشست دبروز صبح کمیسیون تلفیق بودجه ۱۴۰۱ مواردی را با هدف حمایت و رونق بورس و جلب اعتماد عمومی مصوب کردند.

به‌منظور جلوگیری از مالیات مضاعف و پرداخت مالیات توسط تحویل گیرنده کالایی با الحاق یک بند به تبصره ۷ لایحه بودجه سال آینده موافقت کردند. بر این اساس به‌منظور حمایت از توسعه ابزار های مالی و همچنین تسهیل معاملات ابزارهای مبتنی بر کالا مالیات بر ارزش افزوده کلبه کالاهایی که در قالب گواهی سپرده کالایی در بورس‌های کالایی کشور پذیرش می‌شوند، مادامی که در هر یک از بورس‌های کالایی مورد مبادله قرار می‌گیرند، مشمول مالیات با نرخ صفر هستند.

به‌منظور تشویق سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده

در بورس و فرابورس و ترغیب آن‌ها به عدم تقسیم بخش بیشتری

از سود آکنسانی و استفاده از منابع حاصل برای افزایش سرمایه

و در نتیجه توسعه بخش‌های تولیدی و ایجاد فرصت‌های جدید

شغلی مقرر شد که در سال ۱۴۰۱ مالیات بر درآمد آن بخش از

سود تقسیم نشده شرک‌های مذکور که به حساب سرمایه

انتقال می‌یابد، مشمول مالیات با نرخ صفر شود.

# اقتصاد



انتظارات برای فعالیت در ماه آینده



قیمت محصولات و خدمات



موجودی انبار یا کارهای معوق



استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی



سرعت انجام و تحویل سفارش



میزان فروش کالاها یا خدمات



میزان صادرات کالا یا خدمات



قیمت خرید مواد اولیه یا لوازم



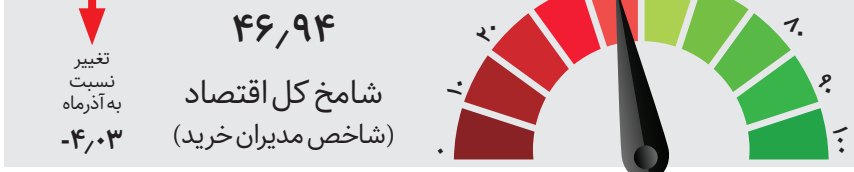
موجودی مواد اولیه یا لوازم



میزان سفارش‌های جدید مشتریان



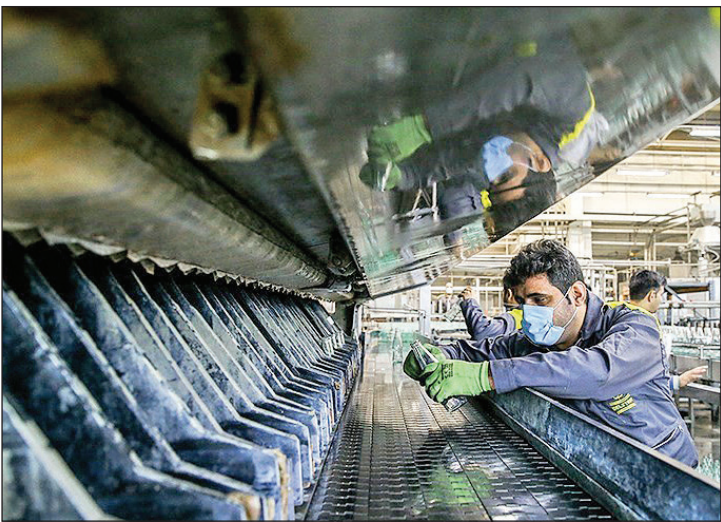
مصرف حامل‌های انرژی



شاخص کل اقتصاد (شاخص مدیران خرید)

# مثلث فشار به اقتصاد

**فعالان اقتصادی می‌گویند از جانب «افزایش هزینه‌ها»، «کاهش قدرت خرید جامعه» و «نااطمینانی از فضای بین‌المللی» تحت فشار قرار دارند**



ندارند. از سوی دیگر نااطمینانی ناشی از فضای بین‌المللی و تأثیر آن بر قیمت ارز نیز از محل تأثیر بر نرخ ارز و همچنین قدرت تقاضا در بازار، بنگاه‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. در دی‌ماه، از یک سو میزان سفارشات جدید مشتریان افت کرده و به کمترین مقدار در ۶ماه اخیر رسیده و از سوی دیگر شاخص موجودی مواد اولیه یا لوازم موردنیاز تولید نیز رکود کمترین مقدار در ۹ ماه اخیر را شکسته است. این وضعیت عمدتاً به‌دلیل کمبود نقدینگی، بالا بودن تورم و نااطمینانی نرخ ارز متأثر از تصمیمات سیاسی، در همه بخش‌های اقتصادی مصداق داشته است. از سوی دیگر ماجرا، بررسی‌ها نشان می‌دهد در دی‌ماه، ضمن اینکه شاخص قیمت خرید مواد اولیه کاهش پیدا کرده، شاخص قیمت فروش محصولات و خدمات ارائه شده در اقتصاد ایران، به‌خصوص در بخش ساختمان، رشد داشته است. فعالان اقتصادی می‌گویند: ادامه روند افزایش قیمت‌ها و فشار هزینه‌های تولید و ارائه خدمات باعث شده باوجود کاهش قیمت مواد اولیه و افت میزان تقاضا، قیمت فروش محصولات و خدمات بعد از یک دوره ۳ ماه کاهش، دوباره افزایش یابد. در مجموع، کسب‌وکارها وضعیت خود در دی‌ماه را سخت و پرفشار توصیف می‌کنند؛ اما همچنان نسبت به گشایش‌هایی در بهمن‌ماه امیدوار هستند و به‌گونه‌ای که شاخص انتظارات آنها برای فعالیت در بهمن تا ۳۴٫۱۲ واحد افزایش به ۵۸٫۳۷ واحد رسیده است.

## حلال و هوای بخش صنعت

در سایه شریایی که در سطح کلان اقتصاد

برای کسب‌وکارها و بنگاه‌های اقتصادی وجود دارد، شرایط بخش صنعت نیز با افت محسوسی مواجه بوده است به‌گونه‌ای که براساس داده‌های به‌دست آمده از بنگاه‌های بخش صنعت، شاخص مدیران خرید این بخش (شاخص صنعت) در دی‌مـاـه بـه عـدد ۳۱٫۵۰ واحد رسیده که کمترین مقدار در ۵ماهه اخیر است. بررسی‌ها

نشان می‌دهد در دی‌ماه در میان مؤلفه‌های اصلی شاخص صنعت، میزان سفارشات جدید مشتریان و موجودی مواد اولیه عدد زیر ۵۰ را به ثبت رسانده‌اند و در صنایع کانی غیرفلزی، غذایی، پوشاک و چرم، لاستیک و پلاستیک و چوب، کاغذ و مبلمان، عدد شاخص زیر ۵۰ واحد بوده است. به عقیده فعالان اقتصادی، کمبود نقدینگی، نااطمینانی نسبت به فضای سیاست بین‌المللی و به تبع آن، نوسانات نرخ ارز باعث شده تا بسیاری از مشتریان دچار سردرگمی شوند و صنایع نیز از این محل آسیب ببینند.

در دی‌ماه، هر چند شدت تورم و روند افزایشی قیمت مواد اولیه نسبت به ماه قبل کمتر شده؛ اما ناپسامانی نرخ ارز و کمبود نقدینگی شرک‌تها را با کمبود مواد اولیه روبه‌رو کرده است. به‌طور کلی در این مـسـا، بر خلاف انتظارات ماه گذشته که در این کشور رشد کرده و به ۶۱٫۶۲ واحد رسیده است، به‌گونه‌ای که تقریباً فعالان اقتصادی در همه رشته فعالیت‌ها به‌جز چوب و کاغذ، مبلمان و لاستیک و پلاستیک انتظارات مثبت برای ماه آینده دارند.

<span><span><span></span></span><span> </span></span> افغانستان	<span><span><span></span></span><span> </span></span> پاکستان	<span><span><span></span></span><span> </span></span> ترکیه	<span><span><span></span></span><span> </span></span> ارمنستان	<span><span><span></span></span><span> </span></span> آذربایجان	<span><span><span></span></span><span> </span></span> امارات
صادرات	صادرات	صادرات	صادرات	صادرات	صادرات
هند	ایران	چین	آلمان	روسیه	روسیه
پاکستان	چین	امارات	انگلستان	آلمان	سوئیس
چین	پاکستان	آمریکا	عراق	چین	ترکیه
ترکیه	آمریکا	آلمان	عراق	ایرالیا	آمریکا
امارات	ترکمنستان	افغانستان	قطر	آمریکا	ایتالیا
<span><span><span></span></span><span> </span></span> روسیه	<span><span><span></span></span><span> </span></span> قزاقستان	<span><span><span></span></span><span> </span></span> کویت	<span><span><span></span></span><span> </span></span> قطر	<span><span><span></span></span><span> </span></span> عربستان	<span><span><span></span></span><span> </span></span> عراق
صادرات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	واردات
چین	چین	عراق	روسیه	ایرالیا	روسیه
هلند	آلمان	چین	آمریکا	کره جنوبی	چین
آلمان	بلاروس	روسیه	کره جنوبی	هند	امارات
بلاروس	آمریکا	هلند	ایتالیا	عربستان	ژاپن
ترکیه	ایتالیا	فرانسه	آلمان	امارات	هند

# هم‌شهری

خبر					

### قیمت برنج ایرانی باز هم قد کشید

نرخ برخی انواع برنج مرغوب ایرانی به ۷۵ تا ۹۵ هزار تومان در هر کیلوگرم رسیده است

با تداوم سیر صعودی قیمت برنج در بازار خرده‌فروشی، نرخ برخی انواع برنج مرغوب ایرانی به ۷۵ تا ۹۵ هزار تومان در هر کیلوگرم رسید.

مشاهدات میدانی خبرنگاران همشهری در فروشگاه‌های زنجیره‌ای و خرده‌فروشی‌های سطح شهر از قد کشیدن قیمت هر کیلوگرم برنج ایرانی تا مرز ۹۵ هزار تومان حکایت دارد؛ به‌نحوی که قیمت برخی انواع کیسه ۴٫۵ کیلویی برنج ایرانی در اغلب فروشگاه‌های زنجیره‌ای به ۴۰۰ هزار تومان رسیده است. در بالاترین نقطه بازار برنج، نرخ هر کیلوگرم برنج کشت دوم امراللهی، به‌عنوان گران‌ترین برنج ایرانی در بازار مصرف، به ۹۵ هزار تومان افزایش یافته است. فعالان بازار به خبرنگاران همشهری گفته‌اند میزان افزایش قیمت در انواع برنج مرغوب و پرمصرف ایرانی نسبت به ارقام پرمحصول و وارداتی بیشتر بوده است.

این گزارش حاکی است: در خرده‌فروشی‌های سطح شهر هر کیلوگرم برنج هاشمی ۷۰ تا ۷۸ هزار تومان، کشت دوم طارم محلی فریدونکنار ۸۰ هزار تومان، طارم انواع ۶۳ تا ۹۲ هزار تومان، علی کاظمی گیلان ۷۵ هزار تومان، هاشمی دودی سنتی گیلان ۸۵ هزار تومان و شیرودی دودی سنتی اعلاه ۶۳ هزار تومان قیمت خورده است. در بازار برنج خارجی نیز قیمت هر کیلو برنج هندی در خرده‌فروشی‌ها ۳۰ تا ۳۴ هزار تومان و برنج پاکستانی تا ۳۲ تا ۳۶ هزار تومان است. با این روند متوسط قیمت هر کیلو برنج ایرانی با ۱۷ درصد افزایش نسبت به اوایل دی‌ماه به ۶۲ تا ۶۴ هزار تومان، برنج باسماطی پاکستانی با یک‌درصد افزایش به ۲۹ هزار و ۲۰۰ تومان و برنج هندی ۱۱۲۱ با ۶ درصد افزایش به ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان رسیده است.

#### دبوی ۸۰ درصد برنج ایرانی

رئیس اتحادیه شالیکوبی داران مازندران اعلام کرد: ۸۰ درصد برنج در انبارهای افرادی است که به عرصه آن تمایلی ندارند و می‌خواهند با دبوی برنج، کنترل بازار این محصول را در دست بگیرند.

تقی جعفریان با اشاره به افزایش ۶ تا ۷ درصدی قیمت برنج کشت دوم گفت: نرخ‌های سنتی هاشمی و طارم افزایش مجدد نرخ در هفته‌آخر تجربه کرده‌اند اما قیمت برنج‌های پرمحصول ثابت مانده و تغییر نکرده است. این فعال اقتصادی با اشاره به انواع قیمت برنج در بنکداری‌ها افزود: قیمت طارم کیلویی ۷۳ هزار تومان، هاشمی کیلویی ۷۵ هزار تومان و برنج کشت دوم کیلویی ۸۰ هزار تومان، فجر کیلویی ۵۵ هزار تومان، ندا کیلویی ۳۳ هزار تومان و شیرودی کیلویی ۴۶ هزار تومان است. سود بنکداری و عمده‌فروشی تا ۳ درصد بوده در حالی که سود فروش واحدهای صنعتی تا ۱۰ تا ۱۲ درصد است.

#### تأیید افزایش شدید قیمت برنج

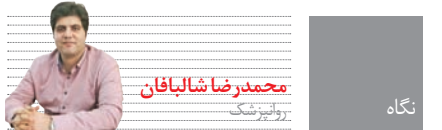
رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی هم ضمن تأیید رشد شدید قیمت برنج، گفت: دلایل افزایش قیمت برنج، را باید در شمال کشور جست‌وجو کرد.

قاسم‌علی حسنی افزود: سود بنکدار خرده‌فروش کاملاً مشخص است. بنکدار به هر قیمتی محصول خود را خریداری کند، حداکثر کالای خود را با ۳ درصد سود به فروش می‌رساند و خرده‌فروش نیز کالای خود را با حداکثر ۱۲ درصد سود نسبت به قیمت خرید عرضه می‌کند. او گفت: اکنون قیمت انواع برنج ایرانی در بنکداری‌ها بین ۴۷ تا ۷۷ هزار تومان است، بنابراین قیمت این کالا در خرده‌فروشی‌ها حداکثر می‌تواند تا ۱۲ درصد بیشتر باشد. حسنی با بیان اینکه در تعیین قیمت برنج ایرانی در شمال کشور سوجدوبی صورت می‌گیرد، گفت: بنکداران در شهرهایی به غیر از شمال کشور در تعیین قیمت دخالتی ندارند، بنابراین قیمت این محصول در شمال کشور تعیین می‌شود و ما فقط خریدار و عرضه‌کننده هستیم.

#### واردات برنج به ۸۰۰ هزار تن رسید

دبیر انجمن واردکنندگان برنج با اشاره به آمار گمرک از واردات ۸۰۰ هزار تن برنج در طول امسال خبر داد و گفت: وزارت جهاد کشاورزی باید ثبت سفارش را سرعت بخشد تا کمبود عرضه، به تشنج در بازار منجر نشود. بدرغم هشدارهای مکرر درباره بروز کمبود در بازار برنج، مسئولان وزارت جهاد کشاورزی بر ممنوعیت واردات در فصل برداشت صحرای ورز زیندند که این امر نتیجه‌ای جز گران‌تر برنج ایرانی و افزایش قیمت در بن‌داشت به گفته مسیح کشاورز، با توجه به عقب‌ماندگی از برنامه، باید در ۴۵ روز باقیمانده تا پایان سال، ماهانه ۱۵۰ هزار تن و در فروردین ۲۵۰ هزار تن برنج وارد شود تا نیاز شب‌عید و ماه رمضان تأمین شود.

قیمت روز برخی انواع برنج ایرانی و خارجی در بازار خرده‌فروشی	
نوع و مشخصات برنج	قیمت (کیلوگرم-تومان)
طارم محلی فریدونکنار(کشت دوم)	۵۷۸ تا ۸۰ هزار
دسیس‌ه مدبری گیلان	۸۷ تا ۹۸ هزار
هاشمی	۷۵ تا ۸۷ هزار
هاشمی دودی سنتی گیلان	۸۳ تا ۸۵ هزار
امراللهی (کشت دوم)	۹۳ تا ۹۵ هزار
طارم انواع	۶۳ تا ۹۲ هزار
عنبربوی خوزستان	۴۱ تا ۴۳ هزار
شیرودی دودی سنتی اعلا	۴۵ تا ۶۵ هزار
شیرودی (پرمحصول)	۴۵ تا ۵۰ هزار
ندا (پرمحصول)	۴۵ تا ۴۵ هزار
فجرگران (پرمحصول)	۴۶ تا ۵۸ هزار
لشده برنج ایرانی	۴۵ تا ۴۶ هزار
نیبدانه	۴۵ تا ۴۵ هزار
هندی ۱۱۲۱	۲۸ هزار و ۰۰۰ تا ۳۴ هزار
پاکستانی باسماطی	۳۳ تا ۳۴ هزار
تایلندی	۱۲ تا ۱۲ هزار و ۵۰۰



نگاه  
محمد رضا شالیفان  
روزنامه‌نگار

## اطرافیان بیمار مبتلا به سرطان فراموش نشوند

با اینکه بسیاری از انواع سرطان‌ها به‌ویژه هنگامی که به‌موقع تشخیص داده شود، قابل درمان است، اما هنوز از جمله بیماری‌هایی به‌شمار می‌رود که می‌تواند مشکلات زیادی برای خود بیمار و اطرافیانش ایجاد کند. مشکلات اقتصادی هم از جمله مشکلات دیگری است که این افراد در طول بیماری با آن دست به‌گریبان می‌شوند.

بنابراین طبیعی است که برقراری روابط نزدیک با خانواده و دوستان و همچنین امکان حضور و حمایت آنها در کنار بیمار در این زمینه مهم باشد. سرطان هم مانند هر بیماری دیگری که علت اصلی آن مشخص نیست، ابهام زیادی برای بیماران دارد، اما نکته اینجاست که به‌اندازه‌ی متخصصان این حوزه، اگر بیماری در مراحل اولیه تشخیص داده شود، اغلب قابل درمان است.

بنابراین در این شرایط، ماهیت آن از یک بیماری سخت به بیماری درمان‌پذیر تغییر می‌کند و به این ترتیب، ترس بیمار هم به‌تدریج از بیسن خواهد رفت. ازبایی، بررسی و پیگیری درمان در این مرحله بسیار مهم است. در این مرحله داشتن روحیه قوی و رهایی از استرس و ترس، در روند درمان نقش مهمی ایفا می‌کند.

در شرایطی که بیمار با شنیدن نام بیماری سرطان، روحیه خود را از دست بدهد و ارتباطش را با دیگران قطع کند و در ادامه از شدت ناامیدی، راضی به درمان نشود، قطعاً یا به درمان نمی‌رسد یا زمانی اقدام می‌کند که دیگر دیر شده است. به‌طور کلی، آنچه در برخی از بیماران مبتلا به سرطان دیده می‌شود، موضوع «انکار» بیماری است. به‌طوری‌که در بسیاری مواقع، بیماران حتی پس از تشخیص بیماری، بازمهم آن را باور نمی‌کنند و گاهی با استفاده از روش‌های غیرعلمی یا سنتی، سعی در انکار یا پنهان کردن واقعیت می‌کنند؛ حتی برخی افراد چنین تأخیری باعث می‌شود بیمار نتواند به درمان ادامه دهد.

وقتی بیماران در مسان را شروع می‌کنند ممکن است واکنش‌های روانی متفاوتی داشته باشند. یعنی شاید دچار افسردگی، اضطراب، خشم یا رفتارهای غیرمنطقی شوند. البته اینگونه رفتارها هم اغلب به‌دلیل مواجهه با عوامل استرس‌زاست که در نهایت باعث می‌شود فرد گمان کند انجام این کارها می‌تواند باعث کاهش اضطراب و استرس او شود. چانه‌زنی یا تقدیر گله و اعتراض به آن از جمله واکنش‌های رایجی است که افراد اغلب هنگام روبرویی با موقعیت‌های سخت، آن را به‌کار می‌برند. نوع نگاه و برخورد خانواده با بیماری سرطان از جمله موضوعات دیگری است که به‌ویژه در جامعه ما به‌درستی انجام نمی‌شود. مثلاً مخفی کردن بیماری از بیمار.



این اتفاق اولاً شوا اخلاقی به‌شمار نمی‌رود چراکه از فرد حق انتخاب را سلب می‌کند. بیمار حق دارد، خودش برای درمان تصمیم بگیرد. ضمن اینکه در درمان بیماری‌هایی مانند سرطان، کمک خود بیمار موضوع بسیار مهمی است. بنابراین او باید از بیماری خود آگاه باشد. نکته دیگر، نوع صورت‌توانی است که اطرافیان با بیمار دارند. گاهی دیده می‌شود که اطرافیان برای بیمار تصمیم می‌گیرند. فراموش نکنیم چیزی که بیمار به آن نیاز دارد، توجه و همراهی است، نه ترمیم و توجیهی به‌خاسته‌ی علائق او. حتی کودکان مبتلا به سرطان هم باید از نوع بیماری خود آگاه باشند و مفاهیم لازم به‌زبان ساده برای آنها توضیح داده شود، در غیراین صورت شاید همکاری لازم را برای درمان نداشته باشند. این موضوع برای خوسته‌ها و علائق او بسیار مهم است. در این میان توجه داشتن به روحیه بیمار و تلاش برای تقویت آن و ایجاد امیدواری برای درمان و ادامه زندگی، یکی از موضوعات مهمی است که برای خود بیمار و مراقبان اصلی او باید انجام شود. مجموعه این اتفاقات سبب می‌شود تا خانواده، فرد، مراحل درمان را آسان‌تر بگذرانند. به‌هر حال اطرافیان بیمار، در پی تشخیص نوع بیماری، با مشکلات زیادی از جمله خشم، ترس و ناامیدی مواجهه و دچار احساس عجز و ناتوانی می‌شوند. چون احساس می‌کنند کاری از دستشان برنمی‌آید. مشکلات اقتصادی و مهارت‌های پایین‌های سنگین درمان هم از جمله مشکلات خانواده‌هاست. وقتی آنها روحیه خوبی نداشته باشند، نمی‌توان از بیمار انتظار داشت روحیه خود را حفظ کند. مهم‌ترین کار برای تقویت قوای جسمی و روحی اطرافیان بیمار، تقسیم کار بین آنهاست. هر چند که گاهی دیده می‌شود که افراد تمایلی به کمک دیگران ندارند، البته اینگونه واکنش‌ها هم در مراحل ابتدایی بیماری طبیعی است اما در طولانی مدت باعث خستگی، ناامیدی و ناتوانی فرد می‌شود. در کنار این موضوع، دریافت خدمات مربوط به مشاوره و کمک‌های تخصصی در زمینه سلامت روان، از جمله اقداماتی است که علاوه بر خود بیمار، اطرافیان او هم به آن نیاز دارند. البته این موضوع در مورد بیماران مبتلا به سرطان می‌تواند به‌دلیل عوارض دارو و بیماری، به‌ویژه در مورد سرطان‌های مربوط به مغز بیشتر دیده شود. بنابراین تقویت قوای ذهنی بیمار و مراقبان او، باید مورد توجه جدی قرار گیرد. یکی از شاخه‌های مهم روانشناسی سلامت هم کمک به بهبود حال بیماران صعب‌العلاج است. چرا که ثابت شده این موضوع می‌تواند در روند درمان تأثیر زیادی داشته باشد. راهکاری‌های زیادی هم برای آن وجود دارد اما نکته اینجاست که توجه به این نکته در مراحل مختلف درمان مانند رادیوتراپی و شیمی‌درمانی هم گاهی نوعی خستگی و افسردگی برای بیمار ایجاد می‌کند. بنابراین حتماً باید به سلامت روان این بیماران توجه داشت و تا حد امکان شرایطی برای آنها فراهم کرد تا بتوانند بیشتر به علائق خود بپردازند و به‌طور کلی سطح کیفی زندگی خود را بالاتر ببرند.

# اجتماعی



عکس همشهری از حامد خورشیدی

# جشنواره دورزدن پروتکل‌ها

با وجود افزایش ۶۱ درصدی آمار بستری‌های کرونا، جشنواره‌های فرهنگی با حضور انبوه جمعیت

به کار خود ادامه می‌دهند



مریم سرخوش  
روزنامه‌نگار

برگزاری جشنواره فیلم فجر با اتفاق عجیبی مواجه و برگزاری مراسم بدون رعایت پروتکل‌های بهداشتی در نشست‌های خبری با اعتراض عکاسان و ترک سالن از سوی آنها همراه شد. در سینماهای منتخب جشنواره فجر و سالن‌های برگزاری کنسرت نه از ۴ مترمربع فضا برای هر فرد و فاصله ۲ متری میان افراد خبری است و نه از فروش بلیت‌ها به‌صورت محدود. در همین وضعیت، فروش بلیت کنسرت برخی خواننده‌های پاپ رکورد زده و تکمیل ظرفیت در کمتر از نیم‌ساعت، منجر به تعدید بسیاری از آنها در چند سانس شده است. شکل برگزاری این رویدادها حتی موجب انتقاد احمد وحیدی، وزیر کشور هم شده است: «در ستاد ملی مقابله با کرونا درباره اجرای کنسرت‌ها، مصوباتی بوده و براساس آن باید براساس مدت زمان ماندگاری، حداکثر ۳۰ درصد ظرفیت را پر کنند».

البته به‌گفته‌ی وزیر کشور این موضوع به‌زودی ابلاغ می‌شود و پس از آن لازم‌الاجرا خواهد بود. اما به‌نظر می‌رسد تا زمان ابلاغ، کنسرت‌هایی که تا هفته آینده ظرفیت فروش بلیت آنها تکمیل شده با همان کیفیت و جمعیت شب‌های قبل برگزار می‌شوند؛ وضعیتی که مورد تأیید متخصصان و مسئولان حوزه بهداشت و درمان نیست. آنها معتقدند با اینکه پروتکل‌های بهداشتی تعریف شده مربوط به دوران پیش از شیوع اومیکرون بوده و با توجه به سرایت‌پذیری سویه جدید کرونا باید با محدودیت‌های بیشتری همراه شود اما اگر همین پروتکل‌ها هم رعایت می‌شد، حداقل جای امیدواری برای کندتر کردن چرخه انتقال ویروس وجود داشت.

### فروش بلیت خارج از پروتکل‌ها

محسن فرهادی، معاون فنی مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت هم رعایت نشدن پروتکل‌های بهداشتی در رویدادهای فرهنگی و اجتماعی را تأیید می‌کند و به همشهری می‌گوید: «در مباحثی که در کمیته امنیتی وزارت کشور داشته‌یم به ستاد ملی مقابله با پیشنهادهای کاهش تماشاگران تا ۱۵ درصد را ارائه کردیم. هیچ زمانی هم در رعایت پروتکل‌ها اجازه استفاده از ۱۰۰ درصد ظرفیت سالن‌ها را ندادیم».

به‌گفته‌ی فرهادی در پروتکل اعلام شده قبل از سوه جدید ۴ مترمربع فضا و فاصله ۲ متری مصوب شده بود اما این فاصله‌گذاری‌ها در سینماها و جشنواره رعایت نمی‌شود

و علاوه بر این کنترلی هم بر روی واکنسین‌ها بودن افراد یا بیمار بودنشان نیست: «این در حالی است که با توجه به بررسی همکاران، بلیط با ظرفیت ۱۰۰ درصد فروخته شده است».

حالا وزارت بهداشت خواستار اعمال محدودیت کامل کرونا بی استست و وزیر بهداشت در این باره می‌گوید: «با توجه به شرایط و شیوع بیماری به‌صورت مرتب به ستاد ملی کرونا پیشنهادها لازم‌رانی دهیم اما یک بخشی مصوب می‌شود و یک بخشی مصوب نمی‌شود. اگر وضعیت به یک برسد قرنطینه هوشمند دیگر ارزش ندارد و باید محدودیت کامل ایجاد شود، در زمینه قرنطینه هم ما

### احتمال اجرای محدودیت‌های جدید کرونا بی

در این وضعیت بلا تکلیفی از اجرای دوباره محدودیت‌های کرونا بی، حالا در ستاد ملی مقابله با کرونا خبر می‌رسد که در صورت نیاز، محدودیت‌های بیشتری اعمال می‌شود. عباس شیروان، سخنگوی این ستاد در توضیح بیشتر به همشهری درباره اینکه چرا با وجود شیوع گسترده اومیکرون برخی مناسبت‌های غیر ضروری فرهنگی و هنری در محیط‌های بسته برگزار می‌شود؟ می‌گوید: «در باره جمعیت‌ها، شیوع بیماری، شیوع شیوع فرهنگی برای جدید و اخبار مکتوب ابلاغ شده قرار است از این پس این رویدادها در اماکن مسقف تنها با ۲۰ تا ۳۰ درصد ظرفیت فضا و ۹۰ دقیقه برگزار شود.» او درباره اینکه براساس هشدار متخصصان روزهای آینده وضعیت توفانی تری از نظر شیوع بیماری در کشور رقم خواهد خورد اما به‌نظر می‌رسد باز هم تصمیم‌گیری درباره اعمال محدودیت‌های جدید و گسترده مانند بیک‌های قبلی در لحظه آخر انجام شود. توضیح می‌دهد: «با توجه به آمار که در حال افزایش است، قطعاً تصمیم‌گیری جدی درباره محدودیت‌های انجام می‌شود. البته هم‌اکنون هم محدودیت‌های نسبتاً مناسبی لحاظ شده است. در بحث مراکز آموزشی و مدارس تصمیم‌گیری درباره برگزاری آنلاین کلاس‌ها به ستادهای کرونا بی استانی واگذار شده که در محدوده شخصی یک بخش، منطقه یا شهر با توجه به وضعیت شیوع بیماری محدودیت کنند. سفرهای استانی هیأت دولت هم به‌مدت ۱۰ روز لغو شده و پیگیری جدی برای تکمیل دوز سوم واکنس کارکنان بخش‌های دولتی و عمومی هم در دستور کار است. با مجموع اینها اگر لازم باشد محدودیت‌های بیشتری هم اعمال خواهد شد. به‌ویژه اگر واکنسین‌ها به میزان مطلوبی پیش‌نبرد باید تدابیر جدی‌تری در این باره اندیشیده شود.» شیروان همچنین درباره انتقادات مطرح شده مبنی بر لغو مصوبه دور کاری در شهرهای قرمز و نارنجی هم می‌گوید: «اعمال این محدودیت‌ها در گذشته با توجه به اینکه واکنسین‌ها در وضعیت مناسبی نبود، براساس تغییر رنگ شهرها با توجه به تعطیلی مشاغل و اصناف با اعمال محدودیت فعالیت و دور کاری برای سازمان و ادارات می‌شد، اما هم‌اکنون تعداد قابل توجهی از کارکنان و بخش‌های زیادی از مردم جامعه واکنسین شده‌اند. به همین دلیل نگرانی‌ها مثل گذشته نیست و ستاد کرونا هم هنوز در این باره تصمیمی نگرفته است. البته بررسی وضعیت شیوع بیماری در روزهای آینده می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری‌های جدید در این باره هم بشود.»



نقل قول



جعفر میعادفر  
رئیس اورژانس کشور

قرار است در هفته آینده ۱۵۸ پروژه سازمان اورژانس مثل پایگاه‌های جدید و همچنین طرح‌های دیگر به‌صورت آنلاین و با حضور مسئولان افتتاح شود. این پروژه‌ها شامل احداث و بهره‌برداری از پایگاه‌های جدید است که قبلاً به‌صورت کانکس فعالیت داشته‌اند و حالا قرار است ساختمان شوند/مهر



عباس عبادی  
معاون پرستاری وزارت بهداشت

مدل محاسبه پرداخت تحرفه‌های پرستاری از ابتدای دی‌ماه ۱۴۰۰ براساس دستورالعمل جدید خواهد بود. شورای عالی بیمه، ضریب ریالی و ارزش نسبی خدمات را به تصویب نهایی رساند و به‌زودی در صحن دولت مصوبه آن گرفته می‌شود. از اول دی، این موضوع عملیاتی شده اما براساس مدل پرداختی، کارانه‌ها با حداقل ۶ماه تأخیر پرداخت می‌شود/تسنیم



علی اصغر بیات  
رئیس کانون عالی کارگران بازنشسته

رئیس کانون عالی کارگران بازنشسته در روزهای اخیر مطالبی مبنی بر مشارکت دفاتر کانون‌های کارگران بازنشسته کشور در موضوع پرداخت تسهیلات بانکی ۵۰ و ۱۰۰ میلیون تومانی بانک رفاه کارگران منتشر شده است که درست نیست. پرداخت تسهیلات برعهده بانک‌های مختلف از جمله بانک رفاه کارگران گذشته شده است و بر حذف ضامن و تنها با ارائه تعهد کسر از حقوق تأکید دارد/مهر



ویژه

## «برگ سبز» را پلیس صادر می‌کند نه مؤسسه «راهگشا»

معاون اجتماعی پلیس راهور در پاسخ به شائبه‌هایی که درباره صدور برگ سبز خودرو، تأکید کرد که این برگه را پلیس صادر می‌کند نه مؤسسه راهگشا. عین‌الله جهانی که در یکی از برنامه‌های تلویزیونی صحبت می‌کرد، در توضیح بیشتر گفت: «سندی که پلیس صادر می‌کند با استاندارد به‌ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی، سند رسمی است البته تمام مجموعه دستگاه قضا هم این مبلغ را تأیید کرده است. همچنین رأی دیوان عدالت اداری قید کرده که برگ سبز سند رسمی تصمیات جدید و اخبار مکتوب ابلاغ شده قرار است از این پس این رویدادها در اماکن مسقف تنها با ۲۰ تا ۳۰ درصد ظرفیت فضا و ۹۰ دقیقه برگزار شود. با توجه به درخواستشان را انجام دهند. مردم خودرو را و کالته خرید و فروش نکنند چرا که پلاک به نام فرد (خریدار) است و فرد دیگری با آن در شهر تردد می‌کند و اگر مرتکب تخلفی شود از لحاظ قانونی آنها هم باید پاسخگو باشند.»



عباس شیروان، سخنگوی ستاد ملی مقابله با کرونا درباره

تجمعاتی از جنس فرهنگی - اجتماعی براساس تصمیمات جدید

و اخبار مکتوب ابلاغ شده قرار است از این پس

این رویدادها در اماکن مسقف

تنها با ۲۰ تا ۳۰ درصد ظرفیت

فضا و ۹۰ دقیقه برگزار شود.

با توجه به درخواستشان را انجام دهند. مردم خودرو را و کالته خرید و فروش نکنند چرا که پلاک به نام فرد (خریدار) است و فرد دیگری با آن در شهر تردد می‌کند و اگر مرتکب تخلفی شود از لحاظ قانونی آنها هم باید پاسخگو باشند.»

## اطلاعیه

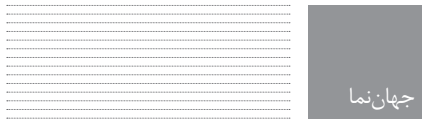
**شورای اصفهان**

در اجرای مفاد تبصره یک ماده پنجاه قانون مالیات بر ارزش افزوده و با توجه به تأیید استاندارد ملی شماره ۱۰۰۲۹۱ مورخ ۱۳۰۰/۱۱/۱۳ بدینوسیله مصوبات شورای اسلامی شهر اصفهان، در خصوص تغییرات ایجاد شده در نحوه محاسبه عوارض جهت اجرا در سال ۱۴۰۱ به شرح زیر اعلام عمومی می‌گردد.

۱. **مصوبه شماره ۲۸/۰۰/۳۷۴۸ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۳۰ در خصوص ارزش افزوده تجاری و تراکم مساحت سال ۱۴۰۱ تراکم ساختمانی در طبقات و ضریب R در محاسبات ارزش افزوده تجاری.**
۲. **مصوبه شماره ۲۸/۰۰/۳۷۲۶ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ در خصوص عوارض پذیره ساختمانی برای کاربری‌های غیر مسکونی**
۳. **مصوبه شماره ۲۸/۰۰/۳۷۲۹ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۹ در خصوص عوارض کسب و پیشه فعالین نظام صنفی و قوانین خاص**
۴. **مصوبه شماره ۲۸/۰۰/۳۷۲۸ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ در خصوص ارزش معاملاتی موضوع تبصره ۱۱ ماده صد**

**شورای اسلامی شهر اصفهان**  
**شهرداری اصفهان**





# پای تسلیحات کره‌ای به مصر هم باز شد

کره جنوبی بعد از انعقاد قراردادی سنگین با امارات، حالا فروش ۱٫۶ میلیارد دلار تسلیحات به مصر را نهایی کرده است



**گزارش**  
کره جنوبی که در سال‌های اخیر خود را به فہرست ۱۰ صادرکننده برتر تسلیحات در دنیا رسانده، مبادلات نظامی با خاورمیانه را افزایش داده و بعد از امارات، حالا قراردادی بزرگ به ارزش ۱٫۶ میلیارد دلار با مصر امضا کرده است.

به گزارش العربی‌الجدید، براساس این قرارداد، مصر توپ‌های پیشرفته و خودروهای پشتیبان از کره جنوبی وارد می‌کند. ستول همین هفته پیش، قراردادی بسیار چشمگیر هم با امارات امضا کرده است. این قرارداد ۳٫۵ میلیارد دلاری که بزرگ‌ترین قرارداد نظامی تاریخ کره جنوبی به‌شمار می‌رود، برای صادرات موشک‌های میان‌برد سطح به سطح به سطح بوده است.

قرارداد با مصر هم از یک منظر تاریخی است؛ براساس این قرارداد، ستول مشتری عرب خود را با توپ‌های هویتر خودکشی K9 تجهیز می‌کند. این بزرگ‌ترین قرارداد صادرات این نوع اسلحه خاص است. K9 یکی از محبوب‌ترین اقلام زرادخانه کره جنوبی است و مشتریان زیادی از سراسر دنیا دارد. این توپ، توسط شرکت صنایع دفاعی هانا تولید می‌شود.

این قرارداد، ۴ هفته بعد از آن بسته شد که مون‌جانگ این، رئیس‌جمهور کره جنوبی، به‌عنوان نخستین رئیس‌جمهور این کشور در ۱۶ سال گذشته، به قاهره سفر کرد. در سفر به قاهره، مدیر شرکت صنایع دفاعی هانا با عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر ملاقات کرد. مصر در سال‌های اخیر دست به بازسازی گسترده ارتش خود زده و پایگاه‌های جدیدی احداث کرده و یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان تسلیحات دنیا به‌شمار می‌رود. این کشور اخیراً قراردادی ۳٫۲ میلیارد دلاری با آمریکا برای خرید هواپیماهای باری نظامی هرکولس و سیستم‌های راداری امضا کرده است.

وزیر دفاع مصر سه‌شنبه هنگام امضای قرارداد نظامی بین کشور در سنول بود. علاوه بر این قرارداد، آکشر چند تفاهنامه همکاری‌های دوجانبه نظامی هم امضا کردند.

## جہش بزرگ کره

کره جنوبی که دهه‌ها سابقه صادرات تسلیحات دارد، در سال‌های اخیر رشد کم‌سابقه‌ای در این بخش داشته و در بازه زمانی ۲۰۲۰-۲۰۱۶ به نهمین صادرکننده برتر تسلیحات در دنیا تبدیل شده است. براساس گزارشی که دولت کره جنوبی صادر کرده، این کشور ۲۰۷ درصد

کارایی بالایی داشته باشد به‌خاطر قیمت بالانمی‌تواند در رقابت برنده باشد. برای نمونه در سیستم‌های تسلیحاتی مثل چئونگ‌گونگ ۲ (موشک زمین به زمین میان‌برد) که امارات اخیراً سفارش خرید آن را داده، تضمین‌های پس از فروش حتی مهم‌تر از خود فروش هستند.

کره جنوبی کار برای تولید این سامانه را با روسیه شروع کرد و مبنای آن، سامانه‌های دفاع موشکی روسیه، از جمله اس-۴۰۰ بوده است. این سامانه می‌تواند همزمان ۴ هدف دشمن را در شعاع ۱۰۰ کیلومتری رهگیری کند و برد عملیاتی آن ۴۰۰ کیلومتر است. صنایع دفاعی کره جنوبی، از جمله ال‌ای‌جی تکس ۱، هانا و کی‌آی‌ای به‌خاطر خدمات بعد از فروش خود، از جمله تامین قطعات و تعمیرات گسترده، نسبت به رقبای خارجی مزیت‌های بیشتری در بازار جهانی دارند. همین رویکرد باعث شده تا کره جنوبی، شاهد درخواست‌های بیشتر خرید تسلیحاتش از خاورمیانه، اروپا و استرالیا باشد. قرارداد با مصر، قطعاً آخرین قرارداد از خاورمیانه نخواهد بود، همانطور که امارات آخرین مشتری سلاح‌های کره‌ای نبود.

علاوه بر چئونگ‌گونگ ۲ و K9، برخی تسلیحات دیگر کره جنوبی هم در بازار بین‌المللی، مشتریان زیادی دارد. خودروی زرهی آ‌اس-۲۱ ر‌دبک شرکت هانا رقیب محصول مشابہی در آلمان است. کی‌آی‌ای

میزان صادرات کره در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ میلادی، سالانه حدود ۳ میلیارد دلار بوده است. دلیل رشد چشمگیر صادرات در سال ۲۰۲۱، علاوه بر قراردادها در خاورمیانه، فروش توپ K9 به استرالیا بوده است. این محصول، به‌خاطر کارایی بالا و قیمت پایین، یکی از محبوب‌ترین سلاح‌های صادراتی کره جنوبی به‌شمار می‌رود.

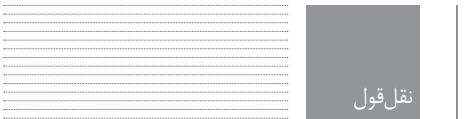
یک منبع در صنایع دفاعی کره جنوبی به روزنامه اقتصادی اکونومی دیلی درباره محبوبیت محصولات کره‌ای در بازار جهانی گفته است: «حتی سلاحی که

## چرا مصر K9 را انتخاب کرد؟

مصر، حدود ۱۰ سال پیش می‌خواست سیستم‌های توپخانه‌ای خود را ارتقا بدهد اما به‌خاطر مسائل داخلی، این اتفاق به تعویق افتاد. علاوه بر K9، مصر چند سیستم مشابه از فرانسه، روسیه و چین را هم مدنظر داشت و آنها را تست کرد. بعد از این آزمایش‌های اولیه، محصول کره‌ای و س‌س‌ز، رقیب فرانسوی‌اش، در رقابت باقی ماندند. مزیت‌های بازاری K9 و شباهت این مدل با هواپیماهایی که همین حالا در ارتش مصر استفاده می‌شود، مقامات ارتش مصر را متقاعد کرد که در نهایت مدل کره‌ای را بر رقیب فرانسوی‌اش ترجیح دهند.

هم می‌خواهد جنگنده‌های سبک اف‌ای-۵۰ را به کشورهای آمریکا لایتین، از جمله کلمبیا صادر کند. کره جنوبی امیدوار است ۶۰ فروند از این جنگنده‌ها را در قراردادهایی به ارزش ۳ میلیارد دلار به کشورهای منطقه بفروشد.

شرکت هیوندایی ر‌وم هم به‌سختی تلاش می‌کند تا مناقصه تامین نسل آینده تاک‌های اصلی میدان نبرد نوز را با تانک پیشرفته K2 برنده شود.



## آنتولی آنتونوف



سفیر روسیه در آمریکا  
بیانیه‌های کاخ سفید درباره استفاده روسیه از سلاح‌های شیمیایی و حملاتش به کشورهای دیگر نادرست است و پایه و اساسی ندارد. آمریکا می‌خواهد وجهه روسیه را خراب کند. آمریکا تنها کشوری است که به تعهداتش عمل نمی‌کند و همچنان تسلیحات شیمیایی خود را حفظ کرده است.

## قیس خزعلی



دبیرکل عصاب اهل الحق عراق  
در سایه سکوت دولت مرکزی، سریال نقض آشکار حاکمیت عراق از سوی ترکیه ادامه دارد. ترکیه پایگاه‌های نظامی خود را در شمال عراق تثبیت کرده است. نیروهای ترکیه، غیرنظامیان بی‌دفاع را مورد هدف حملات هوایی قرار می‌دهند. به‌زودی مقاومت به اشغالگران ترکیه درس سختی خواهد داد.



## روزنامه وال استریت ژورنال [آمریکا]

### رکورد بازار کار آمریکا

بازار کار آمریکا در پایان سال گذشته میلادی، در اوج قرار گرفت و رکوردی تازه ثبت کرد؛ هر چند شیوع اوامیکرون هم اثراتی بر آن داشته است. در ماه پایانی سال ۲۰۲۱، حدود ۱۰۹ میلیون موقعیت شغلی در بازار کار آمریکا ایجاد شد که ۱۰۰هزار نفر بیشتر از ماه قبل از آن بوده است.

**اصلاحیه آگهی مزایده**  
شرکت توسعه بازاریابی و فروش ماد  
با وکالت از بانک ملت  
پیرو چاپ آگهی مزایده شماره ۱۴۰۰/۱۸ در روزنامه همشهری مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۱ به اطلاع می‌رساند  
ردیف ۲۰ آگهی یادشده با کدشناسه ۳۰۷۷۱۶ مربوط به استان آذربایجان شرقی از لیست مزایده حذف گردیده است. سایر شرایط مندرج در آگهی به قوت خود باقی است.  
WWW.MaadMellat.ir

**آگهی مناقصه عمومی**  
احداث نیروگاه گازی ۱۲ مگاوات  
بامتعلقه کامل در کرکله شرکت سیمان عمران انارک  
شرکت سیمان عمران انارک در نظر دارد مهندسی، تأمین تجهیزات، نصب و راه اندازی کلیه تأسیسات مورد نیاز نیروگاه مقیاس کوچک گازسوز با ظرفیت ۱۲ مگاوات با متعلقات کامل (به استثنای موتور - ژنراتورهای گازسوز) بصورت EPC در محل کارخانه شرکت سیمان عمران انارک (دلیجان) را از طریق مناقصه عمومی به شرکت واجد شرایط واگذار نماید. لذا شرکت های توانمند و با سابقه می توانند درج آگهی به مدت ۱۰ روز با مراجعه به سایت شرکت سیمان عمران انارک اسناد مناقصه مربوطه را دریافت و نسبت به ارسال پیشنهاد مالی و فنی به آدرس: تهران، سپهروری شمالی، خیابان هویزه شرقی، پلاک ۳۵، شرکت سیمان عمران انارک، طبقه دوم، واحد بازرگانی، امور قراردادهای اقدام نمایند.

**اهدای خون = اهدای زندگی**

**اطلاعیه شرکت نان گستر نیکان**  
بدینوسیله به استحضار می‌رساند اصل پروانه های ساخت به ترتیب:  
۱ - نان تافتون فیبردار ۱۴۸۹۹ / ۵۴  
۲ - نان لایه ای فیبردار ۵۶ / ۱۴۹۰۰  
۳ - نان مسطح تافتون حاوی آرد جو ۵۶ / ۱۴۶۳۲  
۴ - نان لایه ای دار چینی با کره گیاهی ۵۶ / ۱۵۴۷۸  
متعلق به شرکت نان گستر نیکان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

**ولی همچنان ماسک می‌زنم**

**آگهی تجدید مزایده راهبری و بهره برداری از خطوط پردازش پسماند M1M2 با ظرفیت اسمی حداکثر ۸۰۰ تن در روز و راهبری سایت تولید کمپوست (۴-۲-۴۰۰)**

سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران در نظر دارد راهبری و بهره برداری از خطوط پردازش پسماند M1M2 و همچنین بهره برداری از سایت تولید کمپوست در مجتمع آزادکوه را از طریق برگزاری مزایده عمومی به شخص حقوقی واجد شرایط واگذار نماید. علاقه‌مندان به شرکت در مزایده دعوت به عمل می‌آید حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز از درج آگهی ضمن مراجعه به اداره درآمد سازمان مدیریت پسماند و واریز مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال، با در دست داشتن اصل فیش واریزی، اسناد، مهر و اطلاعات کامل شرکت جهت دریافت اسناد مزایده به امور قراردادهای سازمان به نشانی ذیل‌الذکر مراجعه و نسبت به ارسال اسناد مزایده از طریق پست پیشتاز در ساعت اداری به دبیرخانه سازمان واقع در تهران، خیابان شهید رجایی، انتهای ۱۳ آبان، صالح آباد شرقی، سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران اقدام نمایند. محل بازگشایی و قرائت پیشنهادات در محل فوق‌الذکر می‌باشد. ضمناً در صورت وجود هرگونه سوال در خصوص موضوع مزایده، ضمن تماس با معاونت پردازش و دفع به شماره تلفن: ۳-۵۶۵۲۰۶۴۲، موضوع را مطرح و پاسخ لازم دریافت گردد. ضمناً مواردی که در آگهی مزایده درج نگردیده، تابع شرایط مندرج در اسناد مزایده و سایر ضوابط جاری و مورد عمل سازمان و شهرداری تهران می‌باشد.  
**توجه ۱:** کلیه اطلاعات مربوط به معاملات و قراردادهای منعقد در وبسایت شفاف سازی شهرداری تهران جهت اطلاع عموم شهروندان منتشر می‌گردد.  
**توجه ۲:** کلیه مراجعین می‌بایست با رعایت پروتکل بهداشتی (داشتن ماسک) جهت دریافت اسناد اقدام نمایند. در صورت عدم رعایت پروتکل مذکور، سازمان از پذیرفتن اشخاص معذور می‌باشد.  
**توجه ۳:** ضمناً کد اقتصادی ۴۱۱۴۷۹۲۹۶۶۸۳ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۶۱۰۴۹۳ متعلق به سازمان مدیریت پسماند می‌باشد.  
**توجه ۴:** شرکت‌کنندگان می‌توانند با مراجعه به پرتال سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران به آدرس <https://pasmand.tehran.ir> جهت دریافت اسناد مزایده اقدام نمایند.

ردیف	موضوع پروژه	مبلغ سپرده (ریال)	مدت (ماه)	توضیحات
۱	مزایده راهبری و بهره‌برداری از خطوط پردازش پسماند M1M2 و همچنین بهره‌برداری از سایت تولید کمپوست در مجتمع آزادکوه	۱,۹۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۴ ماه شمسی	از جمله شرایط الزامی، دارا بودن گواهی صلاحیت ایمنی، صلاحیت پیمانکاری و کارت الکترونیکی پیمانکاران به شرح مندرج در اسناد مزایده می‌باشد.

**حوزه معاونت خدمات شهری شهرداری تهران سازمان مدیریت پسماند**

**آگهی مزایده عمومی**  
شهرداری منطقه ۳ تهران در نظر دارد بهره برداری از اماکن مشروحه ذیل را از طریق مزایده عمومی به بخش خصوصی واگذار نماید، لذا از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط جهت شرکت در مزایده دعوت بعمل می‌آید.

ردیف	شرح عملیات	قیمت کارشناسی ماهیانه (سال اول)	بهره برداری (ماه)	مبلغ سپرده (ریال)	ملاحظات
۱	بهره برداری از بوفه بوستان شاد	۷۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۲	۴۲,۰۰۰,۰۰۰	واقع در بوستان شاد، تقاطع خیابان برزیل و شاد مساحت حدود ۳۰ متر مربع
۲	بهره برداری از بوفه بوستان پایداری	۱۷,۵۰۰,۰۰۰	۱۲	۱۵,۰۰۰,۰۰۰	واقع در خیابان قبا بوستان پایداری مساحت حدود ۱۴ مترمربع
۳	بهره برداری از بوفه بوستان صبا	۱۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۲	۱۵,۰۰۰,۰۰۰	واقع در خیابان نلسون ماندلا بوستان صبا مساحت حدود ۸,۵ مترمربع
۴	بهره برداری از یک باب مغازه در خیابان شریعتی، خیابان خاقانی، خیابان عطاری مقدم، نبش کوچه فخر(نوبت دوم)	۶۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۲	۳۶,۰۰۰,۰۰۰	متراژ ۱۸,۵ متر مربع دارا بودن یک نمونه قرارداد مشابه الزامی می‌باشد.
۵	دفتر تاکسی سرویس پایانه حقانی	۴۵,۰۰۰,۰۰۰	۱۲	۲۷,۰۰۰,۰۰۰	متراژ حدود ۵۶ مترمربع واقع در پایانه حقانی

۱) سپرده شرکت در مزایده بصورت ضمانتنامه معتبربانکی یا واریز نقدی به حساب شماره ۱۰۰۴۵۶۷۴۲۵ نزد بانک شهر شعبه حسینیته ارشاد کد ۲۲۶ می‌باشد. ۲) شرکت‌کننده از تاریخ انتشار آگهی ده روز فرصت دارد اسناد را تهیه، تکمیل و پیشنهاد خود را در پاکت لاک و مهرشده تحویل دبیرخانه منطقه نماید. ۳) شرکت درفرآخوان و ارائه پیشنهاد به منزله قبول شروط و تکالیف مقرر در ماده ۱۰ آئین‌نامه معاملات شهرداری تهران می‌باشد. ۴) مشروح شرایط دراسناد درج گردیده که شرکت‌کنندگان می‌توانند از طریق سایت WWW.TEHRAN.IR نیز رویت نمایند. ۵) محل دریافت اسناد شامل کلیه شرایط شرکت درمزایده: اداره قراردادهای شهرداری منطقه ۳ واقع درخیابان دکترشریعتی-پائین ترازحسینیته ارشاد- ساختمان مرکزیصلی، طبقه سوم می‌باشد. ۶) قیمت پیشنهادی باید ازحیث مبلغ مشخص و معین و بدون ابهام بوده و در پاکت «ب» لاک و مهر شده درموجوده مقرر تسلیم دبیرخانه منطقه شود. ۷) درصورت اختلاف میان مطالب آگهی و مستندات مزایده، ملاک عمل مندرجات آگهی می‌باشد.

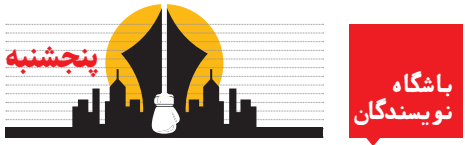
**روابط عمومی شهرداری منطقه سه تهران**

# همیشه‌ری

صفحه آخر

بشوی اوراق اگر همدرس مایی  
که علم عشق در دفتر نباشد

حافظ



باشگاه نویسندگان

## دیوارهای سبز



مریم ساحلی  
روزنامه‌نگار

حال پراید بری جان از دیروز  
نامیزان است. ۳ که روغن قد سکه

پنج تومانی، کف خیاط می‌گویند، نباید دست دست کرد. برنج ناهار را که آب می‌کشند، راه می‌افتد سمت تعمیرگاه. آدمک اوپزان از اینه تاب می‌خورند و کارشناس خوش صحبت درون رادیو حرف می‌زند. صحبت از چشم‌اندازهای سبز است و پرورش گلپای آپارتمانی کم‌زحمت، خیال بری جان می‌رود سراغ باغچه خانه پدری و ردیف درخت‌های انجیر و سیب و نارنج. شهدانی‌های سرخ و سفید دور حوض هنوز بر گپ‌هایشان را تکان می‌دهند که بری جان می‌رسد و ماشین را تحویل مکانیک می‌دهد. پراید نوک مدادی کسه می‌رود روی چال. پری جان چشم می‌چرخاند. تعمیرگاه‌های ماشین و تعویض روغنی‌ها قشنگ نیستند. هر چقدر هم که بسازند و بشوندشان همیشه نوعی سیاهی آمیخته به روغن در آن سرگردان است. دیوارهاشان آخم دارند و زمین شان خسته از ضربات همه ابزار است که بی‌هواریشان راه هاشداند. آدم‌هایی که کارشان به مکانیکی می‌افتد در دلشان خدا خدای می‌کنند. عیب ماشین شان به درستی تشخیص داده شود و هزینه قطعات یدکی و دستمزد خیلی زیاد نشود. آنها کنار بوی روغن به اتلاف وقت و کارهای عقب مانده خود فکر می‌کنند.

بری جان اما وسط همه این فکر و خیال‌ها، حواشش به بوستر چرب و چیل روی دیوار است. خانه‌ای بزرگ که پیچکی با گل‌های کوچک سرخ دیوارهایش را پوشانده است. پری جان نگاهش می‌رود روی میزی که روکش چرمش گله به گله خراش برداشته و لیوان دسته‌دار چای نیم‌خورده روی آن، چرت می‌زند. پری جان می‌گوید که می‌رود و تا نیم ساعت دیگر بر می‌گردد. مکانیک سفارش می‌کند، به موقع برگردد. پری جان ۲۶ دقیقه بعد با گل‌دان پتوس بر می‌گردد. گل‌دان رami گذارد پای دیواری که بوستری چرب و چیل، نشسته است روی سینتاش؛ بعد هم گره روسری اش را سفت می‌کند و رویه مکانیک و شاگردش می‌گوید: برای دیوارهای شما. کسی چه می‌داند شاید زود قد کشید و پیچید و پیش رفت و همه این دیوار و آن دیوارهای دیگر زود زود سبز شدند.

## میگرن



عیسی محمدی  
روزنامه‌نگار

تو آمده‌ای باعث زجرم بشوی؟  
یابعد از دیداد اجرم بشوی؟

من عاشق «فیلم اولی» بودم تا  
سیمرغ بلور فیلم فجرم بشوی

تو سفره ما و گندم جان بودی  
چون مستمری مستمندان بودی  
در خوردی عشق ما نبود عیب ولی  
عیبی هم اگر بود ز قطعه سازان بودی

که خشم و گاه خندم می‌کردی  
مانند کباب‌دندم می‌کردی  
من عشق به چشمان تو می‌ورزیدم  
تو حمله به «پخش زنده» ام می‌کردی؟

من عشق طفیلی تو بودم آیا؟  
مجنون که نه، لیلی تو بودم آیا؟  
کویدیدی و بعد از آن به بندم کردی-  
«مهرشاد سهیلی» تو بودم آیا؟

در او سفر، «قطر خطر» را دیدم؟  
یا آنکه خطر سفر قطر را دیدم؟

کویدیدی شدم چون «اسکوویچ» اما باز  
من زودتر از همه، «قطر» را دیدم

من خسته‌ام از کار بدی، غیریدی  
دخلم همه شصت، خرجم اما که صدی...  
یک عمر نگه داشته‌ام این «دل» را  
افسوس که «بابان» شدم جای بدی...

## همیشه

چیزی هست



نامه وارده - هادی کلاه‌داری

آدم وقتی کلافه و ناامید و عصبی است فکر می‌کند دیگر چیزی برای از دست دادن ندارد ولی وقتی چیزی را از دست می‌دهد تازه می‌فهمد چیزی برای از دست دادن داشته. همان لحظه فکر می‌کند حالا دیگر واقعا چیزی برای از دست دادن ندارد و باز شروع به انجام کارهایی بدون احتیاط می‌کند و چیز دیگری را از دست می‌دهد و همان لحظه دوباره می‌فهمد که چیزی برای از دست دادن داشته است.

احتمالا همان لحظه فکر می‌کند که الان دیگر مطمئنا چیزی برای از دست دادن ندارد و مجددا شروع به بی‌احتیاطی می‌کند تا چیز دیگری را از دست می‌دهد. خلاصه این قصه تا برگ ادامه پیدا می‌کند. پس بهتر است این جمله و این فکر که «من دیگه چیزی برای از دست دادن ندارم» را برای همیشه کنار بگذاریم.

## تقویم / اذادروز

### شهاب سینما



شهاب حسینی

شهاب حسینی بازیگر عجیبی است. بازیگری با قدرت فضا را وان ریسک پذیری. او که نخستین بار با اجرای تلویزیونی خود را به مردم شناساند، در ادامه راه توانست در دنیای بازیگری خود راه‌عنوان یکی از بهترین بازیگران سینما و تلویزیون ایران به اثبات برساند و جایزه بازیگری فستیوال کن که یکی از معتبرترین جوایز محسوب می‌شود را دریافت کند. شهاب حسینی ۱۴ بهمن ۱۳۵۲ در تهران به دنیا آمد. فعالیتش را با بازیگری در رادیو آغاز کرد و در سال ۱۳۷۷ با اجرا در برنامه اکسپوز در تلویزیون، دیده شد. طولی نکشید که از اجرا به سمت بازیگری رفت و تبدیل به بازیگری درجه یک شد. سوپرستار سینمای ایران امسال داوری چهارمین جشنواره فیلم فجر را نیز بر عهده دارد تا ثابت کند در سینما هم حرف‌ها را می‌زند.

### آقای کاپیتان



همان روزی که پاس

بی‌نقص علی دایی، از پشت مدافعان توپ را به شماره ۱۱ ایران رساند و او بسا یک بغل‌بای تاریخی توپ را درون دروازه مارک بوستنج جای داد تا راه بازی برگرداند و با دومین گل، ایران را به جام جهانی برده، محبوبیت شماره ۱۰ تیم ملی با آن پاس تاریخی، چندبرابر شد. علی دایی که حالا به اسطوره فوتبال معروف است ۱۴ بهمن ۱۳۴۸ در دیل به دنیا آمد و فوتبال را هم از تیم استقلال اردبیل آغاز کرد. بعد از قبولی در دانشگاه صنعتی شریف و اقامت در تهران، در تیم بانک تجارت در مسابقات لیگ تهران به میدان رفت و از آنجا بود که مسعود توجه مربیان وقت تیم‌های فوتبال قرار گرفت و برای نخستین بار به تیم ملی دعوت شد. دایی نزدیک به ۱۶ سال عنوان آقای گلی جهان را داشت تا اینکه امسال کریستیانو رونالدو این عنوان را از آن خود کرد. علی دایی با اینکه سال‌هاست از بازیکن بودن در مستطیل سبز خداحافظی کرده، اما برای ایرانی‌ها همیشه اسطوره فوتبال باقی خواهد ماند.

## شیرینی خوش‌بینی در سوم فوریه

ارتباط معناداری با موقعیت فسر ندارد. فرض کنیم یک خوش‌بین و یک بدبین را به خلأ بریم (فرض محال که محال نیست) حالا فارغ از تمام مشکلات لاینحل خانوادگی، اجتماعی و فردی هر دوی آنها را در معرض یک مسئله قرار دهیم. برای نمونه در خلأ (هیچ اشاره‌ای به جغرافیایی خاصی هم نداریم) سال نو نزدیک است و قرار است شب عید چند مهمان فضایی برای دو نفر خوش‌بین و بدبین ما کیسول اکسیژنی بیاورند و در مقابل گرفتن کیک مراسم سفر فضایی آنها کیسول اکسیژنی به آنها تحویل بدهند. هر چه باشد چه خوش‌بین چه بدبین بعد از یک دقیقه در خلأ آدمیزاد خفه می‌شود. بودجه هر دوی آنها یک حقوق کارمندی است و همان هفته‌های اول ماه خرج اجاره و غیره شده است که خبر می‌رسد مطابق گزارش مرکز آمار مستقر در نزدیکی بانک که حقوق آنها را پرداخت می‌کند قیمت شیرینی

امروز سوم فوریه روز جهانی خوش‌بین‌هاست. همانها که وسط کویر هم به آن قطره ماسیده ته لیوان می‌گویند نیمه پر لیوان. همان‌ها که در حالی که ساعت رولکس شان را روی میچ‌شان تاب می‌دهند به ساعت مچی کارگری که دیگر توان خرید باتری ساعت هم ندارد به طعنه می‌گویند اشکال ندارد خوش‌بین باش حتی یک ساعت خراب هم روزی دو بار زمان درست را نشان می‌دهد. نه حساب این گروه را که فقط ابراز خوش‌بینی می‌کنند و از خوش‌بین‌های واقعی جدا کنیم. اتفاقا عینک بدبینی بزینم و هر کسی را به این جر که مقدس راه ندیم. واقعیت این است که خوش‌بینی و بدبینی هیچ

### سامان رضایی

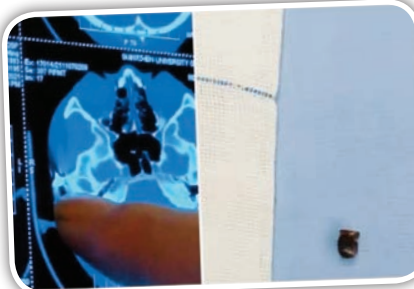
روزنامه‌نگار

## اول آخر



بازار دهلی نو - هند/ عکس: گاردین

## بی‌خبری از گلوله‌های در سر



ششون: مردی که سال‌ها با سرب‌دهای شدیدی دست و پنجه نرم می‌کرد سرانجام پس از ۲۰ سال متوجه شد گلوله‌های در جمجمه‌اش جا خوش کرده است. به گزارش ادیتی سنترال، ژانویه ۲۸ ساله که تصور می‌کرد هنگامی که روی سمت چپ سرش می‌خوابید سرب‌دهایش شروع می‌شود خبر نداشت که طی ۲۵ دهه گلوله‌های که برادرش به اشتباه به سمت او شلیک کرده بود در این سمت از جمجمه‌اش گیر کرده است. پزشکان زمانی علت سرب‌دهای او را کشف کردند که پزشک دانشگاه ششون متوجه شد علامت بیماری او با هیچ‌یک از انواع سرب‌دهی که او می‌شناسد همخوانی ندارد و بنابراین دستور داد از سر او تصاویر ام‌آر‌آی تهیه شود. پزشکی که ژانویه در درمان کرده می‌گوید برای من این نخستین بار است که موردی اینچنینی را مشاهده می‌کنم اما در جامعه پزشکی این مورد اصلا چیز نادر نیست. بسیاری از بیماران که مشکل تنفس دارند پس از یک معاینه دقیق پزشک متوجه می‌شود شیء کوچکی مانند تکه‌ای از یک اسباب‌بازی در مجاری تنفسی او گیر کرده است.

## بهار یک ماه زودتر می‌آید



لندن: شاید تا چند دهه پیش اگر به مردم خبر می‌دادید که قرار است بهار یک ماه زودتر از راه برسد آنها خوشحال می‌شدند اما این روزها آگاهان از تغییرات اقلیمی به خوبی می‌دانند که وقتی دانشمندان اقلیم‌شناس خبر از بهاری زودرس در بریتانیا می‌دهند این خبر قدری می‌تواند ناگوار باشد. به گزارش بی‌بی‌سی، براساس مطالعه‌ای که در دانشگاه کمبریج انجام شده تغییرات اقلیمی باعث شده گیاهان بریتانیا یک ماه زودتر گل بدهند. پرفسور اولف بانگینگ از دانشگاه کمبریج و محقق اصلی این مطالعه گفت که امکان بروز ناهماهنگی اکولوژیکی وجود دارد که دارای پیامدهای چشمگیری بر «عملکرد و بازدهی» طبیعت و زراعت خواهد بود. گرمایش زمین باعث شده است که در بسیاری مناطق بهار زودتر از راه برسد و پاییز دیرتر شروع شود.

## پایان لباس‌های خردار در ایتالیا



رم: برنسد ایتالیایی دولچه‌گابانا اعلام کرد از سال جاری میلادی خز را از تمام مجموعه محصولات خود حذف خواهد کرد. به گزارش ایندیپندنت، از این پس برنسد یاد شده در تولید لباس و لوازم تزئینی به استفاده از خز مصنوعی سازگار با محیط‌زیست روی خواهد آورد. فدلده اوزاری، مسئول ارتباطات و بازاریابی این نام تجاری گفت: «دولچه‌گابانا در حال حرکت به سمت آینده‌ای پایدار است که در آن استفاده از خز حیوانات جایی ندارد. کل نظام تولید پوشاک روز مسئولیت اجتماعی مهمی بر عهده دارد که باید آن را ترویج و از آن حمایت کند». این بیانیه مورد استقبال سازمان‌های حقوق حیوانات قرار گرفت و انجمن بین‌المللی حمایت از حیوانات اج‌اس‌آی (HSI) آن را «نقطه عطف مهمی در نابودی تجارت ظالمانه خز» توصیف کرد. کلر پاس، مدیر اجرایی اج‌اس‌آی بریتانیا گفت: «از تصمیم دولچه‌گابانا تحسین می‌کنیم و از تعهد آنها به حفظ مشاغل و مهارت‌های صنعتگران با استفاده از مواد ابتکاری عاری از خز استقبال می‌کنیم. وقت آن رسیده است که دولت بریتانیا به خواسته‌های مردمش توجه کند و با وضع قوانینی برای ممنوعیت واردات و فروش خز واقعی حیوانات در سریع‌ترین این تجارت ظالمانه را به کتاب‌های تاریخ بسپارد.»

## دغدغه

### که غیر از ما کسی به فکر ما نیست



نافیسه میاسی

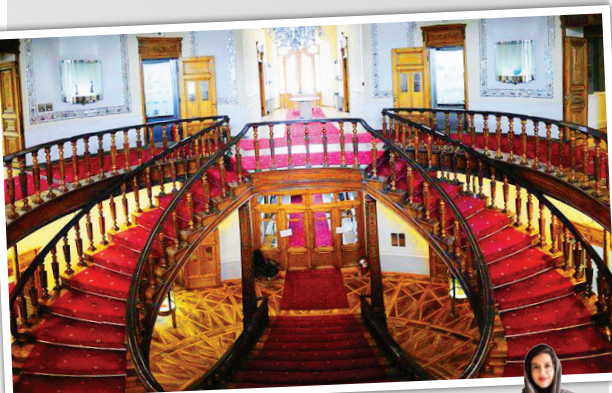
به رنگ قرمز کرونایی در آمده) با تراکم بسالای جمعیت و حضور بیشتر کارکنان برای دور کاری انجام نشده و پروتکل‌های قبلی مانند محدودیت در تردها و بسته شدن مکان‌های عمومی هنوز اعمال نشده است. انظور که وزارت بهداشت و ستاد کرونا پیش‌بینی می‌کنند، وضعیت احتمالا از این هم بدتر خواهد شد و بر تعداد مبتلایان و بستری‌شدگان اضافه می‌شود.

سفر رفتیم، مهمانی گرفتیم و دورهمی‌هایمان دوباره برقرار شد. غافل از اینکه سوویه جدید کرونا خیلی موثرگی و آرام آرام جای خودش را در کشور باز کرده و حالا هم که دیگر بیک ششم را با خودش آورده و شهرها را برای چندین بار قرمز کرده است. اومیکرون در همین یک هفته اخیر مبتلایان زیادی داشته، گذشته از آدم‌هایی که واکسن دومی ندارند و حاضر نیستند واکسنه شوند، آنهایی که هر ۳ دوز واکسن را هم زده‌اند، به راحتی مبتلا شده‌اند و واکسن فقط کمک کرده که بیماریشان حاد نشود. با همه اینها هنوز ابلاغی به دستگاه‌های اجرایی به ویژه در تهران (که حالا



## تهران من

### معماری کارت‌پستالی



سارا کریمان

فرایند تلفیق معماری ایرانی-اروپایی از ابتدای دوره قاجار آغاز می‌شود و در اواخر قاجار و اوایل

پهلوی شدت می‌یابد. سفرهای شاه، درباریان و رجال به اروپا و همچنین اعزام دانشجویان به فرنگ و تأسیس مدرسه دارالفنون، در گام‌های ورود فرهنگ غربی به کشور بودند. در دارالفنون دو کرشیش و بولاک معلمان فرهنگی در رشته معماری بودند که طبعاً مبنای معماری غربی را آموزش می‌دادند. در سال ۱۲۴۳ خوشبیدی متحن‌الدوله به‌عنوان نخستین معمار تعلیم‌دیده ایرانی در اروپا به ایران بازگشت و ساخت بناهایی همچون مسجد و مجلس سپهسالار و مجلس شورای ملی به او سپرده شد.

اواخر دوره قاجار معماری از این دست موسوم به معماری کارت‌پستالی رایج می‌شود. از سال‌های ۱۲۸۰ به این سوبقه‌ای که به خارج سفر می‌کردند، همراه مراسلات و نامه‌نگاری کارت‌پستال هم ارسال می‌کردند. کارت‌پستال رسانه‌ای شد برای تماشای چستی جهان غرب.

در معماری کارت‌پستالی اصطلاحاً کارفرما براساس تصویری از یک ساختمان که در کارت‌پستالی منتشر شده بود، طرح بنای خود را به معمار پیشنهاد می‌دهد و عملاً معمار براساس تصویر، تزئینات و فرم را تقلید می‌کند. در واقع این معماری بر ساختار سنتی معماری ایرانی و سازه رنگی شکل می‌گیرد. نتیجه آن که در کلیت اثر تعادل، توازن، آرامش و وحدت دیده می‌شود. در تزئینات این قبیل معماری نوعی واقع‌گرایی در نقوش انسانی و گیاهی به چشم می‌خورد؛ همچنین از خطوط هندسی ایران و رم باستان و نصب مجسمه روی بنا استفاده شده است. در حقیقت معماری نئوکلاسیک غربی است که با معماری ایران تلفیق شده است. کاخ ملیجک (عزیزالسلطان) در اندرونی باغ سپهسالار و قصر فیروزه که بسیار به کاخ تروکادرو شبیه است از نخستین نمونه‌های این سبک هستند. بعدتر معمارانی همچون علی محمد صائمی معمارباشی در ساخت بناهایی همچون عمارت سردار اسعد بختیاری و خانه قوام در تثبیت این سبک کوشیدند.

بعدتر در دوره پهلوی اول و جریانات مدرنیستی سبک‌های وارداتی تماماً اجرا می‌شدند همانطور که در آثار وارطان هوانسیان دیده می‌شود. امروزه نیز تمایل به ساختمان‌هایی با شمایل نئوکلاسیک غربی وجود دارد. این سبک ذاتاً نمایانگر تمول مالک است و غالباً افراد چه در خاستگاه اصلی خود چه در سرزمین‌های دیگر آن را برای نمایش تفاخر خود برمی‌گزینند.





### نوشتن، شادمانی تکرار شونده من است

فریبا کلهر، نویسنده‌ای که به باتوی هزار قشه معروف است

۱۲



### کشتی ایران مثل چاه نفت می ماند

منصور بزرگر که در ۷ دوره المپیک مربی تیم ملی بوده، از وضعیت این روزهای کشتی می گوید

۱۵



### ناشناخته‌های طلایی یک جزیره

در این سرما، سراز جزیره قشم و هوای معتدل و خاص ترین جاذبه کمتر شناخته شده‌اش رفته‌ایم

۱۶

# روز هفتم



عکس: سپهر بخشناری

## هیچ وقت به خاطر جشنواره و جایزه کار نگرده‌ام

پای صحبت‌های محمدرضا علیمردانی، بازیگر، مجری، دوبلور و خواننده، به بهانه حضور متفاوتش در جشنواره فجر



النا عباسیان

عرف است که دوبلورها و مجری‌ها و حتی ورزشکاران و فعالان حوزه‌های دیگر سر از رشته بازیگری در بیاورند؛ چرا که این رشته به هر حال جاذبه‌ها و شهرت‌های خاص خودش را دارد. شاید در نگاه اول، تصور کنید که در مورد محمدرضا علیمردانی هم ماجرا چنین است، در حالی که کاملا اشتباه است. در واقع علیمردانی که او را شاید عموم مخاطبان بیشتر با اجراها و دوبله‌ها و صدای پیشگی‌ها و حتی موسیقی‌اش بشناسند، فارغ‌التحصیل تئاتر و نمایش و بازیگری است و علاقه اصلی‌اش هم بازیگری بوده است اما به گفته خودش، توانایی‌هایی چون صدای پیشگی و اجرا و... در دل بازیگری هم هست. او این روزها با برنامه «چهل تیکه» همزمان تلویزیون است و البته اینقدر درگیر کارهای مختلف شده که فرصت سر خاراندن هم ندارد. نکته جالب تر هم درباره این دوبلور و گوینده و مجری و خواننده و مدرس، آن است که به واسطه یک اختلال مادرزادی در تارهای صوتی‌اش، اساسا تا نوجوانی به سختی قادر به صحبت کردن بوده تا اینکه با روش یک قاری مصری اراده و امید تازه‌ای پیدا کرد تا بعد از یک دهه مرارت و تمرین بر مشکلش غلبه کند و امروزه جزو گویندگان و هنرمندان ایرانی است. بهانه گفت‌وگوی ما با این چهره نام آشنا، فیلم «نمور» با بازیگری او است که در جشنواره فیلم فجر امسال نیز حضور دارد. جالب اینکه خود او نیز نینداند قبل از این اساسا تجربه حضور در این جشنواره را داشته یا نداشته. حال علتش و البته دیگر نکته‌های دیگر را باید به دل این مصاحبه بروید تا متوجه شوید.

در مورد کسسانی که مثل شما، فعالیت‌های هنری مختلفی دارند معمولا باید با این سؤال شروع کرد که شما اساسا چه نیستید و چه کاری نمی‌کنید؟

متشکرم که سؤال اول را با شیرینی و طنز آغاز کردید. اساسا همه آنچه من در حوزه‌های مختلف کاری تجربه می‌کنم، همه مشتق‌ها و تکالیف بازیگری است، یعنی زمانی که از ابتدا بازیگری می‌موختم و البته هنوز هم می‌آموزم به ما این گفتند که یک بازیگر باید بتواند اجرای خوب داشته باشید.

این حجم گسترده از فعالیت‌ها، احيانا به نفع کارهای هنری شما تمام می‌شود یا به ضرر؟ ضرر از پایت اینکه شاید تمرکز کاملی روی یک یا دو شاخه مرتبط از هنر تان نداشته باشید...

در تمرینات بازیگری که داشتیم، هر هفته موظف بودیم استندآپ کمدی و استندآپ ترازدی داشته باشیم. اینها جزو مشق‌های ما بوده. گفتند اینها خوب است و لازم است یک بازیگر بتواند ساری هم بنوازد. لازم است بتواند بخواند. اگر لازم صدای پیشگی کند؛ به عبارتی همه این کارهایی که من انجام داده و می‌دهم در حوزه بازیگری است.

برای اینکه این حجم گسترده فعالیت‌ها موجب نشود که یکی از هنرهای شما فدا شود، معمولا چه رفتندی دارید؟

به هر حال یک بازیگر مجبور به تمرکز در این حوزه‌ها هست. و حالا هر کسی بسته به خلیقات و عادت‌های خود دسته‌بندی می‌کند. یک نفر

هم کمک هم خواهند کرد. چیزی که هست چون از پیش در پروژه‌های مختلف قبول مسئولیت کردم، در واقع استراحتم را کم می‌کند اما چون همه حوزه‌ها برایم لذتبخش است، همه آنها را با جان و دل انجام داده و اجازه نمی‌دهم لطمه‌ای به آنها وارد شود.

آیا نمور، نخستین تجربه حضور شما به عنوان یک بازیگر در جشنواره فیلم فجر است؟

پاسخ این سؤال شما را دقیق نمی‌دانم. واقعا؟ چطور؟

چون در گذشته در فیلم «فردا» به کارگردانی ایمان افشاریان و مهدی پاکدل بازی کرده بودم و خاطرم نیست که آیا به جشنواره رفته بود یا نه. بعد هم دو کار با آقای حسین شهبانی داشتم به نام‌های «روز روشن» و «حراج» که باز هم یاد نیست در جشنواره فجر شرکت کرده بودند یا نه. بعد از آنها هم کار آقای هانف علیمردانی بود به نام «هفت ماهگی» که باور کنید دقیق نمی‌دانم در جشنواره شرکت داده شده یا نه.

عجیب است که خاطر تان نمانده است. امیدوار هم هستید که نامزد شوید و حتی جایزه بگیرید؟ کمی درباره این نقش در نمور بر ایمان بگویید...

باور کنید من هیچ‌گاه به خاطر جشنواره

کار نمی‌کنم؛ یعنی با این نیت که این فیلم در جشنواره‌ای اکران خواهد شد، نقش را نمی‌پذیرم.

پس چه انگیزه‌ای باعث می‌شود تا در کار بازیگری تان پیش بروید؟

فیلمنامه را می‌خوانم و اگر از نقشی خوشم آمد و به هر دلیلی که در زمان تصمیم‌گیری به آن می‌رسم که باید این نقش را بازی کنم، می‌روم و بازی می‌کنم. برایم مهم نیست آیا به جشنواره داخلی و خارجی می‌روم یا نمی‌روم.

اینکه چندان در بند این رقابت‌ها و مسابقه‌ها نیستید در نوع خودش خیلی جالب است...

اساسا به هیچ مسابقه‌ای اهمیتی نمی‌دهم؛ در واقع اینها یک شوخی و سرگرمی است که بشر درست کرده است.

ولی به هر حال ایس جوایز و مسابقات برای خیلی‌ها مهم است، اینطور نیست؟

خب خیلی‌ها این جور چیزها را با زندگی اشتباه گرفته‌اند. مسابقات برای من اهمیت ندارند و من حین انجام کارم خیلی لذت می‌برم و این خودش بزرگ‌ترین موهبت است، شعار هم نیست و خدا را از این جهت شکر می‌کنم که مشغول انجام کارهایی هستم که همه آنها دوست داشتنی‌اند و مرتبط با کارهایی هستند که من با تمام وجود دوستشان دارم.

کار جدید دیگری از شما هست که باید منتظرش باشیم؟

بله، علاوه بر فیلم سینمایی «نمور»، سریال «سودا» به کارگردانی ایمان یزدی و تهیه‌کنندگی مهرداد فرید هم هست که هنوز پخش نشده و به زودی پخش خواهد شد و مشغول بازی در سریال «پدر گوار دیولا» به کارگردانی سعید نعمت‌الله و تهیه‌کنندگی جواد نوروز بیگی هم هستم. پیشنهادهای دیگری هم شده است که هنوز به بررسی آنها نرسیدم.

برگردیم به حوزه اصلی کار شما که با آن شهره شدید؛ دوبله. شنیده‌ایم از اینکه رشته

دانشگاهی دوبله نداریم گله کرده و حتی پیشنهادهایی هم به مسئولان مربوطه داده بودید. واقعا چرا چنین رشته‌ای نداریم؟

گله که نه. از ۱۵ سال پیش من رشته صدایابیگری را که یکی از شاخه‌هایش هم دوبلوری بود، دنبال می‌کردم و انرژی زیادی برایش می‌گذاشتم تا حتی تربیت مدرس هم داشتم باشم ولی چون مسارا آن موقع زیاد نمی‌شناختند توجهی هم نمی‌کردند، در حالی که من مندهای درسی را طبق تجربه‌هایی که در این رشته در کشورهای توسعه‌یافته وجود داشت، استانداردهای دنیسی کرده بودم. ولی خب، دیگر نمی‌شناختند و تحویل هم نمی‌گرفتند. حتی وقتی از بزرگ‌ترهای این شاخه‌ها خبری وجود دارد و دانشگاه‌ها هم توجهی نداشتند که خیلی مرا متعجب می‌کرد.

چطور؟

می‌گفتند این کارها چیست؛ همینطوری هم دست در حوزه ما زیاد است و رشته دانشگاهی هم که نباید دیگر و اولیای می‌شود و خودمان از نان خوردن می‌اقسیم. وقتی دیدم چنین شاخه‌ها هم وجود دارد و دانشگاه‌ها هم توجهی نمی‌کنند، از این کار منصرف شدم.

خود شما شخصا برای برکردن این خلاق چه کرده‌اید؟

بعدها، برخی از دانشکده‌های هنری و حتی غیرهنری پیشنهاد دادند و حتی در ۲۰۱۳ دانشگاه هم تدریس می‌کردم. ولی در کل درک درستی از این رشته و مقتضیات آن وجود نداشت. وقتی تقاضا به این منظور زیاد شد، البته من هم فرصت زیادی نداشتیم و دست‌تنها بودم، در نتیجه وقتی با پیشنهاد یکی از دانشگاه‌ها روبه‌رو شدم، طرحی را که برای سازمان فنی و حرفه‌ای در این حوزه تدوین کرده بودم، به‌روز و کامل کرده و دنبال کردم. در برخی از آموزشگاه‌ها هم این طرح را دنبال کردم. تقاضا زیاد شد و من هم دست‌تنها بودم و پروژه‌های بازیگری و... هم وقتم را تنگ کرده بود. حتی وقتم به قدری تنگ بود که با کارآموزانم شرط می‌کردم که ممکن است به‌طور منظم و ترتیبی پیش‌نرویم؛ با این حال تقاضا به این منظور زیاد بود و حتی دوره‌های بعدی هم زرو زده بودم. من گله‌ای نداشتیم و ندارم؛ صرفا آن موقع در کش برام زیاد پیچیده نبود. من می‌گویم وقتی این همه استقبال و نیاز هست، چرا رشته رسمی دانشگاهی هم به این منظور وجود نداشته باشد؟ اما به هر حال وقتی دیدم از قبل روی این حوزه خوب کار شده و بسترسازی مناسبی برایش وجود ندارد و دیدگاه‌های بزرگان هم چنین بوده، مسیر دیگری را دنبال کردم.

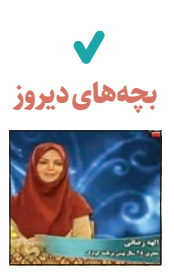
ممنون از سؤال‌های متفاوتی که مخصوصا در حوزه کاری من داشدید. امیدوارم تن‌تان همیشه سالم و حال‌تان خوب باشد و پر از آگاهی باشید؛ این آگاهی داشتن خیلی خیلی مهم است؛ چرا که حتی سلامتی هم در دل همین آگاهی داشتن است و وقتی آگاه باشید، درک خواهید کرد که چگونه باید سلامت باشید.



مطرح ترسن نشریات جوانان دهه ۸۰ را باید همشهری جوان، چلچراغ، نسل‌سه، سروش جوان و... دانست. اما این همشهری جوان بود که خاطر‌ه‌بازی را با سروسویس «روزها» و همچنین ویژه‌نامه‌های خاص خودش باب کرد. و ویژه‌نامه کارتون‌های کودکی و ویژه‌نامه نوستالژی‌های بچه‌های انقلاب و... از جمله خاطر‌سازی‌های ماندگار این مجله بودند؛ مسیری که در تلویزیون و دیگر نشریات نیز تداوم یافت.



سال ۸۷، اگر ظه‌های جمعه بی حوصلگی سرفت شما می‌آمد و کنترل تلویزیون به‌دست می‌گرفتید و دوری در شبکه‌های تلویزیونی می‌زدید، شاید چشم‌تان روی ویژه‌نامه‌های نوستالژیک و خاطر‌ه‌باز متوقف می‌ماند؛ برنامه‌ای به نام «نقره» از منصور ضابطیان. این ویژه‌نامه را سرآغاز برنامه‌های خاطر‌ه‌باز تلویزیون می‌دانند که از سال ۶۰ تا ۷۰ تا اجرای محمدرضا علیمردانی، همزمان خاطر‌ه‌ساز و بخش برش‌هایی از فیلم‌ها، سریال‌ها و کارتون‌های کودکی‌مان. اینکه از این برنامه برای همفکری و نوشتن دعوت شده باشم یعنی پذیرش بی‌تأمل، آن هم به‌خاطر احترامی که در ذهنم برای یک برنامه ایجاد شده بود. نخستین سوز؛ نوشتن برای یک در بود و این در بچه‌ای بود برای همکاری و نوشتن در گروهی که از کارگردان و تهیه‌کننده تا تک‌تک عواملش نوستالژی‌باز هستند و معمولا فرآ‌های یک ساعته برای سوز‌پردازی گاه به چهار و پنج ساعت اشتراک خاطر‌ها و تجربه‌ها از چهارسوی ایران می‌رسید؛ از شرق و غرب تا شمال و جنوب. خاطر‌هایی که نقاط اشتراک فراوان و نقاط تمایز زیادی هم داشتند؛ از کودکی، از مدرسه، از بازی‌ها، از مباران، از تنبیه‌ها، از شیرینی‌ها و از تلخی‌ها.



عمره تلاش شبانه‌روزی یعنی قرار دادن تکه‌های پازلی که چهل تیکه فصل پنجم را می‌سازد، آن هم توسط نسل عاشقی که از در و دیوار تا خود کار و نوار کاست برای‌شان خاطره است و مواجهه با آنها اندوه محترمی به جانشان خواهد انداخت. خوبی این اتفاق همکاری با تک‌تک عواملی بود که خاطر‌ها پیشان دست‌مایه نوشتن پلاتوهایی شد که ریشه در واقعیت زندگی آدم‌هایی عاشق زیستن و تجربه کردن در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ بود؛ بدون اینکه به خیال‌پردازی معمول نویسنده‌گی نیاز باشد. شاید همین واقعی بودن، قابل بودن و تجربه زیسته بوده که چهل تیکه را تبدیل به برنامه‌ای با مخاطب وفادار کرده است؛ مخاطبی که با تک‌تک مهمانان برنامه خاطر‌ه دارد و در عین حال منتظر روبه‌رو شدن با یک شگفتی است؛ دیدار با گذشته. درست مثل دیدار با خود گذشته در آینده امروز.



ساختن چنین برنامه‌ای نیازمند صبر و تحمل زیاد است. بخش زیادی از این زحمت به دوش عوامل تولید از جمله الهام حاتمی و گروه تحقیق، تدوین و کارگردانی بود؛ برای مرور آرشیوها، نحوه چیدمان از مهمان تا قسمت‌های مختلف برنامه. بخش دیگر به دوش محمدرضا علیمردانی بود، به‌واسطه اینکه به موضوع برنامه ایمان داشت و خودش غرق در خاطره و نوستالژی بود و در عین حال عاشق و صادق و رفیق بود؛ هم برای مهمانان و هم عوامل تیم. ضلع سوم تولید چنین برنامه پر زحمتی عوامل فنی بر تعداد چهل تیکه بودند؛ از نور و صدا و تصویر تا گرمی و هنری و تسار کات، تکه‌های یک کل منسجم که از تک‌تک‌شان آموختیم. چهل تیکه به حسدی دارای روح بود که تقریبا تمام مهمانانی که تعدادشان در فصل پنجم بالغ بر ۸۰ نفر می‌شد، پس از اسلام پایان ضبط با حالی خوش و سبکباری از گفت‌وگو با محمدرضا علیمردانی و حضور در مقابل دوربینی که برای آنها آشنا بود برای مرور گذشته‌ها دور و نزدیک، استودو را ترک می‌کردند. بخشی از مهمانان این برنامه هم صادقانه اعتراف می‌کردند که خیلی وقت است که چشم‌انتظار دعوت به برنامه هستند و این سسادی، مصیبت و در عین حال عزت و اعتبار یک برنامه تلویزیونی در این مدل ساخت و تولید را نشان می‌دهد.

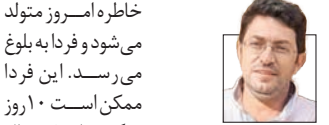


تأکید ابتدایی من بر اینکه خاطر‌ها در لحظه ساخته می‌شوند برای این بود که در ابتدا برای خودمان این سؤال مطرح شده بود که حد و حدود نوستالژی تا کجا قابلیت دنبال کردن و پرداختن دارد؟ ما چرا باید به خاطر‌ها و نوستالژی‌ها بپردازیم و اینکه آیا نوستالژی و جامعه نوستالژیک خطراتی هم به همراه دارد؟ اما تأکید بر جریان مداوم خاطر‌ه و خاطر‌سازی تنها دلیل ساخته شدن و مداومت چهل تیکه و برنامه‌های مشابهی است که پس از چهل تیکه ساخته شدند.

مثل همکاری با الهام حاتمی و محمدرضا علیمردانی و تک‌تک چهل تیکه‌ای‌ها که سال بعد از آن سال بعد برای من خاطر‌ه‌های ماندگار دیگران تعریفش کنم. درست مثل صدای اتصال دیالاب اینترنت که در زمان خودش عادی و اعصاب‌خردکن بود و حالا با آب و تاب برای فرزندان‌مان تعریفش می‌کنیم و آنها با این برنامه قصد داشتیم به دوران کودکی پدر و مادرهای امروز بپردازیم و همچنین با خاطره‌های مردمی و دعوت از مجریان قدیمی و... رنگ و بویی اختصاصی‌تر به برنامه‌ها ببخشیم؛ برنامه‌ای که با حضور خامنه و دیگر خاطر‌ه‌سازان، خوب دیده شد.

### یادداشت

### چشمه زاینده نوستالژی



سیدجواد حسینی نصر روزنامه‌نگار و نویسنده «چهل تیکه»

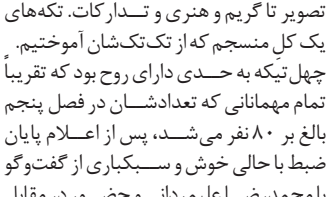
خاطره امروز متولد می‌شود و فردا به بلوغ می‌رسد. این فردا ممکن است ۱۰ روز دیگر یا ۱۰ سال دیگر دیگر باشد. آن هم برای نسل نوستالژی‌ساز و نوستالژی‌بازی که ما باشیم. قسمت‌هایی از فصل‌های سوم و چهارم برنامه‌ای به اسم «چهل تیکه» را در فرصت‌های کمال عوض کردن شبانه تلویزیون و از شبکه نسیم دیده بودم و کلیت یک برنامه پر جزئیات باعث درنگ و توقف انگشتان جست‌وجوگر و بی‌حوصله روی دکمه‌های کنترل تلویزیون شده بود؛ برنامه‌ای محترم بسا جذابیت‌هایی که از دکور شروع می‌شد، نوار VHS خاطر‌ه‌ساز دهه‌های ۶۰ و ۷۰ تا اجرای محمدرضا علیمردانی، مهمان‌های خاطر‌ه‌ساز و بخش برش‌هایی از فیلم‌ها، سریال‌ها و کارتون‌های کودکی‌مان.

اینکه از این برنامه برای همفکری و نوشتن دعوت شده باشم یعنی پذیرش بی‌تأمل، آن هم به‌خاطر احترامی که در ذهنم برای یک برنامه ایجاد شده بود. نخستین سوز؛ نوشتن برای یک در بود و این در بچه‌ای بود برای همکاری و نوشتن در گروهی که از کارگردان و تهیه‌کننده تا تک‌تک عواملش نوستالژی‌باز هستند و معمولا فرآ‌های یک ساعته برای سوز‌پردازی گاه به چهار و پنج ساعت اشتراک خاطر‌ها و تجربه‌ها از چهارسوی ایران می‌رسید؛ از شرق و غرب تا شمال و جنوب. خاطر‌هایی که نقاط اشتراک فراوان و نقاط تمایز زیادی هم داشتند؛ از کودکی، از مدرسه، از بازی‌ها، از مباران، از تنبیه‌ها، از شیرینی‌ها و از تلخی‌ها.

عمره تلاش شبانه‌روزی یعنی قرار دادن تکه‌های پازلی که چهل تیکه فصل پنجم را می‌سازد، آن هم توسط نسل عاشقی که از در و دیوار تا خود کار و نوار کاست برای‌شان خاطره است و مواجهه با آنها اندوه محترمی به جانشان خواهد انداخت. خوبی این اتفاق همکاری با تک‌تک عواملی بود که خاطر‌ها پیشان دست‌مایه نوشتن پلاتوهایی شد که ریشه در واقعیت زندگی آدم‌هایی عاشق زیستن و تجربه کردن در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ بود؛ بدون اینکه به خیال‌پردازی معمول نویسنده‌گی نیاز باشد.

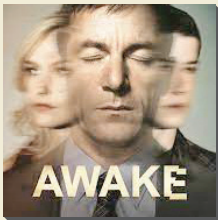
شاید همین واقعی بودن، قابل بودن و تجربه زیسته بوده که چهل تیکه را تبدیل به برنامه‌ای با مخاطب وفادار کرده است؛ مخاطبی که با تک‌تک مهمانان برنامه خاطر‌ه دارد و در عین حال منتظر روبه‌رو شدن با یک شگفتی است؛ دیدار با گذشته. درست مثل دیدار با خود گذشته در آینده امروز.

ساختن چنین برنامه‌ای نیازمند صبر و تحمل زیاد است. بخش زیادی از این زحمت به دوش عوامل تولید از جمله الهام حاتمی و گروه تحقیق، تدوین و کارگردانی بود؛ برای مرور آرشیوها، نحوه چیدمان از مهمان تا قسمت‌های مختلف برنامه. بخش دیگر به دوش محمدرضا علیمردانی بود، به‌واسطه اینکه به موضوع برنامه ایمان داشت و خودش غرق در خاطره و نوستالژی بود و در عین حال عاشق و صادق و رفیق بود؛ هم برای مهمانان و هم عوامل تیم. ضلع سوم تولید چنین برنامه پر زحمتی عوامل فنی بر تعداد چهل تیکه بودند؛ از نور و صدا و تصویر تا گرمی و هنری و تسار کات، تکه‌های یک کل منسجم که از تک‌تک‌شان آموختیم. چهل تیکه به حسدی دارای روح بود که تقریبا تمام مهمانانی که تعدادشان در فصل پنجم بالغ بر ۸۰ نفر می‌شد، پس از اسلام پایان ضبط با حالی خوش و سبکباری از گفت‌وگو با محمدرضا علیمردانی و حضور در مقابل دوربینی که برای آنها آشنا بود برای مرور گذشته‌ها دور و نزدیک، استودو را ترک می‌کردند. بخشی از مهمانان این برنامه هم صادقانه اعتراف می‌کردند که خیلی وقت است که چشم‌انتظار دعوت به برنامه هستند و این سسادی، مصیبت و در عین حال عزت و اعتبار یک برنامه تلویزیونی در این مدل ساخت و تولید را نشان می‌دهد.



تأکید ابتدایی من بر اینکه خاطر‌ها در لحظه ساخته می‌شوند برای این بود که در ابتدا برای خودمان این سؤال مطرح شده بود که حد و حدود نوستالژی تا کجا قابلیت دنبال کردن و پرداختن دارد؟ ما چرا باید به خاطر‌ها و نوستالژی‌ها بپردازیم و اینکه آیا نوستالژی و جامعه نوستالژیک خطراتی هم به همراه دارد؟ اما تأکید بر جریان مداوم خاطر‌ه و خاطر‌سازی تنها دلیل ساخته شدن و مداومت چهل تیکه و برنامه‌های مشابهی است که پس از چهل تیکه ساخته شدند.

مثل همکاری با الهام حاتمی و محمدرضا علیمردانی و تک‌تک چهل تیکه‌ای‌ها که سال بعد از آن سال بعد برای من خاطر‌ه‌های ماندگار دیگران تعریفش کنم. درست مثل صدای اتصال دیالاب اینترنت که در زمان خودش عادی و اعصاب‌خردکن بود و حالا با آب و تاب برای فرزندان‌مان تعریفش می‌کنیم و آنها با این برنامه قصد داشتیم به دوران کودکی پدر و مادرهای امروز بپردازیم و همچنین با خاطره‌های مردمی و دعوت از مجریان قدیمی و... رنگ و بویی اختصاصی‌تر به برنامه‌ها ببخشیم؛ برنامه‌ای که با حضور خامنه و دیگر خاطر‌ه‌سازان، خوب دیده شد.



بیدار

«بیدار» یک سریال تلویزیونی درام فانتزی رویه‌ای پلیس آمریکاست. شخصیت اصلی نمایش مایکل بریتن (جیسون آیزاک)، کار آگاهی است که برای اداره پلیس لس آنجلس کار می‌کند. در قسمت اول، مایکل و همسرش هانا (لورا آلن) و پسرشان ریکس (دیلن مینت) دچار یک تصادف جدی رانندگی می‌شوند. پس از حادثه، او می‌فهمد که هر وقت به بخت‌آورد می‌رود بین دو واقعیت جای‌جای می‌شود. یکی که هانا در این حادثه کشته شد و دیگری که در عوض ریکس در گذشته – و قادر به تعیین واقعیت واقعی نیست. او از جزئیات هر واقعت برای حل موارد دیگری استفاده می‌کند. مایکل که نمی‌داند کدام واقعیت است، جلسات درمانی با دکتر جانانان لی در واقعیت فرمی و دکتر جودیت ایوئر در سبز دارد، هر دو تلاش می‌کنند آنچه را که برای مایکل اتفاق می‌افتد تشخیص دهند.

کتاب



تانگو: روش بر خورد با افراد دشوار

تعداد آدم‌های بدقلق و ناسازگار در جهان کم نیست؛ افرادی که به نوعی به ما آسیب می‌رسانند. در مقال عددهای از افراد هستند که نمی‌دانند در این وضعیت چه رفتاری با این افراد درست است به همین دلیل سکوت می‌کنند و سرفاکنده می‌شوند. سسم هورن در کتاب «تانگو» با روش‌هایی ساده و اثبات‌شده به افراد آموزش می‌دهد که چطور و کجا بهترین پاسخ را برای افراد دشوار داشته باشند. سسم هورن نویسنده کتاب در ۳ بخش به خوانندگان می‌آموزد که با مهارت کلامی از خود در برابر افراد بدقلق، بد زبان، خشکخیز و حتی لجباز حمایت کنند، اعتماد به نفس خود را بالا ببرند و با روش‌های مشابه هنرهای رزمی ابتدا ذهن و بعد زبان خود را برای دفاع و حمایت از خود استفاده کنند.

مکتب‌خانه

نیلوفر ذوالفقاری

شبکه‌های اجتماعی انگار دیوارهای خانه بسیاری از ما را به پنجره تبدیل کرده‌اند. حالا دیدن جزئیات زندگی چهره‌ها و اینفلوئنسر ها، اتفاقات روزمره آنها، جشن‌ها و تفریحات و سرگرمی‌های آنها از پنجره شبکه‌های اجتماعی، به راحتی آب خوردن اتفاق می‌افتد. جدا از همه آسیب‌هایی که این نمایش‌ها و تماشای آنها ممکن است ایجاد کند، پدیده بارز این شبکه‌ها، دامن زدن به مقایسه دائمی زندگی خودمان با دیگران است. ما بدون داشتن داده‌های دقیق و اطلاعات واقعی، هر روز ظاهر زندگی شاد و ساختگی این چهره‌ها را با باطن زندگی واقعی و حقیقی خودمان مقایسه می‌کنیم. و یدای ساعی، روانشناس و روان در مانگر درباره دلایل این پدیده، آثار مخرب مقایسه بر روان ما و روش مواجهه در ست با آن توضیح می‌دهد. مقایسه کردن یکی از آسیب‌های رابطه انسانی است. یک رابطه به شکل ۲ تعریف می‌شود: رابطه ما با خودمان، رابطه با افراد و رابطه با جهان بیرون. مقایسه، می‌تواند به ویران کردن روابط منجر شود. خود مقایسه کردن هم می‌تواند به شکل‌های مختلف انجام شود، ممکن است خودمان را با دیگری، فرزندمان را با فرزند دیگران یا محیط و شرایط زندگی خودمان را با بقیه مقایسه کنیم.

مقایسه زندگی خودمان با چهره‌های شبکه‌های اجتماعی چه آسیب‌هایی دارد

بلای اینفلوئنسرهای مجازی به جان روان ما

مقایسه خودمان با خودمان

بسیاری از مقایسه‌های مخرب، در دوران کودکی و نوجوانی و از طرف والدین اتفاق می‌افتد. اما این مقایسه کردن چه آسیب‌هایی ممکن است ایجاد کند؟ وقتی مهارت‌های فرزندپروری را به والدین آموزش می‌دهند، یکی از نکات مورد تأکید این است که هرگز فرزندشان را با فرزند دیگری مقایسه نکنند. دلیل این تأکید هم این است که هر کس نتوانی‌های منحصر به فرد، ظرفیت روانی متفاوت و شرایط جسمی مخصوص خود را دارد. تفاوت‌ها همیشه وجود دارند. سالم‌ترین شکل مقایسه، مقایسه خودمان با خودمان است. این یعنی یک ویژگی یا رفتار را در خودمان یا همان رفتار و ویژگی در دیروز نداشته‌ام، ناتوان و بی‌عرضه‌ام و نتوانسته‌ام مثل دیگری رشد کنم و به جایگاه مناسب برسم. این احساس هم در نهایت به ناامیدی و افسردگی منجر می‌شود و به عملکرد پودن ما دامن می‌زند. این احساس ناتوانی، اعتماد به نفس و عزت‌نفس ما را تخریب می‌کند. وقتی در مقایسه با دیگران مدام آنها را بهتر و خوشبخت‌تر بدانیم، صدایی در روان مان بلند می‌شود که تو به اندازه کافی دوست‌داشتنی و ارزشمند نیستی و به همین دلیل اعتماد به نفس به مرور کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر می‌شود. شاید پذیرفتن این اتفاق سخت باشد و از باور کردن آن فرار کنیم، اما مقایسه کردن خودمان با دیگران، می‌تواند به ایجاد احساس حسادت در ما ختم شود. تماشای داشته‌های دیگران که در ذهنمان آنها را بزرگ و مهم می‌دانیم، باعث می‌شود ما هم حسرت داشتن آن داشته‌ها را بخوریم و بخواهیم ما هم به آن داشته‌ها دست پیدا کنیم.

من بی‌کفایتیم؟

احساس ناتوانی، آسیب روانی دیگری است که مقایسه مداوم خودمان با دیگران می‌تواند در ما ایجاد کند. وقتی در مقایسه با دیگری مغلوب می‌شویم، در ذهنمان این تعبیر شکل می‌گیرد که حتماً من کفایت کافی نداشته‌ام، ناتوان و بی‌عرضه‌ام و نتوانسته‌ام مثل دیگری رشد کنم و به جایگاه مناسب برسم. این احساس هم در نهایت به ناامیدی و افسردگی منجر می‌شود و به عملکرد پودن ما دامن می‌زند. این احساس ناتوانی، اعتماد به نفس و عزت‌نفس ما را تخریب می‌کند. وقتی در مقایسه با دیگران مدام آنها را بهتر و خوشبخت‌تر بدانیم، صدایی در روان مان بلند می‌شود که تو به اندازه کافی دوست‌داشتنی و ارزشمند نیستی و به همین دلیل اعتماد به نفس به مرور کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر می‌شود. شاید پذیرفتن این اتفاق سخت باشد و از باور کردن آن فرار کنیم، اما مقایسه کردن خودمان با دیگران، می‌تواند به ایجاد احساس حسادت در ما ختم شود. تماشای داشته‌های دیگران که در ذهنمان آنها را بزرگ و مهم می‌دانیم، باعث می‌شود ما هم حسرت داشتن آن داشته‌ها را بخوریم و بخواهیم ما هم به آن داشته‌ها دست پیدا کنیم.

هدف‌های مبهم

همانطور که مقایسه زندگی و داشته‌های خودمان با دیگران ممکن است انگیزه‌های ما را برای تلاش از بین ببرد، گاهی هم این مقایسه باعث می‌شود دست به تلاش بیشتر برای به‌دست آوردن چیزهایی بزنیم که دیگران دارند. این انگیزه پیدا کردن به‌خودی خود بد نیست، اما نکته مهم این است که ما معمولاً اطلاعات درستی از آنچه می‌خواهیم به آن برسیم کسب نمی‌کنیم، یعنی دقیقاً نمی‌دانیم چیزی که دیگری دارد و در ما حسرت ایجاد کرده، چطور به‌دست آمده و آیا واقعاً داشتن آن و رسیدن به آن نقطه، هدف واقعی ماست؟ آیا رسیدن به آن نقطه ما را راضی می‌کند؟ این مبهم بودن هدف باعث می‌شود انتخاب مسیر درست هم بر پرسشک و مبهم شود. حالا که جزئیات زندگی، تفریحات، مهمانی‌ها و برنامه‌های مختلف افراد در شبکه‌های مجازی پیش چشم همه ماست، مقایسه کردن‌ها بیشتر از قبل هم قوت گرفته‌است. اینفلوئنسرها در فضای مجازی جزئیاتی از زندگی خود را در معرض تماشای گذارند که همه ما می‌دانیم همه واقعیت نیست و گاهی اصلاً ساختگی است. پدیده‌ای که شبکه‌های اجتماعی ساخته، مقایسه دائمی زندگی خودمان با ظاهری است که از زندگی چهره‌های این شبکه‌ها می‌بینیم. همان جمله معروف اینچا مصداق دارد، همان مقایسه باطن زندگی خودمان با ظاهر زندگی دیگران.

تجارت مقایسه‌گری

باور کردنی نیست که اتفاقاً عده‌ای دقیقاً روی همین مقایسه کردن‌ها حساب کرده‌اند و برای خودشان راه در آمد ساخته‌اند. چهره‌های شبکه‌های اجتماعی و اینفلوئنسر ها این پدیده را به تجاری عجیب و غریب تبدیل کرده‌اند که مختصات مخصوص به خود را دارد. آنها با تکنیک‌های متعدد عکاسی و ویرایش، ظاهری ساختگی و بی‌نقص می‌سازند. ما به‌عنوان تماشاگر این ظواهر، هیچ اطلاعی نداریم که این زیبایی‌ها و شادی‌ها تا چه حد واقعی است؟ آن خوشبختی ظاهری که به نمایش گذاشته شده، عمقی هم دارد؟ ما موقع مقایسه کردن در ذهنمان به این نکات فکر نمی‌کنیم. حتی خبر نداریم که افرادی که خیلی زندگی خود را به نمایش می‌گذارند، ممکن است به اختلالی روانی مبتلا باشند که نیاز به تأیید گرفتن از دیگران دارند. در واقع ما با بیماری‌ای طرف هستیم که با بیماری خود به ما هم آسیب می‌رسانند. آنها به احساسات منفی در ما دامن می‌زنند آن هم با نمایشی دروغین و ساختگی.

ناامنی و گم کردن راه

عیب دیگر مقایسه کردن این است که ما معمولاً نتیجه‌ها را می‌بینیم و اطلاعاتی درباره مراحل رسیدن به آن نتیجه نداریم. ما یک سلسله‌ی متنی مشهور، بازیگر موفق یا ورزشکار حرفه‌ای را می‌بینیم که به موفقیت دست پیدا کرده، اما نمی‌دانیم که او چه مسیری را طی کرده، چقدر آموزش دیده، تلاش کرده و سختی کشیده است تا به این نتیجه برسد. از خودمان نمی‌پرسیم که آیا من هم آن توانایی را دارم؟ می‌توانم همان اندازه تلاش کنم، برنامه روزانه، هزینه کنم و زمان بگذارم؟ ما حسرت نتیجه‌ای را می‌خوریم که گاهی اصلاً نمی‌دانیم چطور به‌دست آمده است. مقایسه دائمی در ما احساس ناامنی ایجاد می‌کند و نگران می‌شویم که هرگز به موفقیتی نرسیم. در نتیجه چشمان‌مان را روی موفقیت‌های کوچک و بزرگ خودمان هم می‌بندیم. گاهی افراد دست به مقایسه خودشان با افرادی می‌زنند که در زمینه‌ها، جایگاه پایین‌تری دارند. این نوع مقایسه هم پیامدهای خاص خودش را دارد. خلاف تصورها اتفاقاً این مقایسه هم می‌تواند ما را از تلاش بازدارد، چون خودمان را برتر از دیگری می‌بینیم و حس می‌کنیم نیازی برای پیشرفت بیشتر نداریم. این هم شکل دیگری از آسیب مقایسه کردن است. اینجاست که مشخص می‌شود اصلاً مقایسه کردن خودمان با دیگری، به هر شکلی بی‌فایده و مخرب است. الگو گرفتن از دیگران شاید سازنده باشد، اما با مقایسه کردن تفاوت دارد. در الگو گرفتن، ما مسیر رسیدن با موفقیت را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

لطفاً دنبال نکنید!

اگر حس کنج‌کاوی زیادی برای تماشای زندگی سلسله‌ی‌ها و اینفلوئنسرها یا حتی آشنایان داریم، بهتر است دست از دنبال کردن صفحات آنها در شبکه‌های اجتماعی برداریم. اگر به این آگاهی برسیم که کنجکاوی ما بیش از حد است، باید رنگ خطر در ذهنمان به صدا در آید. بهتر است ساعات حضور در شبکه‌های اجتماعی را برای خودمان محدود کنیم تا کمتر در مجاورت افکار مقایسه‌ای قرار بگیریم. موقع تماشای زندگی چهره‌ها، باید مدام این خودگویی مثبت را با خودمان داشته باشیم که این زندگی دیگران است و ربطی به ما ندارد. باید حواسمان را جمع کنیم که تماشای زندگی دیگران به مقایسه‌های اجتماعی می‌بینیم، اتفاقاً برای شکل‌دهی ذهنیات ما تولید می‌شوند و اهداف تبلیغاتی پشت آنهاست. آگاهی درباره این موضوعات می‌تواند از روان ما در برابر مقایسه دائمی و مخرب خودمان با دیگران محافظت کند.

پیوستن به گوگل

امید کردستانی در سال ۱۹۹۹ کار در کمپانی Netscape را رها کرد و به‌عنوان نفر دوازدهم به کادر اجرایی ۱۱ نفره گوگل پیوست و دیری نگذشت که به سمت مدیر ارشد بازاریابی و توسعه بین‌الملل منصوب شد، و فروش آن را از تقریباً صفر به ۳ میلیارد دلار رساند. صاحب‌شغلی امید کردستانی در شرکت گوگل برای تصدی‌گری مدیر فروش و توسعه دور یک میز پینگ‌پنگ در اتاق کنفرانس توسط سرگئی برین؛ بنیانگذاران گوگل، انجام شد. او اول سؤالات خودش را مطرح کرد، سپس با اعتراف به ناتوانی‌اش در مصاحبه با فردی بسیار ماهر، همه ۱۱ نفر پرسنل آنجا را به پای میز مصاحبه کشاند. این قضیه ساعت طول کشید و در پایان، امید همه کارمندان را به صرف شام به یک رستوران دعوت کرد و آنگاه رسماً در گوگل استخدام شد. امید کردستانی در نخستین نگاه به گوگل متوجه شد که ترافیک زیاد این سایت یکی از مهم‌ترین دارایی‌های آن است. امید از این ترافیک استفاده کرد و آگهی‌های تکی و کوچکی را که هر کدام با کارت‌های اعتباری به شرکت گوگل پرداخت می‌شدند، را به میلیون‌ها دلار رساند، به طوری که اکنون ۹۹ درصد از درآمد شرکت گوگل از همین آگهی‌ها تأمین می‌شود.

در راه موفقیت

امید کردستانی در سال ۱۳۴۳ در پیرانشهر به دنیا آمد. به اصرار پدر از کودکی با دو زبان انگلیسی و فارسی بزرگ شد، پدرش حتی امید را به مدرسه کاتولیک ایتالیایی‌ها در تهران فرستاد. او در سن ۱۴ سالگی پس از فوت پدرش بر اثر سرطان همراه با مادر و برادرش ابتدا به انگلستان و سپس به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کرد و در شهر پیتسبورگ واقع در ایالت کالیفرنیا ساکن شد. امید موفق به دریافت لیسانس مهندسی برق از دانشگاه ایالتی سن خوزه شد و به‌عنوان مهندس مدتی را در شرکت HP کار کرد. امید چند سال بعد، برای رسیدن به اهدافش در عرصه تجارت وارد دانشگاه استنفورد شد و توانست در سال ۱۹۹۱ مدرک فوق لیسانس مدیریت بازرگانی را کسب کند. بد نیست بدانیم که دانشگاه استنفورد محل فارغ‌التحصیلی بنیانگذاران گوگل و یاهوست.

آشنایی با شخصیت امید کردستانی یکی از صد نفری که به دنیا شکل دیگری بخشیده‌اند

نابغه گوگل و توییتز از پیرانشهر

امید کردستانی از چهره‌های موفق دنیای تکنولوژی و مدیریت و از ثروتمندان ایرانی است که در نوجوانی از ایران مهاجرت کرد و امروزه با ۵۹ سال سن ثروتی میلیاردر دلاری دارد. امید کردستانی از سال ۲۰۱۵ در سمت رئیس بخش اجرایی توییتز فعالیت خود را آغاز کرد. او پیش از این به‌عنوان مدیر ارشد بازرگانی، مشاور ویژه مدیرعامل و بنیانگذار گوگل مشغول به کار بوده است. مجله تایم در سال ۲۰۰۶ امید کردستانی را در فهرست صد نفری که دنیای ما را شکل دیگری بخشیده‌اند قرار داد و در جشنواره ایرانیان آمریکا در سال ۲۰۰۷ او به‌عنوان ایرانی سال برگزیده شد. آشنایی با زندگی و شخصیت او جالب است.

خوش پوش، گرم و صمیمی

کردستانی از خودنمایی و جلوجشم بودن در رسانه‌ها دوری می‌کند و همواره بدون اینکه بخواهد جلب توجه کند به وظایف بزرگش می‌پردازد و امروزه امپراتور گوگل است. او می‌گوید که خوش‌بینی و امیدوار بودن به آینده از ویژگی‌های مشترک بین مهاجران است و این موضوع نقش بسیار مفیدی در دستاوردهای شغلی‌اش داشته است. امید را در شرکت گوگل به‌دلیل لباس پوشیدنش به‌طور رسمی و برخورد صمیمانه و بسیار گرم از همکاران و رئیس‌هایش می‌شناسند. او نمی‌تواند از زمان‌های کارش را در مسافرت به‌سبب می‌برد. لقب «آقای دیپلمات» توسط همکاران امید در گوگل به او داده شده در سلیکون‌ولی به ندرت کسی، آن هم از افراد بلندپایه شرکت‌ها پیدا می‌شود که لباس رسمی بر تن کند، اگر هم بیوشد فقط در موقعیت‌های خاص؛ اما امید کردستانی همیشه با کت و شلوار آتو کشیده و کراوات منظم سر کار حاضر می‌شود. جز این، امید را به خوشرویی و برخورد گرم می‌شناسند. او به شیوه سرزمین مادری و برخلاف فرهنگ آمریکایی، دوستان، همکاران و حتی مدیرانش، برین و پیچ را بغل می‌کند و به گرمی با همه رفتار می‌کند.

نعمتی برای مواقع بحرانی

همکارانش معتقدند وجود کردستانی در موقعیت‌های بحران زده یک نعمت است. کردستانی اعتقاد دارد که در عرصه تجارت برای برقراری ارتباط، اعتمادسازی و پایبندی به وعده‌ها حرف اول را می‌زند. او زمانی که می‌خواهد شخصی را استخدام کرده یا با کسی همکاری کند، او را به آزمون فرودگاه می‌برد. کردستانی در توصیف این روش می‌گوید: «اگر مجبور شوم به همراه این شخص چند ساعت را در فرودگاه بگذرانم. دلم می‌خواهد از این چند ساعت استفاده کنم و لذت ببرم و حتی گفت‌وگو مفید و مثبتی با او داشته باشم. بعد از خود این سؤال را می‌پرسم که آیا این آدم دارای چنین ویژگی‌هایی است یا خیر؟»

زندگی شخصی و فعالیت خیرخواهانه

امید کردستانی نخستین بار در ۱۹۹۱ با یک آمریکایی ایرانی‌تبار دیگر ازدواج کرد. آنها در سال ۲۰۰۹ از هم جدا شدند. او دوباره در سال ۲۰۱۱ با جیزل هیساکا ازدواج کرد و حالا با هم زندگی می‌کنند. امید کردستانی یکی از بنیانگذاران بنیاد خیریه پارسا است که علاوه بر دستگیری از دانشجویان ایرانی، در راه‌اندازی شرکت‌ها و به ثمر رسیدن ایده‌های کارآفرین‌های ایرانی هم کمک می‌کند. طبق آخرین تخمین مجله سان خوزه امید کردستانی با حدود ۲ میلیارد دلار سرمایه یکی از ثروتمندان جهان به‌حساب می‌آید.



**آگهی تغییرات شرکت شکلات پرنده**  
**شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۵۲۳۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۹۳۷۵۰**  
 به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۰۶ تصویبات ذیل اتخاذ شد: - آقای رحمان پورسلیمان به شماره ملی ۰۰۴۶۸۹۶۸۷۲ به سمت بازرس اصلی و آقای محمدتقی ساسانی شانچانی به شماره ملی ۱۳۲۴۰۹۲۵۵۱ به سمت بازرس علی‌البدل برای یکسال مالی انتخاب شدند. اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری ساوجبلاغ

**آگهی تجدید مناقصه عمومی دومرحله‌ای به شماره ۲۱۵/۴۲۳۰ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ نوبت دوم**

**شرکت آب و فاضلاب شیراز** در نظر دارد از طریق برگزاری نوبت دوم مناقصه عملیات بهره‌برداری و نگهداری شبکه و انشعابات فاضلاب شهر شیراز و صدور را براساس فهرست‌بهای تهیه شده بصورت کارسنجی و فیکسه به شرح زیر به شرکت‌ها و پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.

- ۱- محل اجرا: شیراز و شهر صدرا
- ۲- مدت اجرا: ۱۲ (دوازده) ماه.
- ۳- محل اخذ اسناد مناقصه و تسلیم پیشنهادات: شیراز- بلوار آیت الله ربانی- بین کوچه ۱۷ و ۱۵- اداره مرکزی شرکت آب و فاضلاب شیراز- دبیرخانه شرکت تلفن: ۰۷۱-۳۲۲۸۱۱۵۶
- ۴- پرآورد اولیه: ۴۱۱ / ۴۱۱ / ۳۷۹ / ۲۱۶ ریال
- ۵- تاریخ شروع فروش اسناد: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲
- ۶- تاریخ نهایی فروش اسناد مناقصه تا ساعت ۱۴ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۹
- ۷- تاریخ نهایی عودت اسناد مناقصه تکمیل شده توسط مناقصه‌گر تا ساعت ۹ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۰۷
- ۸- تاریخ بازگشایی پاکت: ساعت ۱۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۰۸ در محل سالن کنفرانس شرکت
- ۹- به مدارکی که فاقد امضاء، مشروط، مخدوش و مدارکی که بعد از انقضای مدت مقرر در این آگهی واصل شود ملغاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- ۱۰- مناقصه به صورت دو مرحله‌ای با ارزیابی کیفی و فنی برگزار و اعتبار آن از محل بودجه جاری شرکت می‌باشد.
- ۱۱- دستگاه نظارت: مدیر دفتر بهره‌برداری و توسعه شبکه‌های جمع‌آوری و خطوط انتقال فاضلاب
- ۱۲- اعتبار پیشنهادها: سه ماه و قابل تمدید به مدت سه ماه دیگر

**شرکت آب و فاضلاب شیراز**

درباره ایستا، شهر شطرنج جهان در روسیه چه می‌دانید؟

# زندگی در خانه‌های سیاه و سفید

**پنهام سلطانی** ✓ شطرنج که در ردیف ورزش‌های تمرکزی دسته‌بندی می‌شود پیشینه‌ای تاریخی دارد. عده‌ای از مورخان معتقدند این ورزش از حدود ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح (ع) بین مردم دنیا رواج پیدا کرده و برخی دیگر، روس‌ها را ابداع کننده آن می‌دانند. صرف‌نظر از تاریخچه این ورزش پرطرفدار، با بدروسیه را با پنخت فعلی شطرنج جهان بدانیم؛ چرا که بسیاری از قهرمانان مشهور این رشته ورزشی مثل آناتولی کاریف و گری کاسپاروف به این کشور تعلق داشته‌اند و از همه مهم‌تر اینکه شهر ایستا که به شهر شطرنج جهان معروف است، در این کشور واقع شده. ایستا از برخی جهات یک شهر منحصر به‌فرد است و بیشتر کسانی که با شطرنج سروکار دارند دست‌کم برای یک‌بار هم که شده نام این شهر را شنیده‌اند اما جست‌وجوها درباره پیشینه تاریخی ایستا داستان عجیب شدن شطرنج با فرهنگ و سنت اهالی آن، سن‌نخ‌های تازه‌ای را پیش‌روی ما قرار می‌دهد.

## رفت و برگشت

ایستا یا همان شهر شطرنج، تاریخ ۵۷ ساله دارد. آنطور که مورخان روسی می‌گویند پایه‌های این شهر از سال ۱۸۶۵ در قفقاز شمالی بنا گذاشته شد و در سال ۱۹۲۰ آن را به‌عنوان مرکز استان قالموقیا انتخاب کردند. قوم مغول تبار «قالموق» تا سال ۱۹۴۳ در این منطقه زندگی می‌کردند اما با دستور ژوزف استالین، سیاستمدار کمونیست و رهبر اسبق شوروی به سیبری تبعید شدند تا شوروی به کمبود نیروی انسانی در مناطق سیاسی و مذهبی بدل نشود. بعد از اخراج قالموق‌ها، مردم‌نای روس تبار جایگزین آنها شدند و نام ایستا هم به «استپنوی» تغییر کرد اما برگ استالین، ورق به

## درس اجباری

روسیه هشت تاجران نفت است و به همین دلیل تعداد میلیاردرهایی که در این کشور و به‌خصوص در مسکو زندگی می‌کنند در مقایسه با سایر کشورهای اروپایی بیشتر است. ایلمزنیوف یکی از همین میلیاردرهای روسی است که به واسطه داشتن رانت‌های نفتی به ثروت قابل‌اعتنایی رسیده است و با همین پشتوانه مالی به‌عنوان یکی از بانفوذترین سیاستمداران این کشور هم شناخته می‌شود. در روسیه او را با رومن ابراموویچ، مالک ثروتمند باشگاه چلسی انگلیس مقایسه می‌کنند، با این تفاوت که سرگرمی ابراموویچ فوتبال است و ایلمزنیوف علاقه جنون‌آمیزی به شطرنج دارد. ایلمزنیوف از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۰ رئیس‌جمهوری خودمختار قالموقستان بود اما در همین بازه زمانی در تپو تواب نخستن روی صندلی ریاست فدراسیون جهانی شطرنج هم به‌سر می‌برد. او در سال ۱۹۹۵ سرانجام به‌عنوان رئیس فدراسیون بین‌المللی شطرنج انتخاب شد و تاکنون در این پست ایستاده است. ایلمزنیوف هر سال میلیون‌ها دلار برای تبلیغ و ترویج شطرنج در دنیا هزینه می‌کند و مبلغ هنگفتی را هم برای بدل شدن ایستا به شهر شطرنج جهان صرف کرده است. یکی از اقدامات عجیب ایلمزنیوف در منطقه قالموقستان روسیه این است که شطرنج را به یکی از دروس اجباری دوره ابتدایی بدل کرد که نقش زیادی در ترویج و تبلیغ شطرنج در شهر ایستا داشت.

## سفارت خانه



## وقف شطرنج

در شهر ایستا همه چیز در شطرنج خلاصه شده و در چهار گوشه شهر نمادهایی از این ورزش پرطرفدار به چشم می‌خورد. طبق آخرین برآوردهای فدراسیون بین‌المللی شطرنج، هم‌اکنون حدود نیم‌میلیارد نفر از مردم جهان شطرنج بازی می‌کنند اما شطرنج در هیچ شهر دیگری مثل ایستا چنین با‌تار و بود زندگی مردم عین نیست. در بیشتر میدان‌های این شهر صفحه شطرنج باز است و به حساب می‌آید. این حکایت در همه نقاط شهر تکرار شده و روس‌ها به‌خصوص قالموق تبار‌ها بر این باورند که شهرشان را به میل خودشان وقف شطرنج کرده‌اند.

## قلب تپنده

شطرنج در شهر ایستا سکه رایجی دارد و بیشتر شطرنج‌بازهای جهان برای یک‌بار هم که شده به این شهر سفر کرده‌اند. ایستا شهر عشاق شطرنج است و گردشگرانی که به این منطقه روسیه می‌روند برای گشت و گذار، چند گزینه محدود دارند که بازدید از میدان شطرنج یکی از آنهاست. در میدان اصلی می‌شود روی بزرگ‌ترین صفحه شطرنج دنیا بازی کرد یا به مجموعه گنبدی‌شکل شطرنج رفت که از سال ۱۹۹۸ میزبان مسابقات مهم بین‌المللی بوده است. ایلمزنیوف که به‌عنوان معمار اصلی شهر ایستا شناخته می‌شود چیزی بین ۵۰ تا ۵۰۰ میلیون دلار برای ساخت این مجموعه گنبدی هزینه کرده است. او با ساخت این مجموعه، ایستا را به قلب تپنده شطرنج در دنیا بدل کرد که تاکنون ده‌ها میلیون دلار برای این منطقه سودآوری داشته است. تب شطرنج در ایستا به حدی بالاست که وقتی مسابقات مهم بین‌المللی مثل المپیاد شطرنج در این شهر برگزار می‌شود همه مردم در مورد آن صحبت می‌کنند و اهمیت شطرنج در قالموقستان را می‌توان با جایگاه کشتی در منطقه داغستان روسیه مقایسه کرد.

## یادگار سوسیالیسم

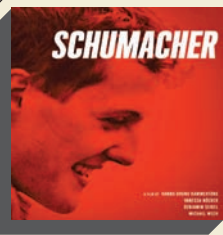
شهر شطرنج جهان، شهرت خود را صرفاً از صفحه و مهره‌های سیاه و سفید شطرنج نگرفته؛ چرا که تنها منطقه بودایی اروپا هم به شمار می‌رود و معابد بسیاری در این شهر ساخته شده. شطرنج و مذهب جزو جدانشدنی زندگی مردم به شمار می‌رود؛ به طوری که مجموعه گنبدی شطرنج با همان خانه شطرنج، یک موزه هنر بودایی را هم در دل خود جا داده است. این موزه برای به نمایش گذاشتن آثار هنری بودائیان سراسر دنیا بنا شده و برای مردم این شهر که مدام با شطرنج سر و کار دارند، یک غنیمت بزرگ است. رد پای ایلمزنیوف در موزه هنرهای بودایی هم به چشم می‌خورد. او به شکل عجیبی بخش قابل‌ملاحظه‌ای از ثروت با‌دآورده‌اش را صرف تبلیغ شطرنج و مذهب کرده و ۳۰۰ معبد بودایی در ایستا ساخته که بالای‌ها در بیشتر آنها حضور یافته است. شاید به همین دلیل باشد که وجه تاریخی این شهر کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و نمادهای تاریخی به نصب پیکر‌هایی از بودا و نین در پارک‌های بزرگ محدود می‌شود. ایستا یادگار دوران به قدرت رسیدن سوسیالیست‌ها در شوروی است و دست‌کم بر قضا در همین دوره تاریخی به‌عنوان مرکز استان قالموقستان انتخاب شد اما کمتر نشانی از آن دوره تاریخی در این شهر یافت می‌شود.

## شهری که الگو شد

تبدیل ایستا به شهر شطرنج، ایده بلندپروازانه‌ای بود که در روسیه اجرا شد و حالا خیلی از شهرهای بزرگ دنیا می‌خواهند از این ایده پیروی کنند. برخی از این شهرها ممکن است با نصب نمادهایی به ترویج و تبلیغ این ورزش پیروزانند اما همه آنها با ایستا یک تفاوت اساسی دارند. در شهر ایستا، شطرنج بازی کردن به یک سنت و نوعی سبک زندگی بدل شده و این ماجرا نام شهر را تغییر داده اما در سایر نقاط جهان همه نمادها تصنعی است و این ورزش جزو جدانشدنی زندگی مردم نیست. نفوذ ایلمزنیوف در فدراسیون جهانی شطرنج را هم نباید نادیده گرفت. شاید اگر او رئیس فدراسیون جهانی نبود، رات بر گزاری بسیاری از مسابقات مهم بین‌المللی نصیب ایستا نمی‌شد و نام شطرنج اینگونه بر سر زبان‌ها نمی‌افتاد. پای صحبت‌های مردم ایستا که بنشینید برای شما خواهند گفت که در این شهر، شاه همیشه در محاصره مردم است چرا که صفحات شطرنج کوچک و خیابان‌ها را پوشانده‌اند. نام ایستا در فهرست ۱۰ شهر عجیب دنیا هم دیده می‌شود و این یعنی ایلمزنیوف مثل همه میلیاردرهای دنیا در زمینه برندسازی موفق عمل کرده است.

## پسته پیشنهادی

### مستند



### شوماخر

این فیلم مستند با ارائه صحنه‌هایی کمتر دیده شده، تصویری واقعی از قهرمان اسطوره‌ای اتومبیلرانی جهان را پیش‌روی مخاطب قرار می‌دهد. با دیدن این مستند به عزم و اراده شوماخر برای فتح عنوان قهرمانی در مسابقات فرمول یک که ۷ بار آن را تکرار کرد، پی خواهید برد. فیلم و مستندهای زیادی درباره شوماخر ساخته شده‌اند اما وجه تمایز «شوماخر» با سایر آثاری که در این زمینه ساخته شده، بیش‌تر است که مخاطب درباره زندگی شخصی قهرمان سابق فرمول یک پیدا می‌کند و بسا نگرانی‌ها، تردیدها و حساسیت‌های او آشنا می‌شود. کارگردان تلاش می‌کند مخاطب را به این نتیجه برساند که اسطوره اتومبیلرانی دنیا از همه لذت‌های زندگی دست کشید تا به یک ورزشکار بی‌تکرار بدل شود.

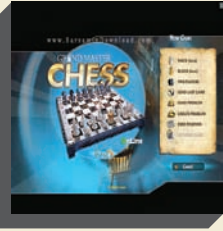
### کتاب



### دانش روز مگملا

مکمل‌ها نقش مهمی در ورزش‌های قدرتی و حتی استقامتی... دارند. با مطالعه آن‌ها به همه نکته‌هایی که لازم است درباره مصرف مکمل‌های غذایی و ورزشی بدانید پی خواهید برد. مصرف مکمل یکی از دغدغه‌های ورزشکاران حرفه‌ای به شمار می‌رود؛ چرا که هر سال نام برخی مکمل‌ها در فهرست داروهای نینروا قرار می‌گیرد و مصرف آنها برای ورزشکار حرفه‌ای محرومیت‌های طولانی مدت را به همراه خواهد داشت. ورزشکاران آماتور زیادی هم به واسطه مصرف خودسرانه مکمل‌ها دچار بیماری‌های گوارشی شده‌اند و در چنین شرایطی این پرسش مطرح می‌شود که چه مکمل‌هایی را باید استفاده کرد؟ کتاب ۱۸۰ صفحه‌ای «دانش روز مکمل‌ها» به پرسش‌هایی از این دست پاسخ می‌دهد و مطالعه آن به ورزشکارانی که می‌خواهند از مکمل‌های ورزشی استفاده کنند توصیه شده است.

### اپلیکیشن



اگر به‌طور آماتور و تفریحی شطرنج بازی می‌کنید بهتر است اپلیکیشن‌های آموزشی این ورزش را در موتورهای جست‌وجوگر دنبال کنید اما اگر می‌خواهید به باشگاه حرفه‌ای‌ها وارد شوید، پیشنهاد ما به شما دنبال اپلیکیشن Grand Master Chess است که قابلیت‌های زیادی دارد. این اپلیکیشن از گرافیک خوبی بهره‌می‌برد و قابلیت تنظیم درجه سختی دارد؛ یعنی براساس توانایی خودتان، حرف را انتخاب می‌کنید و بازی شروع می‌شود. بنابراین Master Chess برای همه رده‌های سنی مناسب است. از دیگر قابلیت‌های این اپلیکیشن می‌توان به امکان تغییر مهره‌ها و تخته اشاره کرد. این بازی برای کامپیوتر طراحی شده و سیستم مورد نیاز برای اجرای آن باید رم ۱۲۸ مگابایتی و کارت گرافیک ۳۲ مگابایتی داشته باشد.

## معرفی بهترین شهرهای شطرنج جهان

# از لندن تا سن پترزبورگ

## نیویورک در جست‌وجوی فیشر



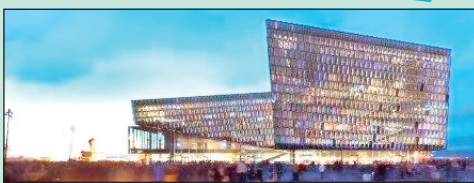
این شهر میزبان نخستین بازی رسمی مسابقات قهرمانی جهان در سال ۱۸۸۶ بین ویلیام اشتاینیتز و یوهانس زو کرورت بوده و به همین دلیل نامش در تاریخ شطرنج جهان ثبت شده است. نیویورک میزبان مسابقات جهانی سال ۱۹۲۴ و مسابقات قهرمانی جهان ۱۹۹۵ بین گری کاسپاروف و آناند و مسابقه معروف گری کاسپاروف و دیپ بلو هم بوده است. به همین دلیل پیگیری خیره‌ای مرتبط با شطرنج برای مردم این شهر به یک عادت بدل شده و برگزاری مسابقات بین‌المللی در نیویورک آنها را به شطرنج علاقه‌مند کرده است. در این شهر جایی به نام میدان پارک نیویورک بنا شده که مختص شطرنج‌بازهای نیویورکی است. میزهای شطرنج در گوشه پارک توسط بانی فیشر، اسطوره شطرنج و دیگر استاد بزرگ‌های جهان در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بنا شده و این موقعیت به‌طور واضح در فیلم «در جست‌وجوی فیشر» دیده می‌شود.

## سن پترزبورگ



البته اگر تصور می‌کنید روسیه تنها یک پایتخت شطرنج دارد، سخت در اشتباه هستید. فدراسیون بین‌المللی شطرنج به‌طور مداوم، رده‌بندی برترین شطرنج‌بازهای دنیا را منتشر می‌کند و شطرنج‌بازهای روسی در این رده‌بندی جایگاه ویژه‌ای دارند. از بین کشورهای صاحب شطرنج، روسیه تاکنون بیش‌ترین نماینده را در رده‌بندی جهانی داشته است. سن پترزبورگ هم به‌عنوان دومین شهر بزرگ شطرنج معرفی شده و طبق آخرین امار و آرقام نزدیک به ۵۵ میلیون نفر بازیکن شطرنج و تعداد قابل‌توجهی استاد بزرگ شطرنج دارد. برخی مورخان روسی بر این باورند که عنوان استاد بزرگی شطرنج برای نخستین بار در سال ۱۹۱۴ توسط نیکلای دوم، آخرین تزار روسیه به ۵ بازیکن برتر این کشور اعطا شده و با استناد به این روایت تاریخی، سن پترزبورگ را باید شهر استاد بزرگ‌های تاریخ شطرنج بدانیم.

## ریکاویک میزبان مسابقه قرن



ایسلند را البته بیشتر با پدیده‌های طبیعی‌اش می‌شناسیم. بزرگ‌ترین شهر ایسلند با جمعیت ۱۲۵ هزار نفری که به‌عنوان شمالی‌ترین پایتخت در جهان شناخته می‌شود اما دلیل اصلی شهرت ریکاویک این است که به محل سکونت بسیاری از استاد بزرگ‌های شطرنج این کشور بدل شده. ریکاویک بسیار کوچک‌تر از سایر شهرهای شطرنج جهان است اما «فخر از استاد بزرگ این کشور در این شهر سکونت دارند. مسابقه تاریخی بین بابی فیشر از ایالات متحده آمریکا و بوریس اسپاسکی از شوروی که از آن به‌عنوان مسابقه قرن نام می‌برند، در همین شهر برگزار شد که همین رقابت و تاریخ‌سازی، برای شهرت و ماندگاری این شهر در ذهن علاقه‌مندان این رشته تقابلی می‌کند. این دو شطرنج‌باز در سال ۱۹۷۲ در ریکاویک به مصاف هم رفتند که در پایان بابی فیشر به برتری رسید و برای بازدهمین بار عنوان قهرمانی جهان را تصاحب کرد.

## هاوانا اسطوره از کوبا



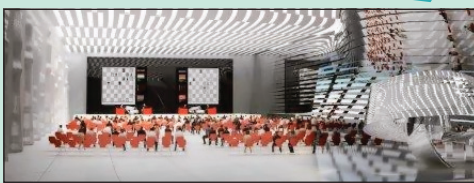
«کاپابلانکا» برای همه مردم هاوانا یک نام آشنا به‌حساب می‌آید. او یکی از اسطوره‌های شطرنج جهان است که در سال ۱۸۸۸ در پایتخت کوبا متولد شد و از سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۷ قهرمان مسابقات جهانی شطرنج بود. بسیاری از علاقه‌مندان به شطرنج، کاپابلانکا را بهترین بازیکن تاریخ می‌دانند و معتقدند موفقیت‌های این بازیکن، شطرنج را در کوبا همگانی کرد اما تاریخ شطرنج بازی کردن در هاوانا به سال‌های قبل از تولد او برمی‌گردد. باشگاه شطرنج هاوانا در سال ۱۸۸۵ یعنی ۳ سال قبل از تولد اسطوره شطرنج جهان تأسیس شده و این شهر در سال ۱۹۶۶ میزبان هفدهمین المپیاد شطرنج بوده است. البته معروف‌ترین رویداد شطرنج هاوانا، مسابقاتی است که تحت‌عنوان جام کاپابلانکا برگزار می‌شود و این مسابقات از سال ۱۹۶۲ بدون وقفه برپا شده است. بابی فیشر، اعزوبه شطرنج دنیا هم در سال ۱۹۶۵ در این مسابقات به میدان رفته است.

## لندن شهر شگفتی‌سازها



پایتخت انگلستان با بیش از ۸ میلیون نفر جمعیت، به‌عنوان مرکز ثقل شطرنج جهان شناخته می‌شود. آنطور که در تاریخچه ورزش شطرنج آمده، لندن در سال ۱۸۵۱ میزبان نخستین دوره مسابقات بین‌المللی شطرنج بود که با قهرمانی آدلف اندرسون آلمانی به پایان رسیده است. اندرسون ۱۵ بازیکن برتر شطرنج جهان را شکست داده و با این رکورد منحصربه‌فرد نامش را در تاریخ شطرنج جهان جاودانه کرده است. لندن تاکنون ۷ بار میزبان مسابقات جهانی بوده اما بهترین دوره به سال ۲۰۰۰ تعلق دارد که با یک شگفتی بزرگ به پایان رسید و جهان شطرنج را شوکه کرد. در این مسابقات بود که ولادیمیر کرامنیک روسی، هموطنش گری کاسپاروف بزرگ را شکست داد و با کسب عنوان قهرمانی جهان شگفتی‌ساز شد. لندن خاستگاه بزرگ‌ترین شطرنج‌بازهای دنیا نیست اما یک شهر ویژه برای قهرمانان بنام این ورزش به شمار می‌رود.

## باکو زادگاه کاسپاروف



شاید برای‌تان کمی عجیب باشد که بدانید باکو، زادگاه یکی از اسطوره‌های شطرنج دنیا هم محسوب می‌شود؛ اتفاقی که البته در دوره اتحاد جماهیر شوروی افتاده، هر چند که قهرمانی‌های این اسطوره تا سال ۲۰۰۰ هم تداوم داشته است. این شهر سابقه‌ای طولانی و درخشان در شطرنج جهان دارد و زادگاه یکی از معروف‌ترین بازیکنان تاریخ به نام گری کاسپاروف است که از سال ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۰ قهرمان جهان بود. برخی از طرفداران شطرنج، کاسپاروف افسانه‌ای را بزرگ‌ترین قهرمان تاریخ شطرنج می‌دانند و برخی دیگر به عناوین بابی فیشر اشاره می‌کنند. مردم آذربایجان معتقدند استعدادهایی مثل کاسپاروف را باز هم می‌شود در این کشور کشف کرد اما چه‌کسی است که نداند توانایی مثل کاسپاروف، بابی فیشر و کاپابلانکا را ۱۰۰ سال یک‌بار ظهور می‌کند. باکو فعلاً به برگزاری مسابقات جهانی شطرنج اکتفا کرده و بعد از پایان افسانه کاسپاروف در دنیای شطرنج حرفی برای گفتن ندارد.

## مسکو شهر شطرنج‌باز نشین



شاید برای‌تان کمی عجیب باشد که بدانید باکو، زادگاه یکی از اسطوره‌های شطرنج دنیا هم محسوب می‌شود؛ اتفاقی که البته در دوره اتحاد جماهیر شوروی افتاده، هر چند که قهرمانی‌های این اسطوره تا سال ۲۰۰۰ هم تداوم داشته است. این شهر سابقه‌ای طولانی و درخشان در شطرنج جهان دارد و زادگاه یکی از معروف‌ترین بازیکنان تاریخ به نام گری کاسپاروف است که از سال ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۰ قهرمان جهان بود. برخی از طرفداران شطرنج، کاسپاروف افسانه‌ای را بزرگ‌ترین قهرمان تاریخ شطرنج می‌دانند و برخی دیگر به عناوین بابی فیشر اشاره می‌کنند. مردم آذربایجان معتقدند استعدادهایی مثل کاسپاروف را باز هم می‌شود در این کشور کشف کرد اما چه‌کسی است که نداند توانایی مثل کاسپاروف، بابی فیشر و کاپابلانکا را ۱۰۰ سال یک‌بار ظهور می‌کند. باکو فعلاً به برگزاری مسابقات جهانی شطرنج اکتفا کرده و بعد از پایان افسانه کاسپاروف در دنیای شطرنج حرفی برای گفتن ندارد.



**کودکان کار، معضلی بین‌المللی**

نقش و مسئولیت دولت‌ها برای مقابله با کار کودک و اقداماتی که در این حوزه در سطح جهانی و همچنین ملی انجام شده، موضوع کتاب «کودکان کار، معضلی بین‌المللی» است. در این کتاب که به همت محدثه تقی‌زاده و میلاد میوه‌یان نوشته شده درباره حقوق کودکان می‌خوانید و همچنین وضعیت کودکان کار در ایران و سایر کشورها، کار فرماها، به‌عنوان افراد حقوقی‌ای که سرمایه انسانی در بازار کار را مدیریت می‌کنند، از مهم‌ترین مخاطبان این کتاب هستند که درباره نقش آنها صحبت‌های مفصلی در کتاب به میان آمده است؛ همچنین نقش دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین کارفرما. این کتاب که توسط انتشارات فرزانتگان دانشگاه منتشر شده، به‌صورت نسخه الکترونیک هم در دسترس قرار دارد.

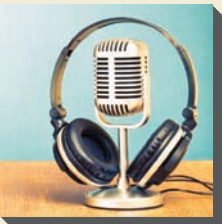
**فیلم**



**خورشید**

فیلم سینمایی «خورشید» به کارگردانی مجید مجیدی، از معدود آثار سینمایی ساخته‌شده در حوزه کودکان کار است که به واقعیت زندگی آنها کمی نزدیک شده. در این فیلم که در سال ۱۳۹۸ تولید شده، داستان نوجوانی را می‌بینید که از طرف یک مرد به‌دنبال پیدا کردن زیرک‌خانی می‌رود. درمی‌یابد که مجیدی در خورشید رقم زده، از پیچیدگی‌های زندگی این کودکان اجباری که برای کار کردن و تأمین معیشت دارند سخن می‌گوید و مخاطبان را بیشتر به عمق تراژدی این گروه می‌کشاند. فیلم سینمایی خورشید برنده سیمیرغ بلورین بهترین فیلم و بهترین فیلمنامه در سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر شد. علی نصریان، جواد عزتی و طناز طباطبایی سه بازیگر اصلی هستند که در این فیلم نقش آفرینی کرده‌اند.

**پادکست**



**همستان**

یاسد کست همستان ۱۰ از چند رسانه‌ای‌هایی است که برای آشنایی با شرایط زندگی کودکان کار و در راستای حمایت از کودکان کار و خیابان تولید شده است. در این پادکست مدیرعامل انجمن حمایت از حقوق کودکان درباره پروژه - مستند «بغمای کودکی» می‌کند. بغمای کودکی، عنوان پروژه‌ای است که با همکاری انجمن حمایت از کودکان انجام شده است. همچنین مستندی در راستای این پروژه به همین نام ساخته شده که در آن به گفت‌وگوی مستقیم با کودکان زباله‌گرد می‌پردازد. سولماز صدیقی، سازنده این مستند است که از سال ۹۸ تاکنون این مستند را در جشنواره‌های مختلف به نمایش گذاشته است. اگر دوست دارید از دنیای این کودکان و آسیب‌های مربوط به آنها چیزهایی بدانید، این گزینه‌ها را از دست ندهید.

**بازی و سرگرمی برای کودکان کار، این بار در چهارراه‌های شلوغ شهر**

# خنده، از پارک‌وی تا کوره‌پزخانه خاورشهر

**✓ مرضیه موسوی** قصه از وقتی شروع شد که داوطلبانی برای آموزش بازی با کودکان کار در چهارراه‌های کشور آستین‌باز شدند؛ حالا که کودکان کار به دلایل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مجبور به کسب درآمد بودند، امکان ساعتی بازی و آموزش در خیابان‌ها برای آنها فراهم شد. اعضای مؤسسه مردم‌نهاد «سیاس لحظه حال» طرح «دوشنبه‌های آفتابگردان» را از یک ویو و چهارراه مهم تهران شروع کردند و حالا در بیش از ۷۰ چهارراه شلوغ در استان تهران و البرز، به سراغ این کودکان می‌روند؛ کمک‌ها سوادآموزی، نقاشی، مشاوره و روانشناسی از خدماتی است که این کودکان در چهارراه‌ها به آن دسترسی پیدا کرده‌اند. ۲ سالگی است که فعالیت‌های این مؤسسه خیریه به کوره‌پزخانه‌ها هم رسیده تا کودکانی که در این کلونی‌های زندگی می‌کنند هم از غافله آموزش و بازی جانمانند.

**آفتابگردان‌هایی که هر هفته سر و کله‌شان پیدا می‌شود**

دوشنبه است، بچه‌های چهارراه پارک‌وی می‌دانند همین ساعت‌هاست که سر و کله همیاران خیریه‌های لحظه حال پیدا شود و ساعت بازی فرا برسد. مشق‌هایشان را ورق می‌زنند و با هم درباره قرار ورزش صحبت می‌کنند. از سال ۱۳۹۶ که سر و کله بچه‌های سیاسی پیدا شد، چیزهای زیادی در روزمره این کودکان تغییر کرده است؛ حالا سرپیچه‌هایی که در چهارراه‌ها گل و فال می‌فروشتند برای خودشان تیم فوتبالی دست و پا کرده‌اند و دختر بچه‌ها هم به والیبال و وسطی می‌پردازند. درست است که برخی از آنها شناسنامه‌ای برای رفتن به مدرسه ندارند و البته فراغتی برای این کار، اما خیلی زود مربیان آفتابگردان به آنها خواندن و نوشتن هم یاد داده‌اند. حالا مینا و سپهر و دیگر بچه‌هایی که در چهارراه‌ها کار می‌کنند، می‌توانند کلمات را

**مهری که بزرگ‌تر شد**

ماجرای سرزدن به چهارراه‌های شلوغ که باتوق کودکان کار است، از همین جا شروع شد. حالا با دیدن اعضای داوطلب که «همیار» نام دارند، کودکان خودشان را به گوشه‌ای از خیابان می‌رسانند. جمع آنها هر هفته شلوغ‌تر و پر و بیجان‌تر از قبل می‌شود و همیشه دوستان تازه‌ای که وصف این بازی‌ها را شنیده‌اند، به جمع بازی و سرگرمی در نزدیک چهارراه اضافه می‌شود. عباسی می‌گوید: «دوشنبه‌های آفتابگردان، بازی‌درمانی و هنر‌درمانی برای کودکان کار در چهارراه‌های تهران و البرز است که از سال ۱۹۶ آغاز شده. امروز در ۷۰ چهارراه تهران و استان البرز، با حضور ۱۲۱ کیب داوطلب این برنامه اجرا می‌شود.»



**گزارش خانه**



**همیاری در حوادث سخت**

همین هفته پیش بود که کودکان کار تمام مناطق شهر تهران مهمان شهرداری منطقه ۷ بودند تا با گرمیادداشت روز هوای پاک، از آموزش‌های لازم برای حفظ محیط‌زیست بی‌نیصیب‌مانند. احترام به محیط‌زیست، اهمیت حفظ سلامتی، آشنایی با بازیافت و... از جمله موضوعاتی بود که در این دیدار نیم‌روزه، کودکان کار به آن مشغول بودند. بعد از غسل فعالیت در حوزه آسیب‌های اجتماعی و به‌خصوص کودکان کار، حالا همیاران بنیاد سیاسی و داوطلبان مؤسسه سیاسی لحظه حال با ابعاد مختلفی از زندگی این کودکان آشنا هستند و با همراهی نهادهای مثل هلال احمر و... فعالیت‌های مختلفی در این زمینه انجام می‌دهند. فعالیت‌های داوطلبانه در این مؤسسه تنها در این دو موضوع خلاصه نمی‌شود؛ در سال‌های گذشته حوادث مختلفی مثل زلزله‌سی سخت و سیل‌های سال ۹۸ را تأمین سرپناه برای تعدادی از خانواده‌های متأثر از حادثه هم‌رفته‌اند. هزینه‌های مالی مؤسسه برای در گوشه و کنار کشور شاهد بودیم که خیران و داوطلبان این خیریه، علاوه بر ارسال کمک، به‌سراغ مسو یا مؤسسه، در زمینه کاهش آسیب، کمک به کودکان کار، آموزش و کار داوطلبانه دارند. اگر دستی در آموزش هنر و یا ورزش‌های مختلف و مورد علاقه کودکان دارید، می‌توانید به‌عنوان عضوی داوطلب، گروه‌های همیاری را در مؤسسه همراهی کنید.

**پیش به‌سوی زمین بازی**

در ۲ سالگی که از شیوع کرونا می‌گذرد حضور اکیب‌های بازی و آموزش در چهارراه‌ها، با توزیع ماسک و ضدعفونی‌کننده و آموزش‌های نکات بهداشتی همراه است. علیرضا عباسی می‌گوید: «موزهای ما غیرمستقیم است. در اکیب‌ها، روانشناسان و مشاوران هم حضور دارند تا با صحبت‌های خودشان، فشار روانی کودکان کار را کمتر و به حل مشکلاتشان کمک کنند». ورزشگاهی که در آن تمرین می‌کنند درست در مرکز شهر قرار دارد تا امکان دسترسی به آن برای همه بچه‌ها فراهم شود؛ هر چند قبل از شروع ساعت ورزش، همیارها به باتوق‌ها می‌روند تا با خودروهایی که نقش سرویس را برایشان ایفا می‌کند خود را به این ورزشگاه برسانند. کودکان کار هر هفته با شرایط و اطلاع والدینشان، به سالن ورزشی دعوت می‌شوند. تیم فوتبال سپران و والیبال و وسطی دختران در مسابقاتی که برای کودکان کار برگزار می‌شود، شرکت می‌کنند. با اینکه مدت زیادی از تشکیل این تیم‌ها نگذشته اما بچه‌ها برای اینکه بهترین بازی خود را ارائه کنند چیزی کم نگذاشته‌اند. به‌گفته مدیرعامل مؤسسه، وقتی بچه‌ها مشکلی را با مشاوران در میان می‌گذارند که به اعضای خانواده و نزدیکانشان مرتبط می‌شود، همیاران دست به کار برطرف کردن این مشکلات می‌شوند؛ چراکه از بین بردن چرخه آسیب‌های اجتماعی کودکان کار را نیازمند دیده‌شدن تمام مشکلات خانواده‌های آسیبی می‌دانند؛ نه صرفاً پرداختن به نیازهای کودکان کار.

**کوره‌پزخانه خاورشهر**

ماجرای کودکان کار و آموزش و بازی با آنها تنها به کودکانی که در چهارراه‌ها و سطح شهر مشغول کار هستند، مرتبط نشد، مؤسسه بنیاد سیاسی لحظه حال در طرخی دیگر به سراغ کودکانی رفته که در کوره‌پزخانه‌ها، به همراه خانواده خود مشغول تولید و البته زندگی هستند؛ از بچه‌های دو، سه‌ساله که خشت‌های خام را یکی یکی جابه‌جا می‌کنند گرفته تا نوجوان‌هایی که آجر در کوره می‌گذارند و... عباسی می‌گوید: «بچه‌های کوره‌پزخانه به‌دلیل شرایط خاص زندگی، از اولیه‌ترین حقوق خود در زمینه بهداشت و آموزش برخوردار نبودند. ما تیم‌هایی برای فعالیت در کوره‌خانه خاورشهر فرستادیم تا با این بچه‌ها بازی کرده و با آنها سوادآموزی را تجربه کنند.»

**کودک کار، فقط در خیابان نیست**

کودک کار، فقط در چهارراه‌ها می‌بینیم

کودکانی که در خیابان‌ها می‌بینیم تصویر آسپ‌بند‌باز که برسانید، چطور می‌شاید تصورش هم برای‌تان سخت باشد هر هنری که در چنته دارید، می‌تواند برای کودکان کار مفید باشد. برای همین هم می‌توانید با یک برنامه‌ریزی مناسب، مشکلات اجتماعی قرار دارند. در صورت مشاهده و مواجهه با این کودکان، در صورتی که شاهد بدرفتاری صاحب‌کار یا دیگران با کودک هستید، موضوع را با ۱۲۳ در میان بگذارید. در این مورد بی‌تفاوت نباشید و دقت کنید که این کودکان، مظلوم‌تر و آسیب‌پذیرتر از کودکان کاری هستند که همه‌روزه در سطح خیابان و چهارراه‌ها می‌بینید.

**مهارت‌تان را وقف کنید**

شاید بیشتر از حدی که تصور کنید، بتوانید به این گروه آسپ‌بند‌باز که برسانید، چطور می‌شاید تصورش هم برای‌تان سخت باشد هر هنری که در چنته دارید، می‌تواند برای کودکان کار مفید باشد. برای همین هم می‌توانید با یک برنامه‌ریزی مناسب، مشکلات اجتماعی قرار دارند. در صورت مشاهده و مواجهه با این کودکان، در صورتی که شاهد بدرفتاری صاحب‌کار یا دیگران با کودک هستید، موضوع را با ۱۲۳ در میان بگذارید. در این مورد بی‌تفاوت نباشید و دقت کنید که این کودکان، مظلوم‌تر و آسیب‌پذیرتر از کودکان کاری هستند که همه‌روزه در سطح خیابان و چهارراه‌ها می‌بینید.

**به مراکز حمایت از کودکان کار کمک کنید**

اگر دل‌تان به حال کودکان کار می‌سوزد و می‌خواهید به این کودکان کمک کنید تا معیشت بهتری داشته باشند، می‌توانید به جای پرداخت مستقیم به کودکان کار، به مراکز زمین‌ه کودکان کار و خیابان فعالیت می‌کنند، کمک کنید. با پرداخت مستقیم پول به کودک، طعم داشتن درآمدی بیشتر را به کودک کار می‌چشانید و انگیزه او را برای پیدا کردن مسیر تازه‌ای برای زندگی از چهارراه‌ها و دستفروشی آنها دارد. با این کار، عملاً بین می‌برید. از طرفی خانواده‌ها هم بیشتر به این روش معاش وابسته شده و کودک را بیش از پیش به کار و کسب درآمد تشویق می‌کنند.

**سؤال بپرسید**

معمولاً کودکان کار را در چهارراه‌ها و پشت چراغ قرمز می‌بینیم، یا در فاصله کمی که قطار از ایستگاهی به ایستگاه دیگر می‌رسد. در این فرصت کوتاه زمان زیادی برای گفت‌وگوی مفصل با کودکان فراهم نیست. اما یکی از کارهای مؤثری که می‌توان برای این کودکان انجام داد، این است که با پرسیدن سؤال‌هایی، ذهن کودک کار در مورد آینده، وضعیت تحصیل آینده، و جرقه‌های تازه‌ای ایجاد کنید. نیازی به شنیدن جواب این سوالات ندارید؛ احتمالاً این کودک شب ببرد، به‌دنبال جواب منطقی برای این سوالات می‌گردد؛ هر چند وقتی از او سؤال می‌پرسید از جواب‌های حاضر و آمادگی که بزرگ‌ترهایش به او یاد داده‌اند را به شما بگوید.

**با میوه از کودکان کار پذیرایی کنید**

بسیاری از کودکان کار و خیابان در خانه تغذیه کامل و حتی مناسبی ندارند. حالا که به فکر این هستید تا به کودکان کمکی کنید، می‌توانید با آنها میوه یا پاکت کوچکی شیر همراه خود داشته باشید تا آن را به کودکانی بدهید که در خیابان مشغول دستفروشی و تکدی‌گری هستند. توصیه می‌کنیم قبل از دادن خوراکی به کودکان، حتماً پلمپ این کودکان را باز کنید؛ تجربه نشان داده اغلب والدین این خوراکی‌ها را از کودکان پس گرفته و به فروش می‌رسانند؛ یعنی کودک هیچ نصیبی از آن نمی‌برد و شما باز با کار کردن پلمپ این بسته‌ها می‌توانید از این کار جلوگیری کنید.

**اگر نیاز ندارید خرید نکنید**

حالا که نمی‌توان به‌طور کامل جلوی کار کردن این کودکان را گرفت، مناسب‌تر شخصیت این کودکان، رفتار مناسبی با آنها پیش گرفت. یکی از اصولی که کارشناسان همیاری کودکان کار به آن تأکید دارند این است که با کودک کار، هنگام ارائه کالا و جنسی برای فروش، مثل یک کاسب برخورد کنید؛ آنها اگر کالای عرضه‌شده توسط کودک را نیاز دارید آن را بخرید و هنگام خرید از کودکان، همان مبلغ واقعی جنس را به کودک بدهید و نه پول بیشتر. همچنین اگر نیاز به کالایی که آنها ارائه می‌دهند ندارید، از او خرید نکنید و این موضوع را بدون خشم و پراش به کودک بگویید.

**ماسک و وسایل بهداشتی**

۲سال از زمان شیوع کرونا گذشته و اغلب مردم با شیوه‌نامه‌های بهداشتی برای در امان ماندن از این بیماری آشنا هستند. با این حال بسیاری از کودکان کار ممکن است همچنان ماسک بهداشتی در اختیار نداشته باشند. یکی از بهترین هدیه‌هایی که می‌توانید به این کودکان بدهید، ماسک یا محلول‌های ضدعفونی‌کننده و وسایل بهداشتی شخصی است تا از بیماری در امان بمانند. البته قبل از تحویل دادن این وسایل، خوب توجه‌شان کنید که باید حتماً از این وسایل استفاده کنند و ماسک‌ها را هم باز شده تحویل‌شان بدهید تا همان لحظه استفاده کنند.

**به کودکان کتاب هدیه دهید**

برای پرسیدن سؤال درباره آینده کودک، درس‌خواندن او هر موضوع دیگری، به تک‌تک کلمه‌ها و لحنی که به‌کار می‌برید دقت کنید؛ انتقال حس تحقیر، به سرخه گرفتن، کنکاش بی‌مورد درباره سبک زندگی و خانواده کودک و حس‌های منفی دیگر می‌تواند به سرعت اتفاق بیفتد و به راحتی برای کودک قابل درک است. تلاش‌تان را برای نشان دادن حس همدلی، اعتماد به نفس‌دادن به کودکان و فهماندن اینکه می‌خواهید از او حمایت کنید به کار بگیرید تا هویت و شخصیت آنها را تقویت کنید.

**راهنمایی برای برقراری ارتباط مؤثر با کودک کار**

# کودک کار را نادیده نگیرید

این روزها به هر طرف که سر می‌چرخانید، کودکان کار را می‌بینید؛ سر چهارراه‌ها، پارک‌ها، خیابان‌ها و بازارهای شلوغ، ایستگاه‌های مترو و... با این حال اغلب شهروندان نحوه صحیح روبه‌رو شدن با کودک کار و برقراری ارتباط با آنها را نمی‌دانند. بی‌تفاوتی نسبت به کودکان کار، ترجم، پول‌دادن به این کودکان، خشم و طرد کودکان کار و... رفتارهایی است که ممکن است گاهی از شهروندان در قبال این کودکان سر بزند؛ رفتارهایی که بر خلاف تمایل افراد، نه تنها کمکی به بهبود شرایط این کودکان نمی‌کند بلکه آسیب‌زننده هم هست و می‌تواند تأثیر بدی روی این کودکان به‌جا بگذارد. اگر در این زمینه با خود دچار چالش شده‌اید و نحوه صحیح ارتباط گرفتن با کودکان کار از دغدغه‌های شماست، راهنمایی‌های شقایق حبیبی‌فرعی، از همیاران مؤسسه سیاسی لحظه حال به دردتان می‌خورد.



**حقوق کودکان را به آنها یادآوری کنید**

بازی، تحصیل، بهداشت، آموزش رایگان و... از مهم‌ترین حقوقی است که هر کودک باید از آن برخوردار باشد. کودکان کار به‌دلیل شرایط اقتصادی خانواده و همچنین مشکلات فرهنگی، مجبور هستند تا بخشی یا همه زمان خود را به کار و کسب درآمد بگذارند. این موضوع آنها را از رسیدن به این حقوق اولیه محروم کرده و اجازه رشد عادی را از آنها می‌گیرد. حداقل کاری که انجمن‌های مردم‌نهاد برای این کودکان انجام می‌دهند، ایجاد فرصتی برای این کودکان جهت بازی و آموزش است؛ نیازهایی که برای تأمین آینده‌ای بهتر بیش‌تر احساس می‌شود.

فیلم



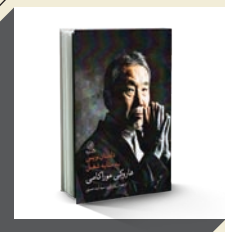
**مهر مادری**  
مهر مادری فیلمی ایرانی به کارگردانی کمال تبریزی است. مینا فیهیمی (فاطمه معتمدآریا) به‌عنوان مددکار اجتماعی در کانون اصلاح و تربیت پسران کار می‌کند. مهدی (حسین سلیمانی) پدرش را بر اثر تصادف از دست داده و مادرش نیز موقع به دنیا آوردن فرزند دومش از دنیا رفته‌ا. مهدی فوت مادر را قبول نمی‌کند. او عکس خود و مادرش را دیده و در این بین خاتم فیهیمی را شبیه مادر خود می‌بیند و با به‌دست آوردن آدرس‌اش، از او می‌خواهد که مادرش باشد. خاتم مددکار قبول نمی‌کند و مهدی با اصرار تا تشبیه‌ها می‌ماند تا بالاخره به داخل خانه دعوت می‌شود. حضور مهدی در زندگی این مددکار در سراسر است بنابراین او را جواب می‌کند، اما وقتی همسایه هدیه‌ها را که مهدی برای روز مادر خریده بود به خاتم مددکار می‌دهد، او پیشیمان می‌شود و به سراغ مهدی می‌رود اما...

انیمیشن



**همسایه من توتورو**  
همسایه من توتورو، نام یک فیلم انیمه در سبک خیال پردازی تولید ۱۹۸۸ (۱۷ین است. داستان در مورد ۲ دختر بچه است که به همراه پدرشان به دهکده‌ای نقل مکان می‌کنند تا به مادر بیمارشان نزدیک‌تر باشند. می کودکی خردسال است که به همراه پدر و خواهر بزرگش سانسکه برای تعطیلات تابستانی به خانه‌ای دور از شهر می‌روند. طولی نمی‌کشد که او و خواهرش متوجه وجود ارواح جنگل می‌شوند، که توسط دیگران قابل‌رویت نیستند. آنها با یکی از این ارواح به نام توتورو دوست می‌شوند و پیوندی عاطفی برقرار می‌کنند. توتورو هم در انتهای فیلم کمک می‌کند، می، که به دنبال مادرش تنهایی راهی بیمارستان شده را پیدا کند. از آثار فیلمساز بزرگ انیمه هایاتو میازاکی است و جایزه‌های بسیاری را از جشنواره‌های گوناگون رده‌هاست.

کتاب



**داستان نویسی به مثابه شغل**  
کتاب «داستان نویسی به مثابه شغل» اثر جدید هاروکی موراکامی با ترجمه سیدآیت حسینی، استاد زبان و ادبیات ژاپنی است که انتشارات پرندۀ آن را به بازار نشر آورده است. در کتاب داستان نویسی به مثابه شغل، هاروکی موراکامی، درباره نگاه و فرایند داستان نویسی‌اش به صراحت، تفصیل و ذکر جزئیات سخن گفته است. پرسش‌های اصلی که موراکامی در این کتاب می‌کوشد به آن پاسخ دهد این است که چگونه می‌توان داستان نوشت، داستان نویس حرفه‌ای شد و در این شغل دوام آورد. او برای پاسخ به این پرسش، با ذکر تجربه‌ها و خاطرات خود، ویژگی‌های لازم برای داستان‌نویس شدن را برمی‌شمارد و از نحوه کسب آموادی روحی و جسمی برای این کار می‌گوید. خواننده در این کتاب، با موراکامی همراه می‌شود تا جزئیات داستان نویسی او را بشناسد.



کودک و نوجوان را زن‌ها نوشته‌اند اما جامعه مردسالار تا یک حدی به زن اجازه رشد می‌دهد. از یک حدی که بزرگ‌تر بشوی جلویی می‌ایستد و مقاومت می‌کنی. جامعه مردسالار نمی‌گذارد صدايت از یک حدی قوی‌تر شود. این موضوع درباره نویسدگان نسل من کاملاً صحت دارد. اما خوشبختانه نویسدگان امروز، مثل نویسنده‌های نسل من نیستند. نسل من مردسالاری را حق مردها می‌دانست و با کمی فرغر کودکانه، قبولش می‌کرد اما زن‌های امروز به فرمانبرداری نسل من نیستند. پس شاید ورق برگردد و بعد از این مردها باشند که دنبال صدای قدرتمند باشند تا شنیده بشوند.

**اگر نویسنده نمی‌شدید، دوست داشتید فعالیت در چه حوزه‌ای را تجربه کنید؟**  
الان و در این سن وقتی به کارهایی که می‌توانستم به جای نویسنده‌گی بکنم فکر می‌کنم، چیزهای زیادی به فکر می‌رسند؛ مثلاً چقدر خوب می‌شد اگر می‌توانستم طرح بهترین نویسنده‌های زن ادبیات کودک هستم.

**به نظر شما چرا با وجود غنی بودن ادبیات فارسی کمتر شاهد ورود آثار ادبی ایران به بازارهای جهانی کتاب هستیم؟**

کتاب‌هایی که ارزش ورود به بازارهای جهانی را داشته‌اند، به بازار جهانی وارد شده‌اند. بسیاری از ادبیات کهن ما مثل حافظ و خیام و ادبیات امروز مثل بوف کور و دایی جان ناپلئون و کتاب‌های شهریار مندنی پور و... در دنیا شناخته شده هستند. کتاب‌ها راه خودشان را باز می‌کنند، البته که زبان فارسی مشکلی برای جهانی شدن است اما اول باید اندیشه و قلمی جهانی وجود داشته باشد. خارجی‌ها خریدار چیزی که خودشان اصیل و تروتازه‌اش را دارند، نیستند. کتاب یک نویسنده ایرانی ممکن است ما ایرانی‌ها را شگفت‌زده کند اما لزوماً خارجی‌ها را شگفت‌زده نمی‌کند. آنها به جوک‌هایی می‌خندند که برای ما خنده‌دار نیست و بر عکس. برزهای چشایی ما و آنها فرق دارد. آنها ادبیات هر کشوری را رصد می‌کنند و مطمئن باشید اگر کار ویژه‌ای در ایران چاپ شده باشد، به گوش آنها هم رسیده است. فکر می‌کنم بهتر است به جای اینکه دغدغه جهانی شدن داشته باشیم، دغدغه اندیشه‌های نو را داشته باشیم. بازنگری در دیدگاهمان به جهان و هستی! این چیزی است که باید در سطح اول اتفاق بیفتد تا به دنبال آن اتفاقات دیگری هم بیفتد.

کودکان و نوجوانان شروع کردم اما کمی که گذشت دیدم حرف‌هایی دارم که در قالب قصه کوتاه نمی‌گنجد. این بود که رمان نویسی برای نوجوانان را شروع کردم. رمان «مروز چیلجه من»، «هوشمندان سیاره اوراک»، «مرد سبز شش‌هزارساله»، «سالومه و خرگوش»، «پسران گل» و چند رمان دیگر حاصل همین درک و دریافت بود. کمی دیگر گذشت و احساس کردم حرف‌هایی با بزرگ‌ترها دارم. با کسانی که هوشمندان سیاره اوراک را در ۱۰ سالگی خوانده و حالا ۳۰ ساله شده‌اند. برای همین نوجوانان - بزرگسال رمان نویسی گروه سنی بالاتری را شروع کردم. با کتاب «پایان یک مرد» شروع کردم و دیدم بزرگسال نویسی هم برای خودش عالمی دارد. خلاصه اینکه دوست دارم زائرها و گروه‌های سنی مختلف را کشف و امتحان کنم.

**به نظر شما مسیر تبدیل شدن به یک نویسنده موفق برای زنان نویسنده چه فرقی با مردان نویسنده دارد؟**

مسیر نویسنده شدن برای زن و مرد فرقی ندارد. چه زن چه مرد باید استعداد و توان نوشتن داشته باشند، بنویسند و به ناشر بدهند. هیچ ناشسری در دنیا به صرف زن بودن کاری را رد نمی‌کند. حالا اگر منظور تان این است که زن‌ها در ایران به دلایل مختلف کمتر امکان رشد دارند، شاید یک زمانی درست بود اما الان زن‌ها با وجود مردسالاری توانسته‌اند خیلی موفق‌تر از مردها در عرصه نویسندگی باشند. همیشه همه جا گفته‌ام که بهترین قصه و شعرهای خردسالان ایران را زن‌ها نوشته‌اند. بهترین رمان‌های



روند کتابخوانی من از دوران دبیرستان شروع شد. با کتاب‌های محمود حکیمی شروع کردم و با شعرهای نادر نادرپور و فروغ فرخزاد ادامه دادم. دسترس‌ی‌ام به کتاب بسیار کم بود. یکی از کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کنار دبیرستانی بود که تحصیل می‌کردم. یک در کتابخانه به حیاط دبیرستان باز می‌شد. یادم هست برای عضویت در کتابخانه باید آت‌آ عکس می‌پریم. از مادرم پرسیدم عکس‌هایم کجا هستند؟ گفتم می‌خواهم عضو کتابخانه بشوم و خوب... این طوری شد که من هرگز عضو کتابخانه نشدم! چون دختر بودم و نباید جایی می‌رفتم که پسرها هم رفت‌وآمد دارند اما یکی از همکلاسی‌هایم کتاب می‌گرفت و من هم می‌خواندم. از همان جا بسا کتاب‌هایی از جنس کتاب‌های ر-اعتمادی آشنا شدم و به امروز رسیدم.

**شما در سبک‌های مختلف برای مخاطبان متنوعی نوشته‌اید. چرا تصمیم گرفتید این انتخاب یک گروه مخاطب و یک سبک خاص فاصله بگیرد و دست به تجربه‌های تازه بزنید؟**

من کار نویسندگی‌ام را با نوشتن قصه‌های کوتاه برای

فریبا کلهر، نویسنده‌ای که به بانوی هزار قصه معروف است

# نوشتن، شادمانی تکرار شونده من است



نیلوفر ذوالفقاری

«بانوی هزار قصه»، این عنوانی است که پس از سال‌ها نوشتن و انتشار صدها قصه و بازنویسی داستان‌هایی متعدد، به فریبا کلهر داده شده است؛ نویسنده‌ای که در جوانی توانست جایزه کتاب سال را برای اثر «سوت فرمان‌روا» دریافت کند و بعدها تجربه نوشتن را در سبک‌های فانتزی، اسطوره‌ای، علمی و تخیلی، برای کودکان، نوجوانان و بزرگسالان ادامه داد. از فریبا کلهر کتاب‌های متعددی روانه بازار شده و جوایز ادبی زیادی در کارنامه‌اش به ثبت رسیده، با این حال او می‌گوید لقب بانوی هزار قصه را، در شیرین‌ترین خواب‌هایش هم نمی‌دیده است. با این نویسنده پرکار درباره نویسنده‌گی و دنیای شیرین نوشتن گفت‌وگو کرده‌ایم.

**«بانوی هزار قصه»؛ احساس تان درباره این عنوانی که شما را با آن می‌شناسند چیست؟**  
بهتر از این نمی‌شد برای من پیش‌بیاید. خوابش را هم نمی‌دیدم که روزی این لقب یا عنوان را داشته باشم؛ یعنی اگر در کودکی و حتی نوجوانی و جوانی کسی پیش‌بینی می‌کرد که من رئیس جمه‌پور جایی می‌شوم باور می‌کردم اما نوشتن قصه‌های زیادی که باعث بشود به من بانوی هزار قصه بگویند، نه! هرگز باور نمی‌کردم. خیلی به من این عنوان افتخار می‌کنم و امیدوارم لایقش باشم. یکی از لذت‌های من موقعی است که می‌بینم جایی به من بانوی هزار قصه می‌گویند. کسانی که این لقب را به من دادند مرا در تاریخ ادبیات این کشور جاودانه کردند. دیگر از خدا چه می‌خواهم؟

**نویسنده‌گی چه چیزی به زندگی شما اضافه کرد که اگر نبود جای آن در زندگی تان خالی بود؟**  
تصور دنیای بدون نوشتن برای من مشکل است. چون من از حدود ۲۲ سالگی رسماً نویسنده بودم. فکر می‌کنم نویسنده‌گی به من شادمانی تکرار شونده می‌دهد. در فرایند نوشتن چه در مرحله سوزهایابی و ایده‌پردازی و چه در مرحله نوشتن و چاپ، نوعی شادای خاص را احساس می‌کنم. این شادای در کمتر کاری این قدر مداوم است. شاید فقط در کارهای هنری بشود این شادمانی اصیل و دیرپا را دید. به هر صورت چون نویسنده‌گی کاری است که همه وجودم به آن «آری» گفته است، لحظه‌های شوق و شغف بسیاری را تجربه می‌کنم.

**اولین بار قه‌های علاقه به نوشتن کجا و چطور در وجود شما روشن شد؟**  
اولین بار که دست به قلم شدم برای شرکت در یک مسابقه رادیویی بود. مسابقه خاطرهنویسی بود و من درباره یک روز طوفانی نوشتم؛ روزی که باد شدیدی آمد و حیاط پر از تگرگ

## معرفی بهترین رمان‌هایی که درباره مادران نوشته شده‌اند

### روایت‌هایی از مادران در داستان‌های ماندگار

**زنان کوچک | لوییزامی آلکوت**  
داستان در مورد خانواده مارچ است که قبلاً پولدار بوده‌اند ولی الان وضعیت خوبی ندارند و پدرشان برای کمک به سربازان به جنگ رفته است و حالا آنها سعی می‌کنند زندگی خود را اداره کرده و در کنارش به مردم محتاج کمک کنند. آنها همگی زندگی نسبتاً سختی دارند و از یکدیگر حمایت می‌کنند و ماجراهای جالبی برایشان پیش می‌آید. زنان کوچک داستانی است که به بیش از ۵۰ زبان ترجمه شده است. محل اتفاق این داستان در شهر بوستون، ایالت ماساچوست آمریکا است و زمان این داستان در اواسط قرن نوزدهم است و موفق شده از میان مرزهای فرهنگی و مذهبی عبور کند. جلد اول زنان کوچک، به اندازه‌ای موفق بود که نوشتن جلد دوم، همسران خوب را موجب شد که به اندازه جلد اول موفق بود.

**آیا مادری هست به من کمک کند؟ | جینا بیللی**  
این رمان مجموعه ارزشمندی از نامه‌های جالبی است که نخستین آنها در سال ۱۹۳۵ چاپ شد. نامه‌ها متعلق به زنی است که درباره احساسات مادرانه خود حرف می‌زند. نویسندگان این نامه‌ها زنان عضو باشگاهی بودند که «باشگاه همکاری» نام داشت. نخستین نامه را زن جوانی برای مجله ارسال کرد و در آن نامه از احساس تنهایی و انزواپی که تجربه می‌کرد نوشت. به فاصله کوتاهی زنان زیادی از سراسر کشور با تجربه‌های مشابه و احساس نامیدی، شروع به نوشتن پاسخ‌هایی به این نامه کردند. در نهایت شکلی از دوستی صمیمانه و همدلی بین این زنان شکل گرفت که به نوشتن رمان مذکور منتهی شد. این دوستی البته باعث شد یک مجله خصوصی بتواند تا ۵۵ سال بعد از انتشار نخستین نامه دوام بیاورد.

**اتاق | اما دون اهو**  
«اتاق» نام یک رمان به زبان انگلیسی است که در سال ۲۰۱۰ توسط یک نویسنده ایرلندی-کانادایی به نام اما دون اهو نوشته شده است. داستان از منظر یک پسر پنج ساله به نام جک روایت می‌شود که چندین سال در یک اتاق کوچک همراه با مادر خود اسیر شده است. در ابتدای داستان با دختر روده شده مواجه هستیم ولی بعد این دختر تبدیل به مادری می‌شود که برای نجات فرزند خود از دست پدرش مجبور است راه‌های فرار بسیاری را امتحان کند. نویسنده در این داستان بارها نفس را در سینه خواننده حبس و او را با داستانی متفاوت رو به روی می‌کند. این کتاب پس از انتشار جوایز و افتخارات زیادی را به ارمان آورد، در همان سال به فهرست نهایی بوکر ۲۰۱۰ راه یافت و به‌عنوان یکی از پر فروش‌ترین کتاب‌های نیویورک تایمز معرفی شد.

**مستأجر عمارت وایدلف | ان برونته**  
سه خواهر خانواده برونته نویسندگان مشهوری در انگلیس محسوب می‌شوند. نویسنده این کتاب هر چند به اندازه خواهرش شارلوت شهرت ندارد اما به خوبی می‌توان احساسات مادرانه را در رمانش مشاهده و لمس کرد. خیلی از منتقدان این رمان را فمینیستی عنوان کرده‌اند ولی یک بیوه جوان برای حفاظت از پسرش مجبور می‌شود به تپه‌های ویلفرد دور از چشم دیگران برود و با شرایط سخت زندگی کند. این کتاب دومین و آخرین رمان به سبک نامه‌نگارانه نوشته ان برونته، شاعر و نویسنده انگلیسی است که در سال ۱۸۴۸ با نام مستعار اکتون بل منتشر شد. رمان یکی از تکان دهنده‌ترین رمان‌های خوانران برونته است که موفقیتی خارق‌العاده پیدا کرد. پس از مرگ ان، خواهرش شارلوت تا سال ۱۸۴۵ از چاپ مجدد آن در انگلستان جلوگیری کرد.

## معرفی بهترین رمان‌هایی که درباره مادران نوشته شده‌اند

### روایت‌هایی از مادران در داستان‌های ماندگار

**مامان من و مامان | مایا آنجلو**  
نویسنده کتاب‌هایی مثل «و هنوز بزرگ می‌شوم» دارای زندگی خاصی است که نشان می‌دهد خودش مادر مهربانی بوده و این کتاب شرح حالی از زندگی‌اش است. او یک‌دهه پس از فوت مادرش کتابی نوشته که تمام نوشته‌های آن به روابط او با مادرش اشاره دارد. این کتاب هفتمین و در حقیقت آخرین مجلد از مجموعه ۷ جلدی خودزندگی‌نامه نویسنده است که عمده شهرتش را با همین مجموعه به‌دست آورده. کتاب مادر و من و مادر، به تشریح رفتار و منش باکستر می‌پردازد و توضیح می‌دهد که چگونه فرزندان، مایا و برادر بزرگ‌ترش را هنگامی که نوجوان بودند متوجه می‌کند. کتاب مملو از وقایعی است که صورت پذیرفته از زندگی واقعی خود آنجلو است. وقایع مرتبط با تجدید دیدار و مصالحه نویسنده با مادرش هم در کتاب ذکر شده است.

**نمی‌دانم چطور انجام می‌دهد: زندگی کیت ردی به‌عنوان مادر شاغل | الیسون پیرسون**  
کیت ردی در مجموعه داستان‌های پیرسون به‌عنوان مدیر یک شرکت بزرگ وظایف مادرانه خود را به خوبی انجام می‌دهد. در تمام داستان‌های این مجموعه اولویت شخصیت زن داستان رسیدگی به فرزندان خود است و نه کار و وظایف دیگری که بر عهده دارد. پیرسون در ادمنتون آلبرت متولد شد و دوران کودکی خود را در آن شهر و تگزاس گذراند. وی به‌عنوان دانش‌آموز دبیرستان برای تحصیل در مدرسه کرافتون هائوس به ونگوور بازگشت. وی مدرک ادبیات انگلیسی را در دانشگاه آلبرت تا به‌دست آورد. در سال ۱۹۷۵، او شروع به تحصیل کتابداری در دانشگاه بریتیش کلمبیا کرد و نخستین شغل خود را در آن رشته در انتاریو یافت. وی بعداً مدرک کارشناسی ارشد خود را در مرکز کالج سیمونز در رشته مطالعه ادبیات کودکان در بوستون گرفت.

**پشت‌صحنه‌های موزه | کیت اتکینسون**  
داستان کتاب درباره دختر جوانی است که در خانواده‌ای زندگی می‌کند که زنانی از سه نسل متفاوت در آن زندگی می‌کنند. او می‌تواند با مادرانی از تمام نسل‌ها ارتباط داشته باشد و در طول داستان تجربیات آنها را به خواننده منتقل کند. کیت اتکینسون دانش موخته رشته ادبیات انگلیسی در مقطع ارشد از دانشگاه آردن در اسکاتلند است و در مقطع دکتری روی ادبیات آمریکایی با موضوع متن‌های تاریخی در ادبیات پیامدرن داستان‌های کوتاه آمریکایی کار کرده اتکینسون در ۱۹۹۵ با نگارش کتاب پشت‌صحنه‌های موزه به شهرتی قابل توجه دست یافت. در همان سال جایزه ادبی کاستا بوک را از آن خود کرد. در سال ۲۰۱۳ نیز با نگارش کتاب زندگی پس از زندگی نامزد دریافت جایزه جشنواره جایزه ادبیات داستانی زنان و کاستا بوک بود که نتوانست این جوایز را به‌دست آورد.

**آنا کارنینا | لی یو تالستوی**  
این رمان در آغاز به‌صورت پاورقی از سال ۱۸۷۵ تا ۱۸۷۷ در گاهنامه‌های به چاپ رسید. رمان آنا کارنینا، داستانی واقع‌گرا دارد و یکی از برترین آثار ادبی جهان شمرده می‌شود. آنا کارنینا رمانی پیچیده در ۸ قسمت، با بیشتر از ۱۲ شخصیت اصلی، در بیش از ۸۰۰ صفحه به‌طور معمول دوجلدی است. محتوای داستان به خیانت، ایمان، خانواده، ازدواج، جامعه اشرافی روسیه، آرزو و زندگی روستایی و شهری می‌پردازد. زن و شوهری به نام‌های استیپان آرکادچ و داریا الکساندرنا با هم اختلافی خانوادگی دارند. آنا کارنینا خواهر استیپان آرکادچ است و از سن پترزبورگ به خانه برادرش در مسکو می‌آید و اختلاف زن و شوهر را حل می‌کند و حضورش در مسکو باعث به‌وجود آمدن ماجراهای اصلی داستان می‌شود.

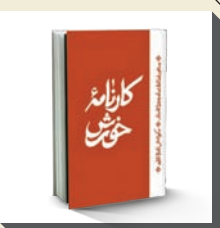


## نمایشگاه



**سارا، مریدان و رودخانه**  
این نمایشگاه گروهی است که اواخر بهمن برگزار می‌شود. ماچرا از این قرار است که گروهی از دانش‌آموزانی که حالا ۱۶ سال دارند، با خواندن کتابی به همین نام در کتابخانه مدرسه، تصمیم گرفتند تا تصویرگری تازه‌ای برای آن بیافرینند. کتاب «سارا، مریدان و رودخانه» داستانی در حوزه نوجوانان است که به قلم سیدنوید سیدعلی اکبر نوشته شده. در این کتاب که الهام‌دوری از داستان آدم و حواست، با نقش غذا در فرهنگ عامه و ریشه و اهمیت آن در داستان و به خصوص داستان نوجوانان رویه‌رو هستیم. نمایشگاه مشارکتی سارا، مریدان و رودخانه علاوه بر روایت ماجرای این کتاب و آغاز تصویرگری نوجوانان برای آن، بخش‌هایی مثل کارگاه، تماشای ویدئو... را هم دارد. نمایشگاه در کتابخانه قصه و افسانه در محله زرگنده، خیابان گوی‌آبادی برگزار می‌شود.

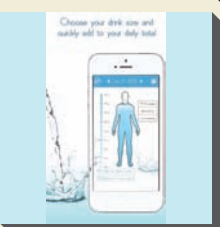
## کتاب



## کارنامه خوش

«کارنامه خوش» عنوان کتابی است که در دوره قاجار تألیف شده و علاوه بر دست‌نویس پخت‌غذاهای مختلف، نقش فرهنگ‌نامه‌ای از غذاهای ایرانی را ایفا می‌کند. این کتاب توسط نادر میرزا قاجار نگارش شده و در سطر سطر آن می‌توان تسلط او به ادبیات، طب و تاریخ را به چشم دید. در این کتاب از شرح حوادث تاریخی، خاطرات نویسندگان، قصه و شعر در کنار دستور طبخ غذاها بی‌نصیب نمی‌ماند. توصیفات و ابداعات زبانی برای طعم‌ها، تاریخچه غذاهای محلی ایران همراه گزارش آداب و رسوم، روابط اجتماعی و خانوادگی آن دوره، کاری کرده که این متن در گذر زمان همچنان خواندنی و تازه باشد. کتاب کارنامه خوش در سال‌های اخیر توسط نشر اطراف بازنویسی و به زبانی روان‌تر منتشر شده است.

## اپلیکیشن



## آب بنوشید

نوشیدن آب تنها برای رفع تشنگی نیست؛ بر طرف کردن خشکی پوست، رفع سردرد، کمک به تنظیم غلظت خون... می‌تواند راهکار ساده‌ای مثل نوشیدن آب به اندازه کافی داشته باشد. با این حال افراد زیادی در طول روز نوشیدن آب در این میزان را فراموش می‌کنند. برای همین هم در سال‌های گذشته اپلیکیشن‌های موبایلی متعددی برای یادآوری نوشیدن آب طراحی شده‌اند. این برنامه‌ها در اختیار گرفتن وزن، سن و میزان فعالیت‌های روزانه شما برنامه‌ای منظم برای نوشیدن آب در بازه‌های زمانی تعیین شده توسط خود شما را در اختیارتان می‌گذارد. بد نیست بدانید میزان نوشیدن آب در زمستان، به دلیل تعرق کمتر و سرمای هوا، عادت می‌معمول اما نادرست است که به کمک این اپ‌ها می‌تواند اصلاح شود. به این منظور از Daily Water Tracker به یاد داشته باشید. این برنامه به شما یادآوری می‌کند که در هر روز چه مقدار آب بنوشید. این برنامه به شما یادآوری می‌کند که در هر روز چه مقدار آب بنوشید.

## ✓ مرضیه موسوی

سابقه حضور سببزمینی در ایران، به دوره قاجار برمی‌گردد و کمتر از ۲۰۰ سال قدمت دارد. این محصول اروپایی در طول قرن‌های متمادی، از دوره صفویه به آسیا وارد شد و بازرگانان و درباریان کشورهای مثل چین و هند قبل از ایران کاشت این محصول را در کشورشان آغاز کردند. سببزمینی در دوره‌های مختلف تاریخی در سر تاسر دنیا برادری خود را ثابت کرده و در قحطی‌های بزرگی توانسته نجات‌بخش مردم باشد. همین دلیل هم به محبوبیت این ماده غذایی دامن زد و خیلی زود آن را به محصولی فراگیر تبدیل کرد و آن را در دنیای محصولات بااهمیتی مثل برنج و گندم قرار داد. نخستین سببزمینی‌ها در دوره فتحعلی‌شاه قاجار با په تهران گذاشتند و این محصول در طول ۵۰ سال توانست جای خود را در میان مهم‌ترین محصولات کشاورزی ایران باز کند. تا قبل از این اتفاق، اهالی تهران که تازه با سببزمینی آشنا شده بودند، چیزی در مورد نحوه طبخ و استفاده از آن نمی‌دانستند به طوری که در مجله‌ها و کتاب‌ها و روزنامه‌ها مطالب زیادی در مورد خواص و نحوه پخت این محصول نوشته شد. حضور سببزمینی سرخ کرده به عنوان گل سرسید غذاها، حاصل تلاش برای معرفی این محصول در دوره قاجار است.

## تحفه انگلیسی

سببزمینی نخستین بار از روسیه راه خود را به ایران باز کرد و مثل کشورهای دیگر، ابتدا در اختیار دربار و تاجران قرار گرفت و کالایی لوکس به حساب می‌آمد. اعتمادالسلطنه در کتاب خاطرات خود «سر جان ملکم» را به عنوان کسی که نخستین سببزمینی را به ایران وارد کرد معرفی می‌کند. سایر منابع تاریخی هم با استناد به این گفته اعتمادالسلطنه تاریخچه ورود سببزمینی به ایران را به ملک‌خان نسبت می‌دهند.

## آلوی ملکم

حسن پیرنیا در کتاب تاریخ اجتماعی ایران نقل می‌کند که در برخی از مناطق جنوبی کشور به سببزمینی، «آلوی ملکم» می‌گفتند و دلیل این موضوع هم این است که سر جان ملکم، سفیر دولت انگلستان نخستین سببزمینی را به ایران آورد و آن را به عنوان تحفه به فتحعلی‌شاه هدیه داد. شاه هم که از این محصول خوش‌اش آمده بود دستور داد تا آن را در روستای پشند کشت کنند. مهدی وزین افضل و ذبیح‌الله اعظمی ساردویی در مقاله «ورود سببزمینی به ایران تحویلی اساسی در کشاورزی سنتی دوره قاجاریه» ورود سببزمینی به ایران را منسوب به حکیم دربار عباس میرزا می‌دانند. با این توجیه که میرزا ملک‌خان در کتاب خاطراتش هیچ اشاره‌ای به ورود سببزمینی نکرده و به کتاب اعتمادالسلطنه اشاره می‌کند که حکیم عباس میرزا را که فردی انگلیسی بود به عنوان واردکننده نخستین سببزمینی به دربار قاجار معرفی می‌کند. در این مقاله آمده است: «عباس میرزا، نایب‌السلطنه فتحعلی‌شاه، دستور کاشت سببزمینی را صادر کرد و از محصولات به‌دست آمده به مهمانان خود هدیه می‌داد. کم‌کم این اقدام فراگیر شد و حکام شهرهای مختلف از فتحعلی‌شاه درخواست کردند تا این گیاه جدید را در سرزمین‌های تحت حاکمیت خود بکارند. به طوری که فتحعلی‌شاه قصد داشت برای صدور اجازه کاشت این گیاه از حاکمان مالیات بگیرد».

## مروری بر تاریخچه ورود سببزمینی به ایران و نقش آن در گذر از قحطی جنگ جهانی

## سببزمینی‌های نجات‌بخش



## در ستایش سببزمینی

کاشت سببزمینی در دوره ناصرالدین‌شاه رونق پیدا کرده بود. شاه صاحبقران در سفرهای اروپایی خود کارخانه‌ای که از سببزمینی نشاسته می‌گرفت را از نزدیک دیده و از اهمیت آن آگاه بود. در این دوران، بسیاری از محصولات کشاورزی که این روزها در سفره غذایی خود می‌بینیم به ایران وارد شده‌اند تا توت‌فرنگی و گوجه‌فرنگی گرفته تا کاهو و نخود فرنگی و محصولات دیگر. کم‌کم مردم هم به صرافت افتادند تا محصول تازه از راه رسیده را در زمین‌های کشاورزی خود بکارند و استقبال خوبی هم از این محصول شد. اما هنوز راه درازی در پیش بود؛ مردم از نحوه کاشت و نحوه نگهداری و پخت و استفاده از سببزمینی اطلاعات درستی نداشتند و برای همین زمین‌های زیر کشت سببزمینی محصول چندان مطلوبی نداشت. اندک محصول به‌دست آمده هم خوراک دام‌ها می‌شد. برای همین هم دولتمردان دست به تألیف کتاب و نوشتن مقاله در مورد نحوه کاشت و نگهداری و حتی پخت سببزمینی کردند. «تاریخچه پیدایش سببزمینی» عنوان یکی از این کتاب‌هاست که به قلم مستشارالدوله نوشته شده؛ کتابی که مؤلف به دلیل ترس از انتقاد رجال قاجار، آن را اثری ترجمه‌شده از زبان فرانسه معرفی کرده است. تاریخ پیدا شدن سببزمینی، خاصیت سببزمینی، فصل کاشت سببزمینی، فصل کاشت سببزمینی، طرز کاشت سببزمینی، زمین به جهت زراعت آن، کود روز که باید به زمین داد، محافظت سببزمینی برای خوردن، حفظ سببزمینی جهت کاشتن، طرز پخت سببزمینی، حفظ آن از مرض و... سرفصل‌های این رساله هستند. در این کتاب‌ها و مقاله‌ها بهترین روش پختن سببزمینی بخارپز کردن و کبابی کردن آن به روشی خاص ذکر شده است. از همان دوران سببزمینی از توصیه‌های بی‌فایده‌ای برای دوری از سببزمینی سرخ کرده در مقاله‌ها و کتاب‌ها آغاز شده که تا امروز هم ادامه دارد. کوکو سببزمینی و ترکیب تخم‌مرغ و سببزمینی نخستین غذاهایی بودند که با این ماده جدید از فرنگ آمده سر سفره‌ها ظاهر شدند.

## از احتکار تا صادرات

سببزمینی خیلی زود به محبوب قلب‌ها تبدیل شد و کمتر سفره‌ای در ایران خالی از این محصول بود. با آغاز جنگ جهانی و درگیر شدن در این جنگ، قحطی و نابسامانی اقتصادی خیلی زود گریبان ایران را گرفت. انبار کردن سببزمینی و قابلیت نگهداری از آن در درازمدت، کار دشواری نبود و برای همین کشاورزان و تاجران با آغاز این بحران، شروع به انبار کردن این محصول کردند. گزارش‌های زیادی از احتکار کردن سببزمینی در انبارها حین جنگ جهانی ثبت شده است. همین سببزمینی‌ها در دوره جنگ جهانی نجات‌بخش جان بسیاری از مردم در تهران و شهرهای دیگر شدند. بخش قابل توجهی از محصول سببزمینی و همچنین غلات ایران در دوره جنگ جهانی اول توسط انگلیسی‌ها و با قیمت خوبی خریداری می‌شد. کار به جایی رسیده بود که ناوهای قسمتی از سببزمینی از سببزمینی خودشان را در بازار آزاد به قیمت بالا می‌فروختند و در عوض آرد گندم را با جو و ذرت و سببزمینی مخلوط می‌کردند و نان نامرغوبی دست مردم می‌دادند. صد سال پیش هنگام وقوع قحطی در پی جنگ جهانی در ایران، اوضاع به جایی رسیده بود که مردم تمام روز برای خرید قرص نان صف می‌بستند و کسی بابت کم شدن کیفیت نان‌ها اعتراض نمی‌کرد. سببزمینی در قحطی شایع شده در اروپا در قرن ۱۷ نقشی اساسی داشت و کشت آن جان مردم زیادی را در کشورهای اروپایی نجات داد. بعد از پایان جنگ جهانی و از سر گرفتن اوضاع عادی، کشت سببزمینی به عنوان محصولی با اهمیت ادامه پیدا کرد تا جایی که این محصول را به یکی از محصولات صادراتی ایران تبدیل کرد.

## قیمه نثار

قیمه نثار معروف‌ترین غذای استان قزوین است که در اغلب مهمانی‌ها و مجالس، روی سفره جامی می‌گردد. این غذای پرطرفدار و خوش‌بر و رو در ماه محرم هم در صدر انتخاب‌ها برای طبخ غذای نذری قرار دارد. قیمه نثار شهرتش را از خلال دانه‌های روغنی و خشک‌پارهایی که روی غذا ریخته می‌شود، دارد.

## مواد لازم

گوشت گوسفندی خورشتی، نیم کیلو  
پیاز، ۲ عدد  
رب گوجه‌فرنگی، ۴قاشق غذاخوری  
خلال نارنج یا برتقال، ۴قاشق غذاخوری  
خلال بادام، به مقدار دلخواه  
خلال پسته، به مقدار دلخواه  
زرشک، ۴قاشق غذاخوری  
درجین، یک قاشق مرباخوری  
زعفران دم شده، ۴قاشق غذاخوری  
گلاب، ۲قاشق غذاخوری  
برنج، ۲ پیمانه  
زردچوبه، فلفل، نمک، زیره سبز، پودر تخم گشنیز به مقدار لازم.

## طرز تهیه

ابتدا خلال برتقال یا نارنج را با آب جوشانید و هر بار آب آن را دور بریزید. بعد از آن حدود ۱۵ دقیقه در آب سرد قرار دهید. خلال‌ها را در آبکش یا صافی ریخته تا آب موجود در آن گرفته شود. بعد در تابه کمی روغن یا کره بریزید و خلال برتقال یا نارنج را کمی در آن تفت دهید. بگ یا ۴قاشق شکر به آن اضافه کنید تا حدی که شیرینی آن به ذائقه‌تان خوش بیاید. خلال پسته و بادام را حدود نیم‌ساعت در گلاب خیس کنید تا عطر بگیرد. زرشک را در کره یا روغن تفت داده و همه این مواد را کنار بگذارید. برای آماده کردن گوشت، پیاز را به صورت نگینی خرد کرده و تفت می‌دهیم. سپس گوشت و ادویه‌های دلخواه را به آن اضافه می‌کنیم. رب و زعفران دم شده را هم اضافه کرده و هم می‌زنیم. ۲ لیوان آب جوش روی این مواد ریخته و حدود ۲ ساعت برای پخت به آن زمان می‌دهیم. میزان نمک این خورش را بعد از پختن کامل گوشت‌ها و کم شدن آب آن، تنظیم می‌کنیم. به خاطر داشته باشید خورش گوشت نباید خیلی آبدار باشد. برنج را به دلخواه به صورت کنه یا آبکش دم می‌کنیم. زمان سرو قیمه نثار، مواد گوشتی را لایه‌لای برنج در ظرف می‌ریزیم یا می‌توانیم گوشت را فقط در لایه رویین غذا بریزیم. خلال‌ها را هم ترکیب کرده و با مقداری برنج زعفرانی، دیس غذا را تزئین می‌کنیم.



## دیماج

دیماج عصرانه یا میان‌وعده پرطرفدار قزوینی است. بد نیست بدانید در قزوین پنجاهمین روز از فصل بهار که به «پنجاه به در» معروف است و آدابی شبیه به سبزه‌به‌در دارد، مردم به دامان طبیعت می‌روند و دیماج را به عنوان عصرانه محبوب خود به همراه دارند. دیماج با ترکیبی کامیاب مشابه، اما با نامی کمی متفاوت، در فرهنگ غذایی آذربایجان و زنجان هم به چشم می‌خورد.

## مواد لازم

سبزی خوردن خرد شده  
ترنج و پیازچه خرد شده  
پنیر کهنه (در قزوین موجود است) یا پنیر صبحانه  
گردو  
خیار  
پیاز داغ و نعنا داغ فراوان  
نان خشک خرد شده  
نمک و فلفل و زردچوبه  
مقدار این مواد سلیقه‌ای و چشمی هست نمی‌شود  
اندازه پر ایش تعیین کرده‌ام  
معمولا ترکیب مواد نسبتی یک اندازه دارند.

## طرز تهیه

سبزی خوردن را خرد کرده، پنیر و گردوی خرد شده را به آن اضافه کنید. سپس خیار خرد شده را به ترکیب اضافه می‌کنیم. کمی آب روی نان خشک شده اسپری می‌کنیم. پیاز داغ، نعنا داغ، و نمک را هم اضافه



## مواد لازم

نخود، عدس و لوبیا چیتی بخته: جمعا ۱ لیوان  
رشته آش، نصف بسته  
سبزی آش، نیم کیلو  
۲ عدد پیاز خرد کرده سرخ شده  
آب‌الحواء، آلو سیاه، قیسی و آلو بخارا: از هر کدام ۵ یا ۶ عدد  
چغندر بخته: یک عدد  
نمک و فلفل و زردچوبه

## آش میوه

آش میوه، از آش‌های خوش‌طعم با مزه‌های متنوع در گوشه و کنار ایران است. با این حال در تهران کمتر نامی از آن به گوش‌مان رسیده. این آش را علاوه بر قزوین، در استان‌های دیگری که باغدارانی رونق دارد می‌توان دید. برای تهیه آش میوه هم از میوه‌های خشک شده و هم میوه تازه می‌توان استفاده کرد. آش میوه قزوین طعمی ملس دارد.

## طرز تهیه

این آش درست مثل آش رشته پخته می‌شود با این تفاوت که در آن از کشک و نعنا داغ خبری نیست. حیوانات را از شب قبل خیس کرده و آب آن را چندبار عوض می‌کنیم و هر کدام را جداگانه می‌بزم. سبزی آش خرد شده، پیاز سرخ شده و میوه‌جات را به همراه حیوانات در قابلمه می‌ریزیم. اگر از میوه‌های خشک برای این آش استفاده می‌کنید لازم است نیم ساعت قبل از آغاز پخت آش، آن را در ظرف ریخته و بخیسانید. نمک و فلفل و زردچوبه را اضافه کرده و مقداری آب روی آن می‌ریزیم تا به خوبی بپزد. نیم ساعت نهایی پخت آش، رشته را به آن اضافه می‌کنیم و اجازه می‌دهیم تا این غذا اصطلاحاً جا بفتد.

## منصور بزرگر که در ۷ دوره المپیک مربی تیم ملی بود از وضعیت این روزهای کشتی می‌گوید

# کشتی ایران مثل چاه نفت می‌ماند



مهرداد رسولی

اگر بخواهیم درباره روزگار سپری شده کشتی ایران صحبت کنیم باید پای صحبت‌های منصور بزرگر بنشینیم که ر کورددار حضور در بازی‌های المپیک است و به عنوان مربی سرد و گرم چشیده کشتی، بین اهالی ورزش احترام خاصی دارد. سرمربی سال‌های نه چندان دور تیم ملی صراحت لجه دارد و معمولاً بدون پرده پوشی درباره اتفاقات ریز و درشت کشتی صحبت می‌کند. او معتقد است در روزگاری که پول، حرف اول و آخر را می‌زند کشتی هم زیر سایه ورزش‌های پولساز رفته اما به عنوان ورزش باستانی ایران زمین هنوز هم نزد مردم طرفداران بی‌شماری دارد. منصور بزرگر از معدود بازمانده‌های هم‌نسل غلامرضا تختی به‌شمار می‌رود و حرف‌هایش درباره کشتی همیشه شنیدنی است. با سرمربی سابق تیم ملی که این روزها در ونکوور کانادا به‌سر می‌برد، درباره احوال این روزهای کشتی ایران گفت‌وگو کردیم.

**کشتی ایران تا چند دهه قبل طرفداران بسیاری داشت اما آرام آرام زیر سایه فوتبال و سایر ورزش‌های پرسر و صدارفته و این روزها کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. فکر می‌کنید چرا کشتی دیگر ورزش اول ایران نیست؟**

بگذارید بطور دیگری به این موضوع نگاه کنیم. من معتقدم کشتی هنوز ورزش اول مملکت است و طرفداران زیادی دارد. نتایجی که تیم ملی کشتی ازاد در مسابقات جهانی ۲۰۲۱ کسب کرد روی جامعه ایران تأثیر عجیبی گذاشت. همین برد حسن یزدانی مقابل تیلور امریکایی به وفای ایرانی‌ها کمک کرد و حتی واکنش رهبری را به همراه داشت. پس مردم ایران هنوز کشتی را دوست دارند، اما اینکه چرا کشتی مورد توجه قرار نمی‌گیرد بحث دیگری است. اگر این روزها می‌بینید کشتی در آسمان ورزش ایران کم‌فروغ شده به‌خاطر کم لطفی رسانه‌ها و ارباب‌جراید است. بیشتر رسانه‌ها روی فوتبال زوم کرده‌اند. این همه تبلیغات، فوتبال را در کانون توجه مردم قرار داده به‌طوری‌که تلویزیون ایران فوتبال لیگ‌فروش‌های انگلیس را پیش می‌کند اما روی خوشی به مسابقات کشتی نشان نمی‌دهد.

**البته در دوره‌ای که شما کشتی می‌گرفتید یعنی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ هم‌اوضاع تقریباً همین گونه بود و فوتبال طرفدار بیشتری داشت. اما در همه کشورهای دنیا فوتبال یا بسکتبال در مقایسه با کشتی بیننده تلویزیونی بیشتری دارد...**

موقی که ما کشتی می‌گرفتیم کشتی هم طرفدار خودش را داشت و هیچ وقت نمی‌گفتند فوتبال از حیث اقبال عمومی،

**در این ماجرا می‌توانیم رسانه‌ها را به عنوان متهم ردیف اول معرفی کنیم یا دست‌های پیشت پرده در انزوا؟ کشتی و رونق گرفتن فوتبال نقش دارند؟**

فوتسال در اروپا گردش مالی قابل توجهی دارد و برای همین همه چیز در پول خلاصه شده اما کشورهای مثل روسیه، آمریکا و چین از این رویه پیروی نمی‌کنند. ما هم نباید چنین دیدگاهی به فوتبال داشته باشیم، چین، روسیه و آمریکا فوتبال ندارند اما ورزش دارند. ما هم باید به جای گردش مالی و اقتصاد فوتبال به ورزش مملکت فکر کنیم.

**این هم یک واقعیت است که اگر پول نباشد اقبال عمومی کمتر می‌شود. نسل جدید ترجیح می‌دهد سراغ ورزشی برود که برایش پولساز باشد.**

مجموعه عواملی دست به‌دست هم داده تا کشتی کمتر و فوتبال بیشتر دیده شود و این کار مافیای فوتبال است. وقتی در مسابقات جهانی ۱۹۷۲ تهران قهرمان شدم به من گفتند یک خانه بخر تا هزینه‌اش را بپردازیم. قیمت خانه‌ای که در بلوار آیت‌الله کاشانی تهران خریدم ۳۰۰ هزار تومان بود و یک سال بعد که قهرمان آسیا شدم مافیای پول‌خانم را دادند. همان‌خانه ۳۶۰ متری الان ۴۰ میلیارد تومان ارزش دارد و برای یک قهرمان چه پاداشی از این بهتر؟ الان به قهرمان المپیک ۲ میلیارد تومان می‌دهند اما یک قهرمان ملی اول از همه به خانه و سرپرانه برای زندگی نیاز دارد. آن موقع وقتی قهرمان جهان و آسیا می‌شدید از تشکیلات ورزش ایران حق سفره می‌گرفتیم. به ما می‌گفتند به‌عنوان قهرمان ملی، برویبا دارید و به همین خاطر ماهی ۲۰۰ تومان حق سفره می‌دادند در حالی که قیمت یک پرس چلوکباب ۲ تومان بود. این تسهیلات الان برای کشتی‌گیرها وجود ندارد اما در فوتبال قراردادهای چند میلیاردری می‌بندند و بخش عمده‌ای از آن به جیب مافیای می‌رود. بروید از فوتبال‌لیست‌ها بپرسید اگر یک پست و بخش قرارداد را که امضا می‌کنند می‌گیرند.

### مجموعه عواملی دست به‌دست هم داده تا کشتی کمتر و فوتبال بیشتر دیده شود و این کار مافیای فوتبال است

همینطور است. وقتی تیم ملی کشتی در مسابقات جهانی ۱۹۶۱ قهرمان شد همه روزنامه‌ها و معدود مجله‌های ورزشی آن موقع تا چند روز تیتراژشان را به کشتی اختصاص دادند اما حالا ببینید واکنش رسانه‌ها به درخشش کشتی‌گیران ایرانی در مسابقات جهانی ۲۰۲۱ در حدی جدی است! همین کیهان‌ورزشی که آن روزها مسابقات کشتی را بطور تخصصی تجزیه و تحلیل می‌کرد الان فقط یک صفحه از مجله‌اش را به کشتی اختصاص داده و خیلی از رسانه‌های دیگر هم کشتی را انظور که باید تبلیغ نمی‌کنند. با این حال کشتی در خون ایرانیان است و یک ورزش ملی و باستانی به حساب می‌آید.

**آن موقع که شما کشتی می‌گرفتید فوتبال‌لیست‌ها بین مردم محبوبیت بیشتری داشتند یا کشتی‌گیرهایی مثل غلامرضا تختی؟ آن موقع هم فوتبال‌لیست‌هایی مثل علی پروین و حسین کلانی خیلی پرطرفدار بودند اما کشتی هم رونق خودش**

را داشت. اینگونه نبود که مردم از بین این دو یکی را انتخاب کنند. غلامرضا تختی را هم نباید با هیچ ورزشکار دیگری مقایسه کرد. محبوبیت تختی داستان دیگری داشت. تختی خودش را به رژیم نفروخت. خودش را به تبلیغات نفروخت و حتی تبلیغ تیغ ناست را در ازای دریافت یک مبلغ هنگفت نپذیرفت. پیشنهاد نمایندگی مجلس را رد کرد. گفتند بیا فیلم بازی کن و این کار را هم نکرد. تختی اینگونه اسطوره شد. قهرمان باید مردمی باشد نه حکومتی. تختی به‌معنای واقعی یک قهرمان ملی بود.

**چه باید کرد که کشتی به جایگاه واقعی‌اش برسد؟**

کشتی الان هم جایگاه خوبی بین مردم دارد. کشتی در ایران مثل چاه نفت است و هر موقع آن را کشف کنید به سرمایه تبدیل می‌شود. به کشتی‌گیری که قهرمان می‌شود در درجه اول باید شغل بدهند؛ همانطور که من و چند ملی‌پوش آن سال‌ها در سازمان آب استخدام شدیم. بعد هم آن‌قدر پول بدهند که بتواند یک سرپناه بخرد.

**دوران بازی‌نشستگی را چگونه می‌گذرانید؟**  
پسرم در کانادا برای خودش بیزینس دارد و با عزت و احترام زندگی می‌کند. من هم هر چند وقت یکبار به ونکوور می‌روم اما دلم طاقتم نمی‌آورد و دوباره به تهران برمی‌گردم. هر جا که می‌روم دوستان زیادی دارم و در کانادا هم تنها نیستم. اینجا روزها پیاده‌روی می‌کنم تا در ۷۵ سالگی خیلی از ورزش دور نیاشم.

**مسابقات کشتی را هم دنبال می‌کنید؟**

معمولاً همه مسابقات کشتی را تعقیب می‌کنم. البته مسابقات جهانی ۲۰۲۱ را در تهران دیدم و لذت بردم. فرقی نمی‌کند کجا باشم یا مسابقات کشتی در کدام کشور برگزار شود. اگر یک طرف میدان، کشتی‌گیر ایرانی باشد تماشا می‌کنم و پلک نمی‌زنم.

**حیف نیست که مربی سرد و گرم چشیده‌ای مثل شما در تشکیلات کشتی ایران فقط تماشاگر باشد؟**

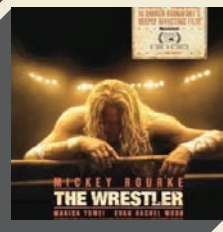
من به علیرضا دبیر هم گفتم هیچ پستی نمی‌خواهم و حتی به مسافرتی که با هزینه فدراسیون کشتی باشد نیاز ندارم اما حاضرم فدراسیون قرار بدهم. آقای دبیر تا الان موقع بوده اما او بزمان درست‌کار تازه آمده‌اند و زمان مشخص می‌کند که می‌توانند کشتی را به قله موفقیت بکشند یا نه. البته همین قدر که قهرمانان جهان و المپیک، کشتی را اداره می‌کنند جای شکر دارد.



تکس: محمد عباس نژاد

## پسته پیشنهادی

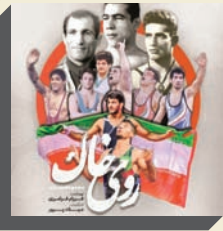
### فیلم



### کشتی‌گیر

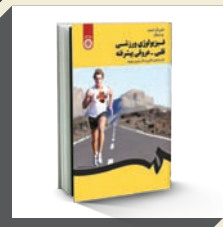
این فیلم در سال ۲۰۰۸ برای نخستین بار به کارگردانی «دارن آرونوفسکی» در آمریکا اکران شد. فیلم کشتی‌گیر همانطور که از نامش پیداست داستان زندگی کشتی‌گیری یا به سن گذاشته‌ای به‌نام «رندی رابینسون» را روایت می‌کند که پس از سال‌ها دوری از ورزش دوباره به صحنه برگشته و می‌خواهد با حریف قدیمی‌اش مبارزه کند. کشتی‌گیر یکی از معدود فیلم‌های موفق است که با موضوع کشتی ساخته شده و جایزه شیر طلایی جشنواره فیلم ونیز را کسب کرده است. «میکي رورک» که در این فیلم نقش اصلی را ایفا می‌کند، جوایز گلدن گلوب و بقا را از آن خود کرد و برای دریافت اسکار نامزد شد. «هیسائومی» که برای بازی در این فیلم، نامزد اسکار بهترین بازیگر نقش مکمل شد.

### مستند



**روی خاک**  
این مجموعه مستند که در شبکه مستند سیمیا تولید شده شامل ۲۶ قسمت ۳۰ دقیقه‌ای است که تاریخ کشتی ایران را روایت می‌کند. راوی هم کسی نیست جز صدرالدین کاظمی، مفسر و گزارشگر مسابقات کشتی که نبرد به یادماندنی حسن یزدانی در فینال المپیک ۲۰۱۶ را گزارش کرد. مستند روی خاک، تاریخ کشتی ایران از ابتدا تا کنون را روایت می‌کند و برای تهیه آن از عکس‌ها و فیلم‌های بسیار کمیاب استفاده شده است. روی خاک به تاریخ شروع المپیک نوین آن‌تن که با ورزش پهلوانی ایرانی‌ها تعلق دارد. می‌پردازد و ماجرای نخستین سفر برون مرزی کشتی‌گیران ایران در دهه ۲۰ شش‌می را به تصویر می‌کشد. برای تماشای این مجموعه مستند کافی است به بخش آرشیو سایت شبکه مستند بروید و آن را دانلود کنید.

### کتاب



### فیز یولوژی ورزشی قلبی - عروقی

در سال‌های اخیر تحقیقات گسترده‌ای برای درک بهتر مکانیسم عملکرد قلب و عروق صورت گرفته و این تحقیقات به درک بهتر تأثیر ورزش بر سلامت قلب منجر شده است. کتاب فیز یولوژی ورزشی قلبی - عروقی منعکس‌کننده همین تحقیقات علمی است و یک منبع مناسب برای بی‌بردن به سالم‌سازی سیستم قلب و عروق با ورزش‌های منظم به‌شمار می‌رود. این کتاب که حاصل همکاری ۳ نویسنده خارجی است و با ترجمه پروانه نظری و توسط انتشارات حتمی در ایران منتشر شده به تأثیر ورزش‌های هوازی و استقامتی روی سلامت قلب می‌پردازد و رابطه ورزش و استراحت کافی را در سالم ماندن سیستم عروقی شرح می‌دهد. خواندن این کتاب به دانشجویان یا فارغ‌التحصیلان رشته پزشکی ورزشی و تربیت بدنی توصیه شده است.

## ادای دین به عبدالحسین فعلی که پدر کشتی ایران بود

# کاشف آقا تختی

خیلی‌ها می‌گویند کشتی، ریشه در سنت و فرهنگ ایران زمین دارد اما کمتر کسی می‌داند که چه کسانی برای اعتلای این ورزش باستانی کوشیدند. کشتی ایران جایگاه فعلی‌اش را مدیون چنین افراد زحمتکشی است که در سکوت خبری و دور از هیاهو سنگ بنای این ورزش را در ایران گذاشتند و این روزها کمتر از آنها نامی برده می‌شود. یکی از این افراد حاج عبدالحسین فعلی است که کشتی پهلوانی را از گود زورخانه روی تشک برد و صاحب مکتب بود. چنان‌که بسیاری از بزرگان کشتی ایران در محضر او مدارج ترقی را طی کردند و پرچم ایران را در مسابقات جهانی کشتی بالا بردند. تا دهه ۴۰ میلادی کشتی در سیطره روس‌ها بود و گاهی ژاپنی‌ها با تک ستاره‌ها نشان عرض اندام می‌کردند اما وقتی حاجی فعلی در تیم ملی ایران کارش را شروع کرد، ضلع سوم ابرقدرت‌های کشتی دنیا آرام آرام شکل گرفت و کشتی ایران در دوره سرمربیگری او عنوان قهرمانی جهان را هم از روس‌ها ربود. شاهکار بزرگ حاج عبدالحسین فعلی کشف غلامرضا تختی بود و ورزش ایران به‌خاطر همین وامدار اوست.

## پهلوانی از لرستان

کشتی در ایران تا حدود ۱۰۰ سال قبل به زورآزمایی پهلوانان در گود زورخانه یا روی خاک و زمین سفت خلاصه می‌شد. در آن سال‌ها جدال بر سر بازویند پهلوانی بود و هیچ مدالی در هیچ مسابقاتی توزیع نمی‌شد. کسی که بازویند را می‌بست تا یک‌سال به‌عنوان پهلوان شهر شناخته می‌شد و بین مردم ارج و قرب بسیاری پیدا می‌کرد. تا آن موقع اصلاً چیزی به‌نام کشتی آزاد یا فرنگی در ایران رایج نبود و کشتی پهلوانی بود و دیگر هیچ. داستان انتخاب پهلوان کشور هم پیچیده نبود. کشتی‌گیرها دور هم جمع می‌شدند و پنجاه‌پنجاه می‌انداختند و کسی که پشت همه رقیب‌ها را خاک می‌چسباند بازویند پهلوانی را بر بازو می‌بست. آن موقع حتی از تشک‌های برزتی و زمخت کشتی که از براده‌های چوب و کاه بر می‌شد خبری نبود. حاج عبدالحسین فعلی که بعدها به حاجی فعلی معروف شد یکی از پهلوانان همین دوره زمانی بود. او در سال ۱۲۸۵ در لرستان به دنیا آمد و از نوجوانی به همراه خانواده راهی پایتخت شد. برادر بزرگ‌تر عبدالحسین فعلی به نام پهلوان «سرپولکی» او را به سمت ورزش کشتی پهلوانی سوق داد و این نقطه آغاز فعالیت کسی بود که بعدها معمار کشتی ایران شد.

## ۳ دهه مربیگری در تیم ملی

پهلوان حاج عبدالحسین فعلی در دوران پهلوانی با پهلوانان بزرگی از روسیه تزاری، گرجستان، هندوستان، پاکستان، ترکیه عثمانی و عراق، دست و پنجه نرم کرد و پشت آنان را به خاک چسباند. او قهرمان و پهلوان بنام کشتی ایران در دوره پهلوی اول بود و در میانسال‌ی به سمت کشتی آزاد که آن موقع یک ورزش نوظهور بود آمد. عبدالحسین فعلی یکی از بزرگ‌ترین مربیان تاریخ کشتی ایران است و دهه ۴۰ تا ۷۰ میلادی سکان هدایت کشتی ایران را در دست داشت. او در این ۳ دهه شاگردان بسیاری تربیت کرد. جهانپخت توفیق که در مسابقات جهانی ۱۹۵۴ قهرمان شد، یکی از نخستین شاگردان عبدالحسین فعلی بود. در همان مسابقات محمدعلی فردین مقام پنجم را کسب کرد و تیم ملی ایران نایب‌قهرمان جهان شد. این نقطه شروع کار حاجی فعلی تا آخرین ماه‌های عمرش از کشف استعدادهای کاشف غافل نبود و علیرضا رضایی کشتی‌گیر سابق وزن ۱۳۰ کیلوگرم تیم ملی کشتی آزاد و نایب قهرمان المپیک ۲۰۰۴ تا آن می‌توان به‌عنوان آخرین کشتی‌گیری نام برد که توسط او کشف شد.

## کشف‌های بزرگ

حاجی فعلی که با گذشت زمان به حاجی فعلی معروف شد در کنار مربیگری در تیم ملی، به باشگاه‌های جنوب شهر می‌رفت تا کشتی‌گیرهای جوان و بااستعداد را کشف کند. او در باشگاه‌های معروف آن موقع مثل پولاد، بیدر، البرز و آیزد فردوسی می‌رفت و از دل رفت‌وآمدها نسل اول کشتی ایران را سر و شکل داد. کشتی‌گیرهایی مثل عباس زندی، عباس حریری، نبی سروری، منصور مهدی‌زاده، منصور بزرگر، محمدرضا طالقانی... توسط حاجی فعلی کشف شدند اما کشف بزرگ او جوان جوانی نامی به نام غلامرضا تختی بود. تختی ورزش زورخانه‌ای را از زورخانه گردان شروع کرد و مدتی بعد به زورخانه پولاد در میدان شاپور رفت. او توفیق چندانی در ورزش زورخانه‌ای نداشت اما استعدادش برای کشتی توسط عبدالحسین فعلی کشف شد و در کمترین زمان ممکن در مسابقات جهانی درخشید. حاجی فعلی تا آخرین ماه‌های عمرش از کشف استعدادهای کاشف غافل نبود و علیرضا رضایی کشتی‌گیر سابق وزن ۱۳۰ کیلوگرم تیم ملی کشتی آزاد و نایب قهرمان المپیک ۲۰۰۴ تا آن می‌توان به‌عنوان آخرین کشتی‌گیری نام برد که توسط او کشف شد.

## مرد اخلاق

عبدالحسین فعلی مرد بااخلاق کشتی بود و به همین خاطر همه شاگردانی که در مکتب او آموختند خصوصیات اخلاقی برجسته‌ای داشتند. در مکتب او جوانمردی حرف اول و آخر را می‌زد و آداب کشتی به‌عنوان ورزش سنتی و باستانی ایرانی‌ها بسیار مورد توجه قرار می‌گرفت. حاجی فعلی پای ثابت همه گل‌بازان‌هایی بود که برای کمک به فقرا در گود زورخانه بر گزار می‌شد و به‌واسطه اعتبار و احترامی که بین اهالی ورزش به‌خصوص در خانواده کشتی داشت برای نیازمندان کمک جمع می‌کرد. کشتی ایران خوش شانس بود که حاج عبدالحسین فعلی ۱۰۳ سال عمر کرد و تا آخرین ماه‌های عمرش از ورزش باستانی ایران زمین جدا نبود. اگر کشتی ایران در دنیا حرفی برای گفتن دارد و پرچم ایران بارها در مسابقات جهانی و بازی‌های المپیک بالا می‌رود به‌خاطر استمرار کار حاج عبدالحسین فعلی در مربیگری و اشتیاق او برای کشف استعدادهایی بود که معلوم نیست در بیغول‌های جنوب شهر چه سرنوشتی برایشان رقم می‌خورد.



## کتاب



این کتاب در دسترس است

**بخورید، عبادت کنید، عشق بورزید**

این کتاب از آن دسته کتاب‌هایی است که ممکن است با سلیقه بسیاری همراه نباشد اما در فهرست پر فروش‌ترین کتاب‌های گردشگری دنیا قرار دارد. کتاب «بخورید، عبادت کنید، عشق بورزید» داستان شخصی به نام Elizabeth Gilbert است که خودش را با سفر تازه پیدا می‌کند این کتاب عالی برای کسانی است که تابه‌حال از دایره راحتی خود بیرون نیامده‌اند و همیشه در یک مسیر امن بوده‌اند و شاید بتوان گفت حتی جرأت کوچک‌ترین ریسک‌ها را هم نداشته‌اند.این خاتم برای تست غذاهای مختلف به ایتالیا، برای انجام مدیتیشن و یوگا به هند و بالاخره به آندونزی می‌رود و در آنجا می‌تواند به بزرگی عشق پی ببرد و نامگذاری این کتاب هم شاید به همین دلیل است.

## فیلم



این کتاب در دسترس است

**خاطرات موتورسیکلت**

یک دکنر جوان است که تصمیم به سفر برای خوشگذرانی با موتورسیکلت گرفته اما بعد از عبور از شهرهای مختلف دگرگون می‌شود و یک فرمانده نظامی در او متولد می‌شود. داستان زندگی این دکتر آن قدر جالب است که در قالب یک فیلم دربیاید. این فیلم زندگی دکتر ارنتسو گوارا یا همان چه‌گواراست که البته بعدها با این عنوان شناخته شد. در این فیلم شما می‌توانید مناظر آمریکای جنوبی را به خوبی ببینید و با شخصیت داستان همراه شوید. The Motorcycle Diaries در سال ۲۰۰۴ ساخته و با بازی زیبای گائل گارسیا به‌فیلمی تماشایی تبدیل و موفق به کسب رتبه ۷٫۰در IMDb شده است. دیدن این فیلم با ایفای نقش زیبای شخصیت اصلی داستان بسیار توصیه می‌شود.

## تهران‌گردی



این کتاب در دسترس است

کارخانه دخانیات ایران جزو قدیمی ترین کارخانه‌های تهیه، تولید و توزیع تنباکو و دخانیات در ایران است که از سال ۱۳۱۶ در کشور فعالیت می‌کند. نصرت‌الدوله فیروز، وزیر مالیه در سیزدهم دی ۱۳۰۷«قانون انحصار دولتی دخانیات» را به مجلس شورایی ملی داد تا ورود و صدور، خریدوفروش، تهیه و نگهداری و حمل‌ونقل دخانیات و کاغذ سیگار را در کشور به انحصار دولت در آورد. کارخانه دخانیات ایران انواع سیگار بهم، فروردین، تیر و محصولات تحت لیسانس شرکت‌های بزرگ دخانیاتی جهان را تولید و عرضه می‌کند. این کارخانه همچنین دارای ۷مجتمع بزرگ در استان‌های تهران، کردستان، آذربایجان غربی، اصفهان، گیلان، مازندران، گلستان و چندین اداره کل در ایران است. کارخانه دخانیات ایران در محله قزوین و محله سلامت قرار دارد.

## ۱۶

- پنجشنبه
- ۱۴ بهمن ۱۴۰۰
- شماره ۱۵۱

## در این سرما، سراغ جزیره قشم و هوای معتدل و خاص ترین جاذبه کمتر شناخته شده‌اش رفته‌ایم

# ناشناخته‌های طلایی یک جزیره



مجتبی یارزمان

بهترین زمان برای سفر به جنوب کشور همین روزهای سرد سال است که هوادر آن مناطق بسیار معتدل و مطبوع است. هر چند که از نظر بومیانی که در هوای گرم جنوب تابستان را سر می‌کنند، این روزها بسیار سرد است و دمای هوا وقتی روی ۱۰درجه سانتی‌گراد است یعنی سرمای طاقت‌فرسا و زمستان از راه رسیده!اما از نظر ساکنان استان‌های شمالی و غربی کشور که برف و بوران، هوا را گاهی تا منفی ۱۵–۱۰درجه سانتی‌گراد زیر صفر هم می‌برد، هوای ۱۵درجه بالای صفر بسیار مطبوع و خوشایند است و حس و حال بهار را تداعی می‌کند. این شرایط آب و هوایی کاملا به محیطی که هر آدمی زندگی می‌کند بستگی دارد و سرما و گرمای هوا کاملا امری نسبی محسوب می‌شود و هر گز شدت و ضعف این مقیاس‌ها در آدم‌ها برابر نیست. با همه این تفاسیر اگر شما جزو آن دسته از آدم‌ها هستید که هوای ۲۰درجه بالای صفر از نظر شما مطبوع است، پس برنامه سفر به جنوب کشور و آن هم جزیره قشم را تدارک ببینید و در ساحل‌های طلایی و بکر این جزیره بزرگ ساعت‌ها قدم بزنید و از هوای مطبوعش نهایت استفاده را ببرید.

## گل‌خانه

## ساحل طلایی

سلیقه آدم‌ها در همه زمینه‌ها کاملاً متفاوت است و مثال معروفی وجود دارد که می‌گوید هیچ‌کدام از انگشتان دست شبیه هم نیستند و همه آدم‌ها هم در زندگی شخصی همینطور هستند. بعضی از افراد برای سفر شور و هیجان را در جنب‌وجوش آدم‌ها می‌بینند و به سمت مکان‌هایی سفر می‌کنند که آدم‌های متعددی هم در آن منطقه وجود داشته باشند. اما اگر شما جزو آن دسته از افرادی هستید که به‌دنبال مکان‌های خلوت و به دور از هیاهو می‌گردید، ساحل طلایی قشم یکی از آن مقصدهاست که حتما باید تجربه‌اش کنید. رنگ خاک بیشتر ساحل‌های جنوب کشور به سمت روشن تمایل دارد و در برخی از قسمت‌ها آن قدر روشن می‌شود که در مقابل تابش نور مستقیم خورشید همچون تلامی درخشد و بازتابی زرد رنگ از خود به‌جا می‌گذارد. در جزیره قشم هم بیشتر خاک سواحل اینگونه است و با تابش مستقیم نور خورشید مانند طلا می‌درخشد. اما در گوشه‌ای از این جزیره ساحلی وجود دارد که چندین ویژگی خاص و منحصربه‌فرد را هم در خود جای داده است. ساحلی بکر و خلوت و دست‌نخورده که با توجه به دورافتاده بودن آن از شهر قشم و خاکی بودن جاده منتهی به این ساحل، گردشگران کمتری به سمت آن سفر می‌کنند و همین کافی است تا از نظر موقعیت بسیار جذاب و خاص باشد.

## در مسیر ساحل

این ساحل طلایی جزیره قشم در قسمت جنوبی آن قرار دارد و برای رسیدن به این منطقه کمی باید برنامه‌ریزی کنید. مسیری که باید از شهر قشم تا رسیدن به این ساحل طی کنید حدود ۶۰کیلومتر است که از سمت جنوبی جزیره می‌گذرد. با طی کردن این مسیر و رسیدن به روستای نقاشه، شما به ابتدای این مسیر رسیدهاید و تازه ماجراجویی آغاز شده است. نکته اصلی و مهم در ادامه مسیر همین روستای نقاشه است که باید یک جاده خاکی و روستایی را به سمت روستای سلخ ادامه دهید و از راه فرعی حرکت کنید. طول این مسیر که بین دو روستا امتداد دارد، حدود ۱۲ کیلومتر است و شاید به جرات بتوان گفت که بکرترین و دست‌نخورده‌ترین قسمت‌های جزیره هم همین مسیر محلی و بیراهه باشد که ساحل طلایی جزیره هم در طول این مسیر جای گرفته است. هر کجای این مسیر که برای شما جذابیت داشت می‌توانید از ساحل آن استفاده کنید و به‌راحتی در آن قدم زده و از تنهایی خود و آرامش دریا استفاده کنید.



این کتاب در دسترس است

**جاذبه‌های طبیعی-تاریخی قشم، آن را به مقصدی متفاوت بین علاقه‌مندان سفر تبدیل کرده**

## آرامش در جزیره بزرگ



موزه ژئوپارک قشم

برای انتخاب جزیره قشم به‌عنوان یک مقصد سفر هیچ‌گاه به دل تان شک راه ندهید، چرا که قشمم یکی از جذاب‌ترین و بهترین مقاصد سفر در کشور خصوصاً در روزهای سرد سال به‌حساب می‌آید. حال و هوای حاکم در این جزیره فارغ از هر نوع سبک و سلیقه سفر، بسیار دلنشین و گیراست، طوری که متوجه گذر زمان نخواهید شد و می‌توانید به‌راحتی روزهای زیادی را در جزیره بمانید؛ بدون آنکه

وقتی در سفر هستیم تمایل داریم که از تمام روزها و زمان‌های آن حداکثر استفاده را ببریم و به‌نوعی از تمام دقائق مفید استفاده کنیم. اگر برنامه‌ای برای سفر به قشم دارید اما زمان کافی برای گشت‌وگذار و دیدن تمام جاذبه‌های آن را ندارید، سری به موزه ژئوپارک قشم بزنید. موزه ژئوپارک قشم در سال ۱۳۸۴ شروع به‌کار کرد و به نوعی هدف آن نشان دادن حیات طبیعی و تاریخی جزیره به علاقه‌مندان و گردشگران است. وقتی در سال ۱۳۸۵ جزیره قشم به‌عنوان یک اثر مهم محیط‌زیستی در جهان به ثبت رسید، این موزه هم‌اهمیش دوچندان شد و بین گردشگران جهان شهرت یافت. هدف از ایجاد ژئوپارک‌ها

ایجاد فضای آموزشی و پایدار برای شناساندن جنبه‌های مختلف زمین‌شناسی به مردم است و قشم یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین ژئوپارک‌ها در جهان محسوب می‌شود. در این موزه نمونه‌ای از انواع گونه‌های بومی جانداران دریا و خشکی به چشم می‌خورد و کوچک‌ترین و بزرگ‌ترین پستاندار جهان از مهم‌ترین نمونه‌های این موزه محسوب می‌شود. حشره‌خوار کوتوله با وزن ۲ گرم که بچه به دنیا می‌آورد و شیر هم می‌دهد، کوچک‌ترین و نهنگ‌ها به‌عنوان بزرگ‌ترین پستانداران جهان، از جذابیت‌های این موزه محسوب می‌شوند.

## جزیره زیر پای شما



## قدم زدن در اقیانوس

تا حالا به این فکر کرده‌اید که می‌توانید به‌راحتی کف دریا قدم بزنید و حتی پای‌تان هم خیس نشود. این یک واقعیت است که در جزیره قشم وجود دارد و شما می‌توانید با تنظیم یک برنامه زمانی ساده در دریا قدم بزنید و این لذت را هم تجربه کنید. جسیبیده به جزیره قشم چند جزیره بسیار کوچک وجود دارد که به جزایر ناز شهرت یافته‌اند و ویژگی مهم این جزایر سطح آن است که با جزر و مد، آب دریا کم و زیاد می‌شود. در ساعت‌هایی که آب دریا شروع به عقب‌نشینی می‌کند، فاصله مابین ساحل جزیره قشم و ناز کاملاً خشک می‌شود و مسافران به‌راحتی روی سطح دریا و ساحل این دو جزیره رفت‌وآمد می‌کنند و از این اتفاق هیچانی نهایت لذت را می‌برند. اما با تازیک شدن هوا و بالا آمدن سطح آب دوباره سطح این سواحل هم به زیر آب فرو می‌رود. یکی از اتفاقات شایعی که در سطح ساحل این دو جزیره بروز می‌کند، گرفتار شدن مسافران و خودروها در آب است. وقتی سطح آب به پایین‌ترین میزان خود می‌رسد، گردشگران با پای پیاده و خودروی شخصی در این قسمت‌ها تردد می‌کنند غافل از اینکه آب دوباره با همان سرعت به سمت بالا حرکت می‌کند و باعث بروز خطرات زیادی برای مسافران می‌شود.

## گل‌خانه

## ویژگی های ساحل



در این ستون قصد داریم هر هفته اطلاعات کوتاه و مختصری از برخی نکات کلیدی و کاربردی که ممکن است در سفرها کاربرد داشته باشد ارائه بدهیم؛ پس اگر اهل سفر هستید دیدن این ستون را از دست ندهید.

## جعبه کمک‌های ضروری

خیلی از موقعیت‌ها قابل پیش‌بینی نیستند و کسی هم از آینده اطلاعی ندارد، پس باید همیشه و برای هر اتفاقی که ممکن است در برابر ما رخ دهد تا حد امکان شرایط مقابله را فراهم کنیم تا با کمترین عوارض و عواقب و به سلامتی از کنارشان بگذریم. در سفر بسیاری مسائل و اتفاق‌ها هم وجود دارند که قابل پیش‌بینی هستند و البته موارد زیادی هم از کنترل ما خارج هستند و باید برای مقابله با آنها حداقل آمادگی را داشته باشیم. یکی از مواردی که در سفر ممکن است اتفاق بیفتند و ما برای مواجهه با آن باید آمادگی نسبی را داشته باشیم، بروز زخم‌های سطحی است و بیماری‌های موردی همیشه در سفر است و باید حداقل آمادگی‌ها را برای مواجهه با آن داشته باشیم. برای این منظور باید یک جعبه کوچک و جمع‌وجور در تمام مدت سفر همراه داشته باشید.

### پماد سوختگی

سوختگی در سفر و بر اثر بی‌احتیاطی بسیار شایع است. این پماد برای سوختگی‌های سطحی کاملاً ضروری و کاربردی است.

### پماد گزیدگی

به هر منطقه‌ای که سفر می‌کنید حشره‌های متفاوت و بومی‌ای ممکن است داشته باشد که بدن ما نسبت به گزیدگی آنها واکنش نشان دهد. این پماد کاملاً کمک‌کننده است.

### پماد ویتامین

بر اثر اختلاف دما ممکن است ترک‌ها یا خشکی پوست سراع‌تان نباید که این پماد برای مقابله با آن کاملاً مناسب است.

### قرص حشره‌کش

اگر نسبت به پشه و حشرات حساسیت دارید، از قرص حشره‌کش غافل نشوید. با دود کردن قرص در فضای اتاق تمام حشرات از بین خواهند رفت.

### قرص‌های لازم

سردرد، تهوع، سرماخوردگی، دریازدگی و از این قبیل مشکلات شایع و عمومی در سفر زیاد اتفاق می‌افتد، پس حتما قرص‌های مربوطه را همراه داشته باشید.

### بتادین

عفونت‌های عمیق از خراش‌های سطحی شروع می‌شود، پس به هیچ‌عنوان از کنار این خراش‌ها به‌راحتی نگذرید و با بتادین ضدعفونی کنید.

### گاز استریل

برای بستن زخم‌های احتمالی از گاز استریل استفاده کنید و هر گز از پارچه یا دستمال استفاده نکنید.

### بانداژ

یکی از پرکاربردترین موارد برای بستن محیط زخم و خراش بانداژ است تا از هوا و حساسیت‌ها دور بماند.





**جور رفیق را بکش!**  
سردار آزمون و مهدی طارمی، ستاره‌های تیم اسکوچیچ در دور مقدماتی جام جهانی، در غیاب هم سنگ تمام گذاشتند



**امیدوارم مرد سال آسیا شوم**  
روح‌الله رستمی بعد از کسب ۳۰ امتیال بارزش پاراوانه‌برداری نامزد عنوان بهترین ورزشکار سال آسیا شد



**این نسل طلایی را حفظ کنید**  
افشین صادقی بازیکن تیم ملی هندبال اعتقاد دارد بعد از قطر، ایران در آسیا بهترین تیم است

پنجشنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۰ | ۱۴ رجب ۱۴۴۳ | سال سیام | شماره ۸۴۳۰

# همیشه یکی ورزشی



عکس از شاه عباسی

# دوست دارم با اسپانیا همگروه شویم

**شجاع خلیل زاده که از بازیکنان ثابت و تاثیرگذار تیم ملی در راه صعود به جام جهانی قطر بوده، معتقد است این یکی از بهترین جام‌های تاریخ خواهد شد**

**پخش زنده روز**

جام ملت‌های آفریقا - نیمه نهایی

**کامرون**

22:30

**مصر**

**برنامه بازی**

هفته ۱۶

یکشنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۰

**هوادار**

17:00

**استقلال**

سوپرلیگ

دوشنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۰

**پرسپولیس**

16:00

**فولاد**

یکمشتغ نهایی

سه شنبه ۱۹ بهمن ۱۴۰۰

**پیکان**

17:00

**استقلال**

سری آ ایتالیا

شنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۰

**اینتر**

20:30

**میلان**

لیگ برتر انگلیس

دوشنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۰

**لیورپول**

23:15

**لستر سیتی**

مقدماتی جام جهانی

پنجشنبه ۴ فروردین ۱۴۰۱

**کره جنوبی**

20:00

**ایران**

سه شنبه ۹ فروردین ۱۴۰۱

**ایران**

20:00

**لبنان**

بیش بازی

## خروج قهرمان از قرنطینه

قهرمان نیم فصل اول بعد از رهایی از کرونا دست جمع بازیکنانش فردا نخستین بازی اش را در نیم فصل دوم برگزار می کند

لیگ برتر فوتبال ایران فردا با برگزاری یک بازی عقب افتاده از هفته شانزدهم پیکیری می شود. در حالی که فوتبال باشگاهی ایران تعطیلات نیم فصل خود را سپری می کند، تیم استقلال باید ۲ بازی عقب افتاده خود را در لیگ برتر و جام حذفی برگزار کند. در همین راستا بازی استقلال و هوادار از هفته شانزدهم لیگ برتر فردا (جمعه) و مصاف استقلال و پیکان در جام حذفی هم سه شنبه ۱۹ بهمن انجام خواهد شد. استقلال نیم فصل اول لیگ برتر را با ۳۵ امتیاز به پایان رساند تا با اختلاف ۳ امتیازی نسبت به پرسپولیس عنوان قهرمانی نیم فصل را به خودش اختصاص بدهد. بعد از آن پرسپولیس ها در نخستین هفته از دور برگشت، فولاد را شکست دادند و ۳۵ امتیازی شدند اما بازی استقلال با هوادار به دلیل ایتالی دسته جمعی آبی ها به کرونا به تعویق افتاد. این مسابقه فردا از ساعت ۱۷ در ورزشگاه انقلاب کرج برگزار می شود و فرهاد مجیدی که در بازی رفت با تک گل جعفر سلمانی این حریف را شکست داده امیدوار است با تکرار آن پیروزی در بازی برگشت دوباره فاصله اش را با رقیب سرخپوش به ۳ امتیاز برگرداند. آبی ها سپاوش یزدانی، مهدی مهدی پور و عارف آقاسی را در اردوی تیم ملی داشتند که از این جمع فقط بردانی دقایقی کوتاه مقابل امارات بازی کرد. این نقرات به همراه سایر آبی پوشان که نیمی از آنها تازه از شر بیماری کرونا رها شده اند، آماده هستند تا در آغاز دوباره لیگ برتر شروع خوبی را برای تیم صدرنشین رقم بزنند. حریف استقلال یعنی هوادار ۲ بازی آخرش را در لیگ باخته و از ۴ بازی اخیرش فقط ۲ امتیاز گرفته است. تیم رضاعنایتی در مقطعی از فصل به یک تیم موفق در بخش دفاعی تبدیل شده بود و در ۴ بازی متوالی موفق به کلین شیت شد اما بعدا به همان روند سابق برگشت و در ۲ بازی اخیر ۳ گل از گل گهر و نفت آبادان خورده است. این تیم با ۷ گل زده دومین خط حمله ضعیف لیگ را بعد از پدیده مشهد دارد اما در نیم فصل با یک مرادی راز استقلال به خدمت گرفته و امیدوار است با یکی دو خرید دیگر، ضعف گلزنی اش را برطرف کند.



چهار روز

## مربی یا هوادار؟

در مورد رضاعنایتی که همچنان استقلالی ها را در تیم خودش جمع می کند

به طور کلی به نظر می رسد هر بازیکنی از استقلال جدا می شود، راهی تیم هوادار خواهد شد، مگر اینکه خلافت ثابت نشود! به همین دلیل هم وقتی خبر پیوستن بابک مرادی به این تیم تازه صعود کرده منتشر شد، کسی تعجب نکرد. مرادی نیم فصل اول در عضویت استقلال بود، اما زیاد به او بازی نمی رسید و خودش هم از این مسئله دل خوشی نداشت. نهایتا بعد از یک کشمکش کوتاه با فرهاد مجیدی، او رضایتنامه اش را گرفت و مطابق انتظار به هوادار پیوست؛ جایی که رضا عنایتی در حال شعبه سازی برای استقلال است! عنایتی یکی از برترین بازیکنان تاریخ استقلال به شمار می آید که علاقه زیادی هم به این تیم دارد. با وجود این شاید رو بگرد او در جذب همه استقلالی های ممکن، قابل بحث باشد. بابک مرادی یازدهمین بازیکن هوادار است که سابقه حضور در استقلال را در کارنامه داشته است. نقراتی مثل محمد قاضی، روح الله باقری، مرتضی آقاخان، آرش داخلیری و داریوش شجاعیان هم همین شرایط را دارند. اگر این بازیکنان به درد هوادار می خورند و جذب آنها فلسفه فنی داشته که خیلی هم خوب است، اما اگر صرف حضورشان در استقلال باعث می شود بیراهن هوادار را به تن کنند، این مسئله قابل تامل خواهد بود. در حقیقت انتظار می رود رضاعنایتی از موضع یک مربی مستقل و حرفه ای فوتبال باروند یارگیری برخوردار کند، نه یک هوادار. این تیم که فصل بیست و یکم برای نخستین بار در لیگ برتر حضور دارد، در پایان هفته شانزدهم با یک بازی کمتر و ۱۴ امتیاز در رده دوازدهم جدول قرار دارد و طبیعتا هدفش باید بقادر لیگ برتر باشد. بی گمان عنایتی در پایان فصل با توجه به خریدهایی که انجام داده و نتایجی که می گیرد قضاوت خواهد شد. تیم او بلافاصله بعد از شروع لیگ برتر باید با خود استقلال مصاف بدهد، مسابقه ای که به دلیل شیوع کرونا در اردوگاه آبی ها به تعویق افتاد.



نگته بازی

این نمجید بود یا متلک؟



یکی از شگفت‌انگیزترین مصاحبه‌هایی که در دوران حضور در آگان اسکوچیج روی نیمکت تیم ملی ایران منتشر شده، مربوط می‌شود به جایی که او در مورد راندگی مردم ایران حرف زده است. اسکوچیج گفته: «در تهران یکی دو ساعت طول می‌کشد تا به مقصد برسد. مردم ایران کمی با آرامش راندگی می‌کنند. دوست دارم تیم هم مثل راندگی آنها شود؛ مخصوصا با توجه به نظم عجیب‌شان و منطقی که در ترافیک برقرار می‌کنند. آنها بسیار در ترافیک سازماندهی شده عمل می‌کنند. در راندگی آنها باهاده هم وجود دارد که به نظر من یک ترکیب ایده‌آل است.» راستش ماهر جعفر این کلمات را مرور کردیم متوجه شدیم اسکوچیج دارد تعریف می‌کند یا طعن می‌زند. راندگی یا آرامش؟ مردم ایران؟ خود این ترکیب آنقدر طنزآمیز است که نمی‌توان چیزی به آن اضافه کرد!

راه‌های بهتری هم برای حمایت هست



در شرایطی که شجاع خلیل‌زاده از بازی با امارات محروم بود، همه انتظار داشتند سیاوش یزدانی در کنار محمدحسین کنعانی‌زادگان زوج حاضر در قلب خط دفاعی تیم ملی ایران را تشکیل بدهد. با وجود این در آگان اسکوچیج تصمیم گرفت امید نورا فکن را به قلب خط دفاع ببرد و میلاد محمدی را به جای او در سمت چپ بازی بدهد. این موضوع با اعتراض تنی چند از پیشکسوتان استقلال همراه شد. از آن جمله است نیکبخت واحدی که با ادبیاتی عجیب در اینستاگرام نوشت: «اینجا قانون جنگل است، اما تو قوی باش.» چنین ادبیاتی شاید از یک هوادار کمال و کمال و هیجانی فوتبال دور از انتظار نباشد. اما آدم توقع ندارد یک پیشکسوت نامدار از چنین کلماتی استفاده کند. راه‌های بهتری هم برای حمایت از سیاوش یزدانی وجود دارد. اینظوری کمکت نمی‌کند.

آزادی به روایت آزادی



محمد رضا آزادی، مهاجمی که ابتدای فصل با استقلال قرارداد بست، نهایتاً در این تیم شانس چندانی برای بازی پیدا نکرد و در نهایت رضایتنامه جدا شد. از آنجا که پرسپولیس هم در خط حمله به کمبود بازیکن مواجه است، شایعه شده سرخ‌ها به آزادی پیشنهاد داده‌اند. حالا کاری به درست و غلط این پیشنهاد نداریم. نکته جالب به ادبیات این بازیکن مربوط می‌شود؛ جایی که او خیلی خوب خودش را برزنت می‌کند. آزادی گفته از داخل و خارج کشور چند پیشنهاد دارد که بهترین آنها را بر خواهد گزید. آزادی قبل از حضور در استقلال هم گفته بود: «من در یونان شرایط خوبی داشتم. مدیران باشگاه پرسپولیس خیلی اصرار کردند که از این تیم نروم. آنها حتی پیشنهاد کاپیتان دوم هم به من دادند که قبول نکردم.» گفتنی است آزادی برای تیم یونانی حتی یک گل هم نزده بود!

آمار بازی

متریکا

43

تیم ملی امارات در هر دو بازی رفت و برگشت مالکیت توپ بیشتری نسبت به ایران داشت اما هر دو بازی را با نتیجه مشابه یک بر صفر باخت. ایران از ۸ مسابقه‌ای که در گروه آسیا انجام داده در ۵ مسابقه مالکیت توپ بیشتری نسبت به حریف داشته اما در بازی با کره جنوبی و بازی رفت و برگشت توپ را بیشتر به حریف سپرده است. در بازی با کره جنوبی و بازی رفت با امارات در صد مالکیت توپ ۵۳-۴۷ به ضرر ایران بوده سه شنبه این هفته در بازی برگشت مقابل امارات نیز ایران فقط در ۴۲ درصد زمان بازی صاحب توپ بود. در این بازی تعداد پاس‌ها نیز ۵۷۷ به ۲۹۴ به سود امارات بود و حتی در وقت پاس هم اماراتی‌ها ۸۵ به ۷۶ برتر از ایران بودند.

1/34

با وجود برتری اماراتی‌ها در مالکیت توپ و تعداد پاس، تیم ملی ایران نسبت به گسترده‌تر و مؤثرتر تاکتیک‌های حریفش داشت و در نهایت هم پیروز این میدان شد. در حالی که اماراتی‌ها روی خط دفاعی ایران مشغول پاس‌های بی‌فایده بودند، ایران با همان ۳۹۴ پاس ۱۲ شوت به سمت دروازه حریف زد که ۵ شوت داخل چارچوب بود و یکی از آنها تبدیل به گل شد. در مقابل، امارات فقط ۹ ضربه به دروازه ایران زد که ۴ ضربه این تیم در چارچوب بود و البته هیچ‌یک از آنها خطرناک نبودند. ایران در این بازی به امید گل ۱.۳۴ رسید و امید گل اماراتی‌ها ۰.۴۸ فراتر رفت. در بازی رفت، امید گل ایران ۱.۸۳ و امید گل امارات ۰.۲۶ بود، یعنی برتری ایران بیشتر از بازی برگشت بود.

7/62

مهدی طارمی با کسب نمره ۷.۶۲ از سسایت متریکا، یک بار دیگر بهترین بازیکن در مقابل بازیکن زمین شد. مهدی در مقابل امارات با ۳ شوت، ۳ پاس کلیدی و یک دریبل موفق، روز خوبی را سپری کرد و تک گل بازی را هم به ثمر رساند. در چند بازی اخیر تیم ملی، بهترین بازیکنان ایران معمولاً طارمی و جبهان‌بخش بوده‌اند اما این بار امیر عابدزاده هم نام خودش را در بین بهترین‌ها جا داد. او در سومین حضور متوالی‌اش درون دروازه تیم ملی، نمره ۷.۵۷ را از متریکا دریافت کرد و بالاتر از ستاره‌های خط حمله ایران توانست به عنوان سومین بازیکن برتر این میدان برگزیده شود. علی قلی‌زاده با نمره ۷.۱۰ و علیرضا جبهان‌بخش با نمره ۷.۰۴ پشت‌سر او قرار گرفتند و امیری و نورافکن هم نفرات بعدی بودند.

زشت و زیبای آخرین نمایش سال

پیروزی ۱۰ نفره بر امارات بسیار شیرین بود، اما چند نکته تامل برانگیز هم داشت

بهر روز رسایلی تیم ملی ایران در نخستین بازی از سه‌گانه تشریفاتی‌اش پس از صعود به جام جهانی ۲۰۲۲، موفق شد با یک گل امارات را شکست دهد. این هفتمین پیروزی تیم کشورمان در مرحله نهایی انتخابی جام جهانی بود. این برتری به‌ویژه زمانی ارزش مضاعف پیدا کرد که تیم ملی با وجود در اختیار داشتن یک بازیکن کمتر آن را رقم زد. با این حال آخرین نمایش تیم ملی در سال ۱۴۰۰ چند نکته مثبت و منفی داشت.

نکات مثبت

بدون تردید مهم‌ترین ویژگی مثبت نمایش تیم ملی برابر امارات، حفظ برتری با وجود یک نیمه بازی کردن با یک بازیکن کمتر بود. کسب چنین موفقیتی آسان نیست؛ به‌ویژه با توجه به اینکه امارات نیاز مبرم به کسب امتیاز از این مسابقه داشت. صادق محرمی در نخستین دقیق نیمه دوم کارت قرمز گرفت و اخراج شد. تیم ملی ۴۵ دقیقه تحت فشار قرار گرفت و از این بابت هم امتحان خوبی پس داد و توانست ۳ امتیاز را حفظ کند. این مسئله بسیار مهم بود و نشان می‌داد اعتمادبه‌نفس تیم ملی شده‌اند و به راحتی به تیم مقابل باج نمی‌دهند. حتی بدون آن اخراج هم حفظ انگیزه و حس برتری خوبی در یک بازی تشریفاتی بی‌اهمیت مایه تحسین است. بین نفرات تیم هم باید به نمایش خوب علیرضا جبهان‌بخش اشاره کرد؛ بازیکنی که در

نکات منفی

ببینا امروز باید این سؤال را بطور جدی مطرح کرد که چرا بازیکن ما در چنین مسابقه‌ای، بدون اینکه تحت فشار باشد باید ۲ کارت زرد ناشیانه بگیرد و اخراج شود؟ این مسابقه اصلاً حساسیتی برای ایران نداشت که اشتباه عجیب، بدجا و بدموقع صادق محرمی را توجیه کند. او وسط زمین بی‌محابا بازیکن حریف را زد و کارت دوم را گرفت؛ اگر این اتفاق در مرحله نهایی جام جهانی رخ می‌داد و ما برابر آلمان، فرانسه، برزیل، آرژانتین یا هر حریف گردن‌کلفت دیگری یک نیمه ۱۰ نفره بازی می‌کردیم، چه می‌شد؟ انتظار می‌رود محرمی بعد از چند سال بازی در اروپا و تثبیت جایگاهش در ترکیب تیم

تیم ملی ۴۵ دقیقه تحت فشار قرار گرفت و از این بابت هم امتحان خوبی پس داد.

نشان داد بچه‌ها صاحب «ذهن برنده» شده‌اند و به راحتی به تیم مقابل باج نمی‌دهند.

مقابل عراق خارق‌العاده بود و در بازی با امارات هم تنها گل را گرفت، ساخت جبهان‌بخش که معمولاً زیاد مورد انتقاد قرار می‌گیرد، در تیم در آگان اسکوچیج رفته، رفته به یک وزنه مهم تبدیل شده است. نقش او در مسابقات پیش‌مقدماتی و نیز این مرحله از بازی‌های انتخابی جام جهانی قابل انکار نیست. امیر عابدزاده کلین‌شیت کرد. تسلط او بر توپ و مخصوصاً شروع مجدد های مؤثرش، کلاماً به چشم می‌آید. از بازی خوب محمدحسین کنعانی‌زادگان هم نباید بی‌تفاوت گذشت؛ آنچه نشان می‌دهد چرا اسکوچیج با وجود همه حواشی، همچنان این بازیکن را در ترکیب تیمش حفظ کرده است.

ملی بلوغ فنی بیشتری داشته باشد. اما سؤال بعدی؛ آیا گزینه‌های اسکوچیج برای پست دفاع راست از نظر کیفی و کمی کافی هستند؟ یعنی داستان این است که صادق محرمی فیکس باشد و صالح حمدانی روز و روزگاری با ما همین‌ها قرار است برویم جام جهانی؟ نه اینکه این بچه‌ها ضعیف باشند، اما شاید اسکوچیج باید میدان دیدش را برای آزمون‌نفرات جدید در این پست وسیع‌تر کند. مسئله مشابه در مورد پست دفاع میانی هم وجود دارد. می‌فهمیم که امثال مجید حسینی و مرتضی پورعلی‌گنجی به دلایل غیرفنی در دسترس نبودند، اما باز هم کمی عجیب است که سرمربی تیم ملی ناچار می‌شود به خاطر محرومیت شجاع خلیل‌زاده، امید نورافکن را در پست تخصصی دفاع وسط بازی بدهد. اما او مدافع میانی نیست. یک‌بار هم سر توپی که به اشتباه آفساید گرفته شد، نورافکن بدجوری مهاجم پشت سرش را رها کرد که این مسئله نشان می‌دهد او تجربه کافی برای بازی در چنین پستی را ندارد. بعد از این دو ابهام در مورد خط دفاعی، باید به راه‌های پررنگ خودخواهی در تیم ملی هم اشاره کنیم. فقط داستان علی قلی‌زاده در این بازی نیست، این اتفاقات کلا وقتی جلو هستیم در تیم اسکوچیج زیاد تکرار می‌شود. خوب است در آگان در این زمینه کمی جدی‌تر باشد، و گرنه چه‌جساج چنین عادت‌های کار دست تیم ملی بدهد.

جور رفیق را بکش!

سردار آزمون و مهدی طارمی در غیاب هم سنگ تمام گذاشتند



با ۳-۳-۴ محبوب چه می‌کنی؟

چالش اسکوچیج بعد از بازگشت سردار آزمون به تیم ملی

در ۲ مسابقه تیم ملی برابر عراق و امارات، سردار آزمون در فهرست ایران قرار نداشت. بنابراین در آگان اسکوچیج تصمیم گرفت دست به تغییر سیستم پایه تیم بزند. به این ترتیب او در این دو بازی از جینس ۳-۳-۴ استفاده کرد. در این سیستم مهدی طارمی تنها مهاجم تیم ملی بود و از طرفین توسط علی قلی‌زاده و علیرضا جبهان‌بخش حمایت می‌شد. خط حمله زمین هم به مثلث سعید عزت‌اللهی (در مرکز) و وحید امیری و سامان قدوس در طرفین سپرده شده بود. تیم ملی با این سیستم هر دو مسابقه خود را برد، هرچند در بازی با امارات بعد از اخراج صادق محرمی، اسکوچیج ناچار به تغییر سیستم شد و رو به پیش ۱-۴-۴ آورد.



وقتی بازیکنی در ۲ مسابقه پایانی تیم ملی ۲ گل ۳ امتیازی می‌زند، معلوم است که او مورد شماره یک اردو بوده است. این همان انتظاری بود که از مهدی طارمی داشتیم و به حق هم برآورده شد. طارمی هم در بازی با عراق گره کار را باز کرد و هم مقابل امارات یک پیروزی شیرین و سزاوارانه دیگر برای تیم کشورمان به ارمغان آورد. او این کارها را در شرایطی انجام داد که دوست صمیمی و زوج اصلی‌اش یعنی سردار آزمون به دلیل ابتلا به کرونا و انجام تشریفات تغییر تیم باشگاهی موفق به حضور در این اردو نشد. بنابراین طارمی تنها ماند و در عین این

تنهایی بار تیم ملی را از روی زمین برداشت. نکته جالب توجه اینجاست که در اردوی قبلی هم سردار آزمون عیناً همین کار را تکرار کرد. در آن اردو مهدی طارمی غایب بود، اما سردار با درخشش مقابل لبنان و سوریه اجازه نداد این غیبت احساس شود. آزمون مقابل لبنان گل اول بازی را زد و آن اشاره معروفش رو به نیمکت تیم ملی که: «آرام باشید، هنوز زمان داریم بازی را ببریم» خیلی مشهور شد. آزمون برابر سوریه هم گل اول بازی را به ثمر رساند و گره مسابقه را باز کرد. به عبارت دیگر این دو رفیق در نبود دیگری، جور نفر غایب را کشیدند و زهر خط آتش تیم ملی را حفظ کردند. طارمی و آزمون شاید مخوف‌ترین زوج فوتبال آسیا را ساخته‌اند؛ ترکیبی

که همه ما برای درخشش در جام جهانی ۲۰۲۲ و رقم خوردن اولین صعود تاریخ تیم ملی از مرحله گروهی جام جهانی سخت به آن امیدواریم. آزمون بعد از سال‌ها هنر نمایی در فوتبال روسیه سرانجام به یکی از ۵ لیگ معتبر اروپا پیوست و از نیم‌فصل دوم برای لورکوزن بازی خواهد کرد. در مورد طارمی هم شایعات زیادی مبنی بر انتقالش به آرسنال در همین زمستان وجود داشت که البته محقق نشد. مهدی هنوز فرصت و البته شایستگی یک انتقال بزرگ را دارد، هر چند تیم فعلی او یعنی پورتو هم جزو باشگاه‌های معتبر و بزرگ اروپا به شمار می‌آید. امیدواریم تیم سال آینده در جام جهانی قطر هر دو ستاره خط حمله ایران در بهترین فرم فنی خود باشند.

جدول بهترین پاسورها

Table with 2 columns: Player Name and Team. Includes players like مهدی ترابی (پرسپولیس), مهدی پور (استقلال), and اذر باد (سرسنجان).

لیگ برتر ایران (جام خلیج فارس) - فصل بیست و یکم

Table with 10 columns: Rank, Team, Goals, Assists, Yellow Cards, Red Cards, Clean Sheets, Points, and Average Goals per Game.

سوژه روز

نمایش مضحک مقایسه بچگانه

بعد از اعلام حکم کمیته استیناف درخصوص پرونده باشگاه گل گهر، تقریباً همه باشگاه‌های درگیر در این پرونده با انتشار بیانیه به اعتراض و محکوم کردن یکدیگر پرداختند. باشگاه گل گهر که امیدوار بود کمیته استیناف ۱۷ امتیاز از دست رفته را به این تیم برگرداند، بیانیه معتزانه‌اش را کوینده آغاز کرده است: «صفحه دیگری از بی‌عدالتی در فوتبال ایران ورق خورد. نمایشی مضحک از بی‌قانونی که این بار قرار بود قربانی آن باشگاه گل گهر سیرجان باشد. از همان روزی که باشگاه‌های شاکي، پروسه گدایی امتیاز را شروع کردند، شما هم کمر همت را بستید تا زحمات بازیکنان گل گهر که در زمین مسابقه کسب امتیاز کرده بودند را در قالب بذل و بخشش، نثار تیم‌هایی کنید که در زمین بازی عاجز از نتیجه‌گیری بودند.» «باشگاه سیرجانی معتقد است اگر جای شاکي و متهم در این پرونده عوض می‌شد، قطعاً ما هم به سود استقلال حکم می‌دادند: «کافی است کمی به عقب برگردید و به ماجراهای مشابه نگاهی بیندازید. همان یک ماجرای پاتوسی برای اثبات این بی‌عدالتی کافی است. چگونه زمانی که استقلال در جایگاه متهم قرار داشت، مشکل پاتوسی به شکلی عجیب و معجزه‌آسا حل شد؟»

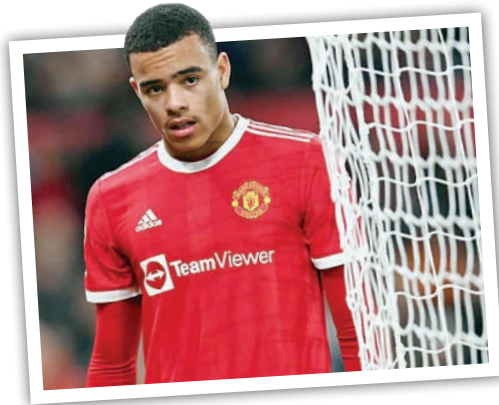
پرسپولیسی‌ها هم بیکار ننشستند و با یک بیانیه دیگر، اعتراض خود را به این حکم رسانه‌ای کردند. خیلی‌ها از باشگاه پرسپولیس انتقاد می‌کنند که این پرونده هیچ ربطی به آنها ندارد اما سرخیوشان که در کورس قهرمانی با استقلال هستند در اعتراض به ۱۲ امتیازی که نصیب آبی‌ها شده نوشته‌اند: «پرسپولیس ۱۵دوره پیاپی قهرمان لیگ برتر شده است و این مسئله فشارهای زیادی را به بخش‌های بسیاری از فوتبال و خارج از فوتبال وارد می‌سازد.» این باشگاه که خودش ۲ بار مقابل استقلال و سپاهان ۳ بر صفر برنده اعلام شده در پاسخ به کسانی که حکم گل گهر را با آن احکام مقایسه می‌کنند نوشته است: «قیاس بچگانه‌ای است بین احکامی که به دلیل ترمرد و فرار تیم‌ها از حضور در زمین مسابقه صادر می‌شود و در تمام دنیا یکسان است، با آنچه در پرونده باشگاه گل گهر شاهدش بوده‌ایم و با کلی تحلیل و تفسیر به این نقطه رسید...» حالا ۲ باشگاهی که قبل از اینها به دلیل عدم حضور در زمین، قانونی بازنده شدند با امتیاز از دست داده بودند، اینگونه برنده می‌شوند و امتیاز می‌گیرند... تکلیف‌ای‌میل‌های جعلی که پلیس فتا شناسایی کرد و منشأ آن چه شد؟ طرح‌ریزی توطئه با کدام مستند رد شد؟ هواداران پرسپولیس منتظر پاسخ این سوالات هستند.»

در این بین البته باشگاه استقلال هم بیکار ننشسته و طبق معمول از طریق مدیر رسانه‌ای پر کارش به این بیانیه‌ها واکنش نشان داده است. مدیر رسانه‌ای استقلال نوشته: «خط به خط بیانیه اخیر باشگاه رقیب، قابل پیگرد قانونی است و منتظر واکنش فدراسیون فوتبال نسبت به این بیانیه مداخله‌آمیز هستیم.»

چهره روز

هر کی هستی باش!

وقتی همه پشت ستاره متخلف را خالی می‌کنند



اتهام خشونت علیه یک‌زن به میسون گرینود هنوز جرمش ثابت نشده اما همه پشتش را خالی کرده‌اند. ابتدا پلیس او را بازداشت کرد، سپس باشگاه منچستر یونایتد بیانیه داد و او را از حضور در تمرینات محروم کرد. آن‌گاه نوبت شرکت نایکی شد که به عنوان اسپانسر این بازیکن از کارهای او برات بچوید و در قرارداد فیما بین تجدیدنظر کنند. حالا بازی فیفا ۲۲ هم نام گرینود را از این بازی پرطرفدار فوتبال حذف کرده است. شرکت EA Sports، سازنده سری بازی‌های فیفا با انتشار بیانیه‌ای این موضوع را تأیید و اعلام کرد کارت گرینود در بخش اکتیو تیم هم وجود نخواهد داشت. به این ترتیب عملاً در بخش آنلاین این بازی، هیچ نامی از گرینود وجود ندارد. البته کاربران این بازی می‌توانند اینترنت خود را خاموش کنند و با انتخاب ترتیب قبلی از گرینود استفاده کنند اما بعد است افراد زیادی هنوز خواهان این موضوع باشند. با ایدیت جدید نام گرینود مثل مثال بن‌ژامن مندی که به دلیل تجاوز به عنف در زندان به سر می‌برد حذف خواهد شد. پلیس شهر منچستر تأیید کرد که تا زمان پایان تحقیقات گرینود در بازداشت می‌ماند. دیگر از مصاحبت خبری نیست و کسی به خاطر وجهه یک ستاره از گناه و تخلف او چشم‌پوشی نمی‌کند.

پلیس شهر منچستر تأیید کرد که تا زمان پایان تحقیقات گرینود در بازداشت خواهد ماند و این در حالی است که هنوز دادگاهی تشکیل نشده و ادعای شاکي به اثبات نرسیده است. اتهامات متهم عبارت‌اند از تجاوز به زور، تهدید به قتل و ضرب و شتم. وضعیت میسون گرینود یکی از دلایلی است که باعث شد منچستر جسی لینگارد را قرض ندهد. این یعنی باشگاه امید ندارد که به این زودی با پادرمیانی مشکل حل شود و اقدامی هم در این زمینه صورت نخواهد داد. نایکی در بیانیه‌اش نوشته: «ما رابطه خود را با میسون گرینود به حالت تعلیق در آورده‌ایم. ما عمیقاً از اتهامات نگران هستیم و به نظارت دقیق اوضاع ادامه میسوزیم داد.» «جالب‌تر اینکه منچستر یونایتد تمامی آلا‌های میسون گرینود را از وب سایت خود حذف کرده است. ستاره‌ها مصونیت آهنین ندارند.»

تکمیل آرشادعیلی

ورزشی می‌گویند چون باز یکن فیکس تیم ملی هستی، از اسکوچیج حمایت می‌کنی؟

من چند ماه پیش با شما مصاحبه کردم و گفتی حتی اگر دعوت نشوم هم از اسکوچیج حمایت می‌کنم. من فوتبالی حرف می‌زنم، وقتی یک مربی نتیجه می‌گیرد، مگر می‌شود در مورد عملکردش بد صحبت کرد؟ ما خیلی زود به جام جهانی صعود کردیم و عجیب است که برخی دست به تخریب کادر فنی تیم ملی می‌زنند. واقعا این کار در سست نیست. اگر انتقاد فنی و منصفانه باشد، هیچ ایرادی ندارد ولی خیلی انتقادهای از تیم ملی و اسکوچیج منصفانه نیست.

ورزشی ولی عده‌ای هم اعتقاد دارند که اسکوچیج بابت در اختیار داشتن این نسل از بازیکنان تیم ملی بسیار خوش‌شانس است. نظر تو چیست؟

داشتن بازیکنان ستاره بسیار خوب است ولی مدیریت کردن بازیکنان مهم نیست؟ قطعاً مهم است. ما همین بازیکنان را زمان مربیگری ویلموتس هم در اختیار داشتیم ولی چه نتایجی گرفتیم؟ مربی و بازیکن مکمل هم هستند و رسیدن به موفقیت نیاز به اتحاد و همدلی دارد. وقتی تیم ملی نتیجه گرفته یعنی همه اعضای تیم وظایف خودشان را به درستی انجام داده‌اند. ما بازیکنانی فوق‌العاده و در کنار آن یک کادر فنی فوق‌العاده داریم.

ورزشی قبول داری گروه تیم ملی آسان بود؟

ما در آسیا بازی می‌کنیم و در دهه‌ها و دوره‌های گذشته با همین تیم‌ها در تورنمنت‌های مختلف روبه‌رو شدیم. آیا این تقصیر ماست که این تیم‌ها در آسیا هستند؟

ورزشی دوست داری در جام جهانی با کدام یک از تیم‌های بزرگ دنیا هم‌گروه شویم؟

دوست دارم با اسپانیا هم‌گروه شویم چون همیشه تیم مورد علاقه من بوده است.

ورزشی اگر مصر با کسی روش به جام جهانی بود، از هم‌گروه شدن با این تیم استقبال می‌کنی؟

حساسیتی به هم‌گروه شدن با تیم کی روش ندارم و برایم فرقی ندارد.

ورزشی فکر می‌کنی پروژه میزبانی قطر در جام جهانی یک پروژه موفقیت‌آمیز باشد؟

به نظر من یکی از بهترین جام‌های جهانی تاریخ را در قطر شاهد خواهیم بود. این بازی‌ها در فصل بسیار خوبی انجام می‌شود و هوای قطر در آن زمان عالی است. از طرفی این کشور استادیوم‌هایی فوق‌العاده مدرن ساخته که بازی در آنها فوق‌العاده است. قطر در همه زمینه‌ها به‌خوبی خودش را آماده میزبانی از جام جهانی کرده است. امیدوارم در این جام حضوری موفقیت‌آمیز داشته باشیم و فوتبال ایران را سربلند کنیم.



دوست دارم با اسپانیا هم‌گروه شویم

شجاع خلیل‌زاده که از بازیکنان ثابت و تأثیرگذار تیم ملی در راه صعود به جام جهانی قطر بوده، معتقد است این یکی از بهترین جام‌های تاریخ خواهد شد

امیر حسین اعظمی | تیم ملی فوتبال ایران با پیروزی برابر عراق در نهایت توانست به جام جهانی قطر صعود کند؛ کشوری که در این سال‌ها با پیشرفت فوق‌العاده در فوتبال و ساختن استادیوم‌های مدرن، آماده میزبانی از جذاب‌ترین تورنمنت فوتبالی در جهان است. شجاع خلیل‌زاده، مدافع میانی تیم ملی فوتبال ایران هم نزدیک به ۲۰ سال است که در کشور قطر فوتبال بازی می‌کند و پیش‌بینی او این است که یکی از بهترین جام‌های جهانی تاریخ فوتبال در این کشور برگزار خواهد شد. خلیل‌زاده که یکی از عناصر مهم خط دفاعی تیم ملی محسوب می‌شود، در خصوص صعود ایران به جام جهانی و مسائل مختلف دیگر به سوالات همشهری ورزشی پاسخ می‌دهد.

**ورزشی از صعود به جام جهانی شروع کنیم. به نظر خودت سخت بود؟**  
رسیدن به هیچ موفقیتی آسان نیست. خودتان می‌دانید که در مرحله قبلی چه شرایط سختی داشتیم و قبل از اینکه به بحرین برویم، خیلی‌ها با تردید در مورد صعود به مرحله بعدی صحبت می‌کردند. ما همه بازی‌ها را بردیم و با قدرت به مرحله بعدی صعود کردیم، در این مرحله هم فوق‌العاده بودیم و به قحمان رسیدیم. ما واقعا زحمت و سختی کشیدیم و این موفقیت برخلاف تصور برخی ساده به‌دست نیامد. خوشحالم که توانستیم مردم ایران را با این اتفاق خوشحال کنیم.

ورزشی بعد از بازی در مورد حضور هواداران زن در استادیوم آزادی یس‌تی را منتشر کردی. در این خصوص صحبت می‌کنی؟

به‌رحال این حق هواداران و مادران ماست که به استادیوم بیایند و بازی‌های فوتبال را از نزدیک تماشا کنند. واقعا جو خوبی در استادیوم آزادی حاکم بود و امیدوارم با از بین رفتن بیماری کرونا هواداران برای همیشه به استادیوم بیایند. حضور بانوان در ورزشگاه اتفاق مثبتی بود و امیدوارم ادامه‌دار باشد.

ورزشی دراکان اسکوچیج با وجود کارنامه درخشانی که در تیم ملی داشته، همچنان در ایران توسط برخی رسانه‌ها یا کارشناسان مورد نقد قرار می‌گیرد. در این خصوص چه صحبتی داری؟

من دوست ندارم زیاد در خصوص این موضوع صحبت کنم ولی فکر می‌کنم برخی در این زمینه دنبال خصومت شخصی هستند. خیلی راحت می‌توان در این مورد صحبت کرد چون آمار همه چیز را نشان می‌دهد. واقعا چگونه می‌توانیم عملکرد اسکوچیج و دیگر اعضای کادر فنی تیم ملی را زیر سؤال ببریم. شما نگاهی به وضعیت تیم ملی قبل از آمدن اسکوچیج بیندازید و ببینید که در زمان ویلموتس چه اوضاع و خمی‌داشتم. ما نتایجی گرفتیم که حتی صعود تیم ملی به مرحله بعدی را به خطر انداخته بود. در آن موقعیت بسیار سخت و حساس اسکوچیج آمد. ما بازی دوستانه نداشتیم و اردوی خاصی هم برگزار نکردیم. اسکوچیج شبانه‌روز برای تیم ملی زحمت کشید و این را می‌توانید از بازیکنان ببرید. مگر می‌شود این همه بازی را ببرید، شکست نخورید و مورد انتقاد قرار بگیرید؟ نمی‌دانم در ذهن آنهایی که انتقاد می‌کنند، چه می‌گذرد، واقعا نمی‌دانم. البته هر چقدر هم حرف بزنیم، بعد است نظر چنین افرادی تغییر کند.

**وقتی اروپایی‌ها خواب بودند**  
خلاصه فیفادی بهممن در قاره‌های مخالف

در فیفادی بهممن ماه‌های زیادی نبود. اروپایی‌ها که مشغول خواب زمستانی بودند. در آسیا ۲ تیم ایران و کره جنوبی صعودشان را به جام جهانی قطعی کردند. در آمریکای جنوبی هم پس از قطعی شدن صعود برزیل و آرژانتین کمی از التهاب بازی‌ها افتاده و در آفریقا و جام ملت‌ها رقابت‌ها به مرحله نیمه‌نهایی رسیده. مروری بر شرایط پس از فیفادی ژانویه شاید بد نباشد.

**آسیا**  
کره جنوبی، ایران

**میزبان**  
قطر

**آقیانوسیه**

**Europe**  
کرواسی، فرانسه، بلژیک، دانمارک، آلمان

**Africa**  
صربستان، هلند، سوئیس، انگلیس، اسپانیا

**South America**  
آرژانتین، برزیل

**آمریکای شمالی**

**آمریکای جنوبی**

در قاره آفریقا خبری از مقدماتی جام جهانی نبود و جام ملت‌های آفریقا به مرحله حساس رسید. دیروز بوز کینافاسو با استقبال بازی کردند و تکلیف یکی از ۲ تیم فینالیست روشن شد و حالا امروز نوبت زور آزما می‌مصر که پرافتخارترین تیم تاریخ جام ملت‌هاست با کامرون میزبان است. کی‌روش که ۳ بازی پیاپی را در جام کنسورهای عرب و نخستین بازی در جام ملت‌ها مقابل نیجره را باخته بود، حالا در ۲ مرحله پیاپی و در ۴ دیدار ۱۲۰ دقیقه‌ای و نفس گیر توانسته ۲ تیم مدعی را از دور رقابت‌ها حذف کند و ساحل عاج و مراکش پرستار را کنار بزند. پیروزی او بر مراکش نسومین بردش با ۳ تیم مختلف آفریقای جنوبی، ایران و مصر برابر این تیم بود. حالا مصر خسته باید با کامرون میزبان بازی کند و یکی از این دو تیم در همین مرحله متوقف شوند. بازی‌های پلی‌آف آفریقا برای صعود به جام جهانی در فیفادی آینده برگزار می‌شود.

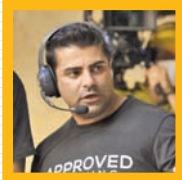
پیش‌نبرد، امارات و عراق این گروه می‌توانستند استرالیای آن یکی گروه باشند. هم‌اکنون در گروه دوم، عربستان سعودی که بازی انتقامی در زاین را ۲ بر صفر باخت و هرو روز نار نخستین شکستش در این مسابقات را تجربه کرد، با ۱۹ امتیاز و باقتدار در صدر قرار دارد اما برخلاف ایران و کره هنوز نتوانسته صعودش را قطعی کند. زاین ۱۸ امتیازی و استرالیای ۱۴ امتیازی در تعقیب سعودی‌ها هستند. دیدار چهارم فروردین ماه بین استرالیا و زاین سر نوشت عربستان را برای صعود مشخص می‌کند. عربستان یک بازی در زمین چینس دارد و یک بازی در زمین خودش با استرالیا در تاریخ ۹ فروردین، استرالیا برای صعود باید هر دو تیم صدرنشین را ببرد و امیدوار باشد که هر دو تیم در بازی دیگر امتیاز بدهند. زاین در روز آخر با ویتنام بازی می‌کند که تازه توانسته نخستین بردش را در این مرحله جشن بگیرد؛ با پیروزی ۳ بر یک بر چین. در ۱۶ مسابقه از ابتدای مراحل پیش‌مقدماتی و مقدماتی و گروهی تاکنون ۵۲ گل ردوبدل شده که میانگین گل ۳.۰۲ را نشان می‌دهد.

ایران هفته گذشته و کره جنوبی این هفته توانستند تا خود را به عنوان چهاردهمین و پانزدهمین صعودکننده‌ها به جام جهانی قطر رزرو کنند. کره جنوبی که یک‌بازی برای سرگروهی با ایران در زمین خودش در پیش دارد، با پیروزی بر سوریه فاصله ۱۲ امتیازی‌اش را با ما حفظ کرد. ایران ششمین و کره یازدهمین حضورش را در جام جهانی تجربه خواهد کرد. کره دهمین بار پیاپی است که راهی این مسابقات می‌شود. از جام جهانی ۱۹۸۶، تنها ۵ تیم توانسته‌اند در همه دوره‌های جام جهانی (۱۰ دوره) حضور داشته باشند که کره جنوبی یکی از آنهاست؛ آرژانتین، برزیل، آلمان، اسپانیا، کره جنوبی.

برای آنهایی که گروه ما را آسان‌تر می‌دانند، یادآوری چند نکته ضروری است. سوریه‌ها از گروهی با به این مرحله گذشته که چین در آن دوم و سوریه اول شده بود. امارات هم در گروه مقدماتی بالاتر از ویتنام که در گروه دیگر قرار داشت و راهی این دور شده بود. عمان در گروهی دوم شد که قطر که میزبان جام جهانی است و نیازی به کسب سهمیه ندارد، در آن با اقتدار اول شده بود. عراق تا این حدافت نمی‌کرد و اسپر چنگال ایران نمی‌شد، موازنه قوی بین ۲ گروه برقرار بود. چه کسی تصور می‌کرد عراق در مرحله اول به این تیم تبدیل شود؟ در آن گروه تیم‌های چین و ویتنام زنگ تفریح هستند و عمان با برانکو توانست یقه استرالیا و زاین را بگیرد اما کاری از

مرب‌های خالی در فروردین‌ماه سال آینده





### با جمشید هاشم پور عاشق سینمای اکشن شدم

گفت و گو با رامین سهراب کارگردان فیلم «لایه‌های دروغ»

۲۲



### نقد من

### بیشتر به مردم است

گفت و گو با کاظم دانشی کارگردان فیلم «علفزار»

۲۳



### جشنواره چهل‌م حیات تازه تئاتر است

کارگردان «سال خوردگی» از تازه‌ترین کارش می‌گوید

۲۴

# همیشه‌ی جتسنواره

### گفت‌وگوی هم‌شهری

### با بهروز شعبیی به

### بهانه نمایش فیلم

### «بدون قرار قبلی»

### در چهلمین جشنواره

### فیلم فجر



### گشت‌وگو

### حافظ روحانی

### روزنامه نگار

«بدون قرار قبلی» با

مشارکت چندین نهاد دولتی ساخته شده‌است؛ از مؤسسه تصویر شهر گرفته

تا سازمان فرهنگی و هنری

شهرداری تهران و در نهایت بنیاد سینمایی فارابی،

بدیهی است که حضور همین نهادها در کنار هم بر خط روایی و زاویه نگاه فیلم تأثیر بگذارد. این تأثیر

را می‌توان در دل‌بستگی پدر غایب داستان به ایران

دید. همچنین خط روایی قصه و آنکه شعبیی شخصا

بازگشت به خوشبختن و اهمیت ریشه‌ها می‌داند. از

سوی دیگر داستان کم‌افت و خیز بدون قرار قبلی و

دشواری پیشبرد روایت درونی، این فیلم را به اثری

دشوار تبدیل و بر اهمیت حضور بازیگران و شیوه

کارشان تأکید می‌کند. شاید یاد از همین‌رو بود که

بخش عمده‌ای از این گفت‌وگو به بازبگری و تجربیات

شعبیی در این زمینه گذشت. فراموش نکنیم که

شعبیی پیش از کارگردانی بازیگر بوده و حتی همین

امروز هم همچنان از این فیلم می‌رسید که او کوشیده

فارغ از اینها اما در این فیلم می‌توان رگه‌هایی از

علاقه و دل‌بستگی شعبیی به رابطه والدین و فرزندان

را نیز دید که پیش‌تر در آثار شعبیی دیده می‌شد.

از این جنبه اینطور به‌نظر می‌رسد که او کوشیده

علاق خود را نیز در این فیلم بگنجاند. به بهانه

نمایش جدیدترین ساخته بهروز شعبیی در چهلمین

جشنواره فیلم فجر به سراغ او رفته‌ایم.

گو با نسخه فیلم شما به نسبت زود آماده

شد. مراحل فیلمبرداری و پس از تولید

چقدر طول کشید؟

فیلمبرداری بخش‌های مشهود و تهرآن را از بهمن

سال ۱۳۹۹ آغاز کردیم که حدود ۷٫۵ روز طول کشید و

از دی‌پشت سال ۱۴۰۰ به پایان رسید. بعد برای هماهنگی

قسمت‌های برلین در فیلمبرداری وقفه ایجاد شد. مشکل

فیلمبرداری بخش آلمان هم نامناسب بودن فصل بود.

چون قصد ما این بود که فیلم از فصل سرما آغاز شود. ولی

وقتی بخش ایران تمام شد به فصول گرم خورد ده بودیم.

در نتیجه تا شروع دوباره فصل پاییز صبر کردیم. از این

رو فیلمبرداری بخش آلمان در مهر و آبان ۱۴۰۰ انجام شد.



# فراق و فاصله

نه، شخصی نیست. یعنی تجربه‌ای شبیه به این نداشته‌ام.

اما احساس این است که داریم در روزگاری زندگی می‌کنیم که نسلی شبیه به این آدم‌ها دور و برمان زیاد

است؛ یعنی نسلی که دچار فراق و فاصله شده. زمانی

که به حضور پدر نیساز دارد، حضور پدر را درک نکرده.

این موضوع در دوره‌های مختلفِ چرانی و تاریخی،

به‌خصوص در تاریخ معاصر انگار کدهای اجتماعی

هم داشته؛ مثلاً در دوره جنگ یا در دوره فعالیت‌های

سیاسی پیش از انقلاب به چشم می‌خورد. انگار پدرها

و مادرها با مسئله‌ای بر سر راه‌شان مواجه می‌شوند که

فاصله‌ای میان روابط‌شان با فرزندان یا فرزندان با آنها

ایجاد می‌کند. من فکر می‌کنم این‌ن موضوع مبتلابه

جامعه‌ماست. شاید اگر به فرهنگ غرب رجوع کنیم این

معضل را به شکل دیگری ببینیم. فکر می‌کنم که باید این

موضوع را مدام به‌خودمان و دیگران یادآوری کنیم. فکر

می‌کنم که خیلی وقت‌ها خودم هم – به‌واسطه حرف‌های

بخش‌کنندگی این پروژه – با خودم می‌گویم که در روزگاری که

فرزندم دارد بزرگ می‌شود در کنارش نیستم. به همین

دلیل هم یادآوری این موضوع برای من دغدغه‌است و

هم همدئات‌بنداری با این‌ قضیه؛ یعنی یادآوری کنیم که

آن پدر یا آن مادر در هر شرایطی همچنان پدر و مادر تو

هستند؛ حتی اگر الان در جای دیگری باشند و مشغول

به کار دیگری.

ضمن اینکه ریشه‌ها اهمیت دارند. همیشه تصور بر

این است که قطع می‌شود اما ریشه‌هایش هنوز در خاک

است، تصویری از این فیلم است. فکر می‌کنم ممکن

است که ما از آن‌ته‌ها بمانم جدا بشویم ولی ریشه‌هایمان

سر جا می‌ماند.

در عنوان‌بندی به‌فصل‌ای از مصطفی مستور

اشاره شده؛ طرح اولیه قصه چه بوده و داستان

آقای مستور چه‌کمی به پیشبرد قصه می‌کند؟

ما قرار بود فیلمی با مضمون بازگشت به‌خود، بازگشت

به ریشه‌ها و خوشبختن، مهاجرت و در یک کلام قصه‌ای

در مورد ایران کار کنیم. وقتی کار را شروع کردیم،

پیشبرد قصه، اتاق فکرهای طولانی و گفت‌وگوهای

طولانی‌شکل گرفت. واقعیت این‌است که در طول دوران

کار حرف‌های‌ام هر قدر که برای

فیلمبرداری وقت گذاشته‌ام،

دو تا سه برابر را در اتاق فکر و در مرحله‌هایم صرف

کرده‌ام.

### اهدای‌فحیه رهبری به کاسبی



محمد مهدی دادمان، رئیس

حوزه هنری انقلاب اسلامی

در عبادتی سسرزده، چفیه

رهبر معظم انقلاب را به‌محمد

کاسبی، هنرمند پیشگوسوت

کشورمان اهدا کرد.

به گفته دادمان، رهبر معظم

انقلاب اسلامی از احوال

آقای کاسبی جویا شدند و

ضمن آن‌زوی سلامتی برای

این هنرمند، چفیه خود را

از شانه‌هایشان بر می‌دارند

و به نشان یادبود به همراه

پیغامی می‌فرستند که:

بسه آقای کاسبی بگویید

برایشان دع‌ما می‌کنم.

مدتی است که محمد کاسبی

هنرپیشه با سابقه کشورمان

به دلیل عارضه قلبی در

بیمارستان بستری شده

است.

■ ■ ■

### ابلاغ جدیدی از وزارت بهداشت نداشته‌ایم



یزدان عشیری، مدیر

روابط عمومی چهلمین

جشنواره فیلم فجر درباره

روند برگزاری این رویداد

با توجه به وضعیت فرمز

تهران بر اثر ویروس کرونا

توضیح داد. عشیری گفت:

تابع پروتکل‌های بهداشتی

ستاد مقابله با کرونا

هستیم. هرگونه مصوبه‌ای

از سوی وزارت بهداشت و

درمان و ستاد ملی مبارزه

با کرونا ابلاغ شود هم در

خانه جشنواره، هم سازمان

سینمایی و هم سایر

سینماهای سطح شهر

عیناً اجرا خواهیم کرد.

تاکنون طی تماس‌هایی که

داشتیم هیچ موردی مبنی

بر تعطیلی سینماها به ما

ابلاغ نشده است. مدیر

روابط عمومی چهلمین

جشنواره فیلم فجر

اظهار کرد: خوشبختانه با

برنامه‌ریزی که انجام شده،

تاکنون به‌گونه‌ای رفتار

کرده‌ایم که پیش‌بینی

احتمالات را داشته و

سعی کرده‌ایم تا ظرفیت

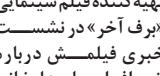
مدنظر وزارت بهداشت را

در تمامی سینماها و خانه

جشنواره رعایت کنیم.

■ ■ ■

### ماجرای انصراف احسان علیخانی از تهیه‌کنندگی



حسن مصطفوی

تهیه‌کننده فیلم سینمایی

«برف آخر» در نشست

خبری فیلمسزن درباره

انصراف احسان علیخانی

از تهیه‌کنندگی این پروژه

و درج نامش به‌عنوان

مشاور و سرما‌یه‌گذار در

تیتراژ فیلم، گفت: «پروانه

ساخت اولیه فیلم به نام

احسان علیخانی بود و

انصراف هم ن‌سداد، حتی

پیش تولید را هم با آقای

ضمن اینکه ریشه‌ها اهمیت دارند. همیشه تصور بر

این است که قطع می‌شود اما ریشه‌هایش هنوز در خاک

است، تصویری از این فیلم است. فکر می‌کنم ممکن

است که ما از آن‌ته‌ها بمانم جدا بشویم ولی ریشه‌هایمان

سر جا می‌ماند.

در عنوان‌بندی به‌فصل‌ای از مصطفی مستور

اشاره شده؛ طرح اولیه قصه چه بوده و داستان

آقای مستور چه‌کمی به پیشبرد قصه می‌کند؟

ما قرار بود فیلمی با مضمون بازگشت به‌خود، بازگشت

به ریشه‌ها و خوشبختن، مهاجرت و در یک کلام قصه‌ای

در مورد ایران کار کنیم. وقتی کار را شروع کردیم،

پیشبرد قصه، اتاق فکرهای طولانی و گفت‌وگوهای

طولانی‌شکل گرفت. واقعیت این‌است که در طول دوران

کار حرف‌های‌ام هر قدر که برای

فیلمبرداری وقت گذاشته‌ام،

دو تا سه برابر را در اتاق فکر و در مرحله‌هایم صرف

کرده‌ام.

### یادداشت ۱

### خسرو دهقان

منتقد و مدرس سینما



### منتقدان و تماشاگران

زمانی که سینما ایجاد می‌شود، به‌عنوان یک تفریح

ارزان و ساده مطرح می‌شود، (سینمای صامت)

احتیاج به زبان ندارد، در سینمای اولیه رنگ پوست

وسیاه و سفید نیز مهم نبود. فرهنگ خاصی و کتاب

خاصی هم برای مطالعه وبررسی نمی‌خواست و

برای درکش تسلط به شعر و موسیقی لازم نبود.

بنابراین به راحتی توانست مخاطبان زیادی را

جذب خود کند.

از طرف دیگر کسانی سینما را به‌عنوان هنر هفتم

مطرح می‌کنند و می‌گویند سینما چیزی کمتر از

آپرا، تئاتر، شعر، موسیقی و هنرهای دیگر که عظیم

و مهم و با جلال و جبروت جلوه می‌کنند، ندارد.

این گروه تا نیمه اول قرن بیستم تا زمان جنگ

جهانی دوم، انرژی خود را صرف این می‌کنند که

سینما را نیز یک هنر جلوه دهند. در اتحاد شوروی

پودوفکین، آپرنشتاین و زیگا ورتوف و دنیای غرب

افرادی نظیر آرنهایم، مانستربرگ، بالابلاش و

کراکوتر تلاش کردند تا سینما را هنری برتر جلوه

دهند. این اتفاقات در نیمه قرن بیستم رخ می‌دهد

و افراد مطرحی در زمینه سینما کتاب‌های زیادی

می‌نویسند تا دوباره تحول عظیم دیگری در فرانسه

زادگاه سینما رخ می‌دهد. الکساندر استروک در

مقاله‌ای به نام «دوربین، قلم» تلاش می‌کند میان

دوربین و قلم شباهتی برقرار کند، اگر در نگاه اول

شباهتی میان این دو وجود ندارد، اما در پی نگارش

این مقاله چشم‌انداز جدیدی با می‌شود. قلم چه

کاری انجام می‌دهد؟ دوربین هم می‌تواند همان

چهره‌های تاریخ سینما پا به عرصه می‌گذارد، او

یکی از مهم‌ترین تئوریسین‌های تاریخ سینما

محسوب می‌شود. فردی که هم دنیای نقد فیلم

و هم تاریخ سینما به او مدیون هستند. او کسی

نیست جز آندره بازن. پس از ظهور آندره بازن

سینما تک نیز در فرانسه تاسیس می‌شود، نوعی

سینمای خاص برای آدم‌های خاص، در پی این

تحول یکی از مهم‌ترین مجلات سینمایی به نام

«کایه دو سینما» ایجاد می‌شود. در کایه دو سینما

نویسندگانی مانند فرانسوا تروفو، ژان لوک گدار،

ژاک ربوت، اریک رومر و کلود شبرول قلم می‌زدند.

این افراد در زمان نویسنندگی بسا یکدیگر همراه

و همدوش هستند، اما سال‌ها بعد که خود کار

فیلم‌سازی را آغاز می‌کنند، هر یک مسیر خود را

می‌رود. این افراد ضمن آذعان به کارهای افرادی

نظیر مانستربرگ، و افرادی که در صدد بودند،

سینما را به‌عنوان یک هنر جلوه دهند، از خود

می‌پر س‌ند، تکلیف تماشاگران عادی، فیلم‌های

معمولی، جان وین، فیلم‌های وسترن و هنرهای

ساده و عادی چه می‌شود؟ مسئول ساخت فیلم‌ها

دقیقا کیست؟ و نقد فیلم را باید دقیقاً متوجه

چه کسی کرد؟ تابلوهای نقاشی اغلب منقش به

امضای نقاش هستند که مشخص می‌کند که

این اثر نقاشی اثر کیست. اما فیلم اثر کیست؟ این

افراد از جمله بازن و نویسندگان مجله «کایه دو

سینما» نگاه خود را معکوس کردند و به جای نگاه

به‌خود فیلم نگاه خود را متوجه تماشاگران خاص

و تماشاگران عام کردند و مشغول دیدن فیلم‌های

عادی و دوباره دیدن فیلم‌های گنگستی‌ری و

فیلم‌های ساخته شده در ژانرهای دیگر، فیلم‌های

کمدی، فیلم‌های چاپلین، باستر کیتون، لورل

### یادداشت

#### بهنودامینی

روزنامه نگار

## باز هم جشنواره متوسط‌ها

«علف‌زار» (کاظم دانشی) از همان سکانس افتتاحیه ناامیدکننده است و دلایل این نومییدی را در ۲بخش می‌توان خلاصه کرد: نخست مرگ ناگهانی و دلخراش کودک‌کی در همان ثانیه‌های آغازین فیلم که نشان می‌دهد این فیلم نیز از ویروس منحوس بچه‌کشی (طبعاً منظور آن مرگی است که در منحنی دراماتیک قصه نگنجد، برای دیدن نمونه‌های مشابه رجوع کنید به «تایستان داغ»، «شکاف»، «ملیبورن» و…) در امان نمانده است.

دوم نماهایی از اشرا و لات‌های خیابانی قمه به‌دست که گویی غلفتی از «شنای پروانه» (محمد کارت) به این فیلم وصله زده شده‌اند و کوچک‌ترین تأثیری بر اضطراب و هیجان این سکانس ندارند و مخاطب را با این اندیشه روبرو می‌کند که تکند علفزار هم یکی از تازه‌ترین محصولات کارخانه ژانر موهوم «نکبت» است؟! که البته پاسخ این سؤال منفی است اما این پاسخ منفی هم به نطفه‌قوتی برای فیلم بدل نمی‌شود.

علف‌زار میان یک فیلم ژانر دادگاهی (که نمونه آن در سینمای ایران نایاب است) و یک درام فرهادی‌وار (مبتنی بر مضامین اخلاقی‌ای همچون دروغ، پنهان کاری، خیانت و… نوسان دارد و آنقدر در میان این دو فضا رفت‌وآمد می‌کند که در پایان نه می‌تواند تصویری واقعی و تأثیر گذار از چالش‌های اخلاقی یک بازپرس قضایی ارائه دهد و نه‌ه همچون همان فیلم‌های تحت‌تأثیر فرهادی با گره‌گشایی انتهایی و برملا شدن لایه‌لایه نیزنگ‌ها مخاطبیش را مرعوب سازد. پژمان جمشیدی در نقش بازپرسی که قرار است به یک پرونده مشکوک تجاوز گروهی رسیدگی کند باید در یک دوره‌ای اخلاقی تصمیم بگیرد که در جریان این پرونده به‌دنبال یافتن حقیقت باشد یا مطیع فرمان برخی بالادستی‌ها در مختومه اعلام کردن پرونده و دفن از شوم آن.

فیلم بنابر رویکردی محافظه کارانه، یک تصویر یک‌پاکتوری و الکن از شهرداری را ترسیم می‌کند که قصد دارد برای حفظ منافع و آبروی خود و خانواده‌اش (که در این‌س اتفاق قربانی موه‌اند) با تطمیع و تهدید بازپرس به پرونده فیصله ببخشد. بازی با این نیزنگ اصلی یک روایت تصفیه‌ونیمه دیگر (نه می‌توان نام داستانتک بر آن گذاشت و نه خرده‌پیرنگ و شاید همان روایت تصفیه‌ونیمه هم از سر آن زیاد باشد) در فیلم وجود دارد که در آن زوج معنادی قصد دارند برای فرزند نامشروع خود شناسنامه بگیرند م به این دلیل آنها نیز به اخلاقی‌گرایی و عطفوت بازپرس محتاج هستند. این قصه بی‌ربط و ناقص نه در پرداخت و سیر تحول کاراکتر بازپرس تأثیرگذاری چندانی دارد و نه با روایت موازی پرونده تجاوز رابطه‌ای پیدا می‌کند و به‌نظر می‌رسد تنها کارکردش همان ملاحظت و شوخی‌های کم‌رقم میان زوج است تا دوز بالای عصیت، تنش و تلخی روایت اصلی را تعدیل کند. شاید اگر فیلمساز این جسارت و توان (چه از نظر مصالح فیلمنامه و چه از منظر اجرا) را داشت که به جای چرخ‌زدن در فضای اطراف دادسرا و غرق شدن در جزئیات بی‌اهمیت و حاشیه‌ای روابط میان کاراکترهای فرعی، تمام قصه را معطوف کاراکتر بازپرس و چالش اخلاقی پیش رویش بکند- در یک کلام از آن بخش متأثر از سینمای فرهادی دل بکنند! - علف‌زار می‌توانست فیلم قابل‌تاملی در جشنواره جهلم باشد اما با این کیفیت فعلی یکی از همان آثار متوسطلی است که همه‌ساله بیشترین سهم را در میان فیلم‌های بخش مسابقه جشنواره دارد.

### یادداشت۲

#### مسعودمیر

روزنامه نگار

## ستایش جوانه‌ها در «علف‌زار»

در تیتراژ آمده که فیلم براساس داستان‌هایی واقعی ساخته شده والبته کارگردان روایت مستقیم حادثه یکی از باغ‌های اطراف خمینی شهر را رد می‌کند. به هر تقدیر آنچه بر پرده روایت می‌شود فیلمی است که نامش «علف‌زار» است و کارگردانش کاظم دانشی، فیلمی که هرچند در فضایی خاکستری و میان تغییر نقاب‌های سریع و مکرر گرگ‌ها و میش‌ها آغاز و روایت می‌شود اما سرانجام هوشمندانه می‌تواند قهرمان هایش را حفظ کند و فاصله‌گذاری آنها با دیگران را متمایز کند.

علف‌زار بی‌برده سراغ جرم می‌رود. پس و پیش و راست و دروغ از بی‌هم می‌آیند و چون آتش بی‌رحم علف‌زار را می‌سوزاند اما فیلمساز توانسته در این میانه جوانه‌ها را حفظ کند. جوانه عدالت و وجدان در بوران استخوان‌سوز دروغ و مصلحت‌زنده می‌ماند و فرادا را هر چند تلخ اما بر مبنای راستی رقم می‌زند. علف‌زار به تهیه‌کنندگی بهرام ارادان فیلمی جسور است والبته بازیگر نقش اصلی‌اش (پژمان جمشیدی) که یک بازپرس است دقیق و به قولی خیلی موبیی از کنار کلیشه و بی‌خاصیتی عبور کرده است. جمشیدی حالا دیگر مدت‌هاست که برای شکار سیمرغ بی‌قرار است والبته نشان داده که شکارچی درجه یکی هم هست. سایر بازیگران فیلم البته از گعده مجرمان و مهمانم و احوالات دروغی و حقیقی جماعتی که بالاخره با شاکی هستند یا متشاکی دور نیستند و قابل‌قبول به‌نظر می‌رسند. نکته آخر اینکه شاید علف‌زار کاظم دانشی تلخ‌ست است و از دل چندین جرم و بزه، خودش را برای تماشای جامعه‌پیرامونی به آفتاب نمایش رسانده اما نباید فراموش کرد که علف‌زار در ستایش اخلاق است، در ستایش ایستادن نسبت درست ماجرا و لسو به ضرر…



## بیدار شو آرزو!

نگاهی به فیلم «شهرک»

نمی‌دانم این روزها که به‌دلیل ترس از ابتلا به ویروس کرونا آموزش مدارس به‌صورت آنلاین و نیمه‌حضوری انجام می‌شود، وضعیت کلاس‌های ادبیات و نحوه انشاء نوشتن بچه‌ها چگونه است و چه کیفیتی دارد اما در دوران تحصیل ما شکل جالب و خاصی از انشاءنویسی رواج داشت که هر از چند گاهی به‌اشکال مختلف بروز می‌کرد و از آنجا که در دوره‌های مختلف توسط بعضی دانش‌آموزها به تکرار و لووت و حوضی کشیده می‌شد، پس از مدتی فراموش می‌شد تا… فرد بعدی و تکرار دوباره همان وضعیت در شکلی به‌اصطلاح تازه و نو، شکل خاص و منحصر‌به‌فرد این نوع انشاء‌ها هم اینگونه بود که معمولاً به‌صورت اول شخص نوشته می‌شد (تاروی شونده تأثیر بیشتری داشته باشد) و ماجرا که به‌صورت اغراق شده و برطمطراق از زبان خوددانش‌آموز روایت می‌شد، به شکلی بیش می‌رفت تا سکوت سنگینی کلاس را در بر گرفته و همه شونده‌های حاضر در کلاس فقط به دهان او چشم بدوزند

#### یادداشت

#### امیدنجوان

منتقد و مستند ساز



#### گفت و گو

#### محمدناصر احدی

روزنامه نگار

سینمای اکشن را – در کنار سینمای ترسناک – می‌شود جزو گناهان لذتبخش سینما دوستان دانست. معمولاً فیلم‌های اکشن به این متهم می‌شوند که عاری از فکر و روح هستند و صرفاً برای معتادان به آدرنالین جذاب‌اند. در سوی مقابل، طرفداران این فیلم‌ها بر تجربه احساسی مشترکی تأکید دارند که این فیلم‌ها برای تماشاگران پدید می‌آورند. البته این حرف‌ها را جمع به سینمای هالیوود مصداق دارد که دارای تنوع ژانری است؛ در سینمای ما که اغلب فیلم‌ها حول موضوعات اجتماعی هستند، فیلمی در ژانر اکشن – به شرطی که فیلم خوبی باشد – می‌تواند برای تماشاگر عام جذاب باشد و تجربه متفاوتی برایش رقم بزند. فیلم اکشن «لایه‌های دروغ» نخستین ساخته رامین سهراب است که این کارگردان جوان امید زیادی به موفقیت آن بسته است. با سهراب درباره این فیلم و مسیری که برای ساخت آن طی کرده گفت‌وگو کردیم.

**شما سال‌ها خارج از ایران زندگی کرده‌اید، ولی متولد ایران هستید. درست است؟**
من متولد ۱۳۴۴ در تهران هستم و در ۵۴سالگی همراه خانواده‌ام به فتلاند رفتم.

**من ویدئوهایی از شما در اینترنت دیدم که حرکات رزمی و پرش‌های بلندی انجام می‌دادید. معلوم است که حسایی ورزشکارید؟**

من ۳۰سال است که رزمی کار می‌کنم و این حرکات‌ها در خونم هست. یکی از جذابیت‌های فیلم همین پرش‌ها و حرکات‌های قهرمان فیلم است.

**رشته ورزشی تخصصی‌تان چه رشته‌ای است؟**
پدر من بنیانگذار رشته ووشو در ایران است. من با ووشو شروع کردم و بعد رشته‌های مختلف مثل تکواندو، کاراته و جودو کار کردم و بعد همه اینها را ترکیب کردم که بتوانم در فیلم استفاده کنم.

**چطور به سینما علاقه‌مند شدید؟**
خیلی راحت! ۱۵سال بود که در فیلم «یاران» (ناصر مهدی‌پور، ۱۳۷۲) مقابل آقای جمشید هاشم‌پور نقشی داشتم و ایشان را در همان کودکی به‌عنوان قهرمان دیدم و برای من سینمای اکشن از همان کودکی رشد کرد و به جایی رسید که نمی‌توانستم کار دیگری بکنم و باید می‌آمدم و فیلمم را می‌ساختم.

**پس از کودکی عاشق سینما شدید؟**

من کوچک که بودم در شهرستان‌ها نمایش رزمی می‌گذاشتم و به برنانه «دیدی‌ها» رفتی و یوتی‌و در خیلی از برنامه‌های تلویزیونی حضور داشتم. یعنی از همان کودکی جلوی دوربین بودم و با سینما بزرگ شدم.

# باجمشیدهاشم پورعاشق سینمای اکشن شدم

رامین سهراب، کارگردان فیلم اکشن «لایه‌های دروغ»، از تجربه‌اش در ساخت این فیلم می‌گوید



**در IMDB آمده که شما از مدرسه بازیگری استلا آدلر بااستاد سرشناسی هم درس داشتید؟**
مارک روفالو، بازیگر نقش هالک، یکی از استادانم بود. با وسلی اسنایپس، بازیگر نقش بلید، هم کار کردم. اسم‌ها زیاد است و الان به‌خاطر ندارم. ما حدوداً ۵ استاد در مدرسه‌مان داشتیم که هر بخش استاد خودش را داشت. بخش بدن شناسی، بخش درام، بخش فیلمنامه‌نویسی و تقریباً ماهی یک‌بار یک معلم از بیرون از مدرسه می‌آوردند و خیلی از هنرپیشه‌های درجه اول می‌آمدند و سمیناری یکی‌دوروزه برای ما برگزار می‌کردند.

**آدم انتظار ندارد کسی که از مدرسه استلا آدلر فارغ‌التحصیل شده به سینمای اکشن علاقه داشته باشد.**

شما راست می‌گویید؛ کسی که در این مدرسه درس خوانده باید خیلی روشنفکر باشد، اما من ایده‌های زیادی برای فیلمم داشتم. به‌اینکه اول اذیت‌های خودش را دارد. فیلم ژانر اکشن هم اذیت‌های خاص خودش را دارد و کلا ساختن این فیلم در ایران برای ما خیلی مکافات بود. خیلی‌ها علیه ساخت این فیلم بودند. خیلی سعی کردم با بودجه‌ای که دارم بتوانم فیلمی بسازم که در سطح بین‌الملل قابل‌قبول باشد. متأسفانه ما بودجه کافی نداشتیم. وقتی این فیلم را در آمریکا نشان دادم، تعجب کردند که چطور با این بودجه کم توانسته‌اید چنین سکانس‌هایی بگیرید. ما نزدیک ۶۰-۵۰ تا لوکیشن داریم، ۲تا کشور؛ هنرپیشه‌های ایرانی و خارجی؛ ۱۲ سکانس اکشن سنگین. اینها را نمی‌شود با بودجه یک فیلم آمار پارتمانی ساخت، ولی خوشبختانه ما توانستیم بسازیم.

**شما جایی گفته بودید فیلم‌های اکشن لو – باجت (کم‌بودجه) را از صمیم قلب دوست دارید. چرا به این فیلم‌ها علاقه‌مندید؟**

خیلی‌ها در فیلم‌های لو باجت از آن پتانسیلی که وجود دارد استفاده نمی‌کنند. ما هم فیلم‌مان واقعا لو باجت است. کل بودجه

است یک نکته را یادآوری می‌کردیم و آن هم ریشه‌ها بود؛ یعنی ما می‌توانیم به هر کجا برویم ولی ریشه‌هایمان می‌مانند. با آن ریشه چه باید بکنیم؟ این موضوع کار ما سخت می‌کرد و مدام در پی پاسخ به این پرسش بودیم که این قصه را از چه زاویه‌ای می‌توانیم مطرح کنیم. در نسخه‌های اولیه درگیر ماجرای می‌شدیم و درونمایه به خوبی شکل نمی‌گرفت. تا اینکه با کمک آقایان مهدی تراب‌بیگی و فرهاد توحیدی (نویسندگان فیلمنامه فیلم) به‌ساختمان قصه رسیدیم. اما همچنان فکر می‌کردیم که در این ساختمان چیزی کم داریم. تا اینکه به داستان آقای مستور برخوردیم. وقتی داستان را خواندم و در اتاق فکر مطرح کردم که داستان آقای مستور ایدهای دارد که به درد مشکل ما می‌خورد آقای توحیدی و آقای تراب‌بیگی استقبال کردند و با کمک این ایده، هسته اصلی قصه پیدا شد. از اینجا به بعد بود که قصه بهتر پیش رفت و من موضوع را با آقای مستور مطرح کردم. آقای مستور حتی گفتند که می‌توانستی از این ایده استفاده کنی و به من هم نگویی. برای اینکه این ایده و قصه من از هم فاصله زیادی دارند. با این حال از این مرحله به بعد آقای مستور هم به اتاق فکر پیوست و مانند یک مشاور یا همراه با طبع بلند با ما همراهی کردند.

است یک نکته را یادآوری می‌کردیم و آن هم ریشه‌ها بود؛ یعنی ما می‌توانیم به هر کجا برویم ولی ریشه‌هایمان می‌مانند. با آن ریشه چه باید بکنیم؟ این موضوع کار ما سخت می‌کرد و مدام در پی پاسخ به این پرسش بودیم که این قصه را از چه زاویه‌ای می‌توانیم مطرح کنیم. در نسخه‌های اولیه درگیر ماجرای می‌شدیم و درونمایه به خوبی شکل نمی‌گرفت. تا اینکه با کمک آقایان مهدی تراب‌بیگی و فرهاد توحیدی (نویسندگان فیلمنامه فیلم) به‌ساختمان قصه رسیدیم. اما همچنان فکر می‌کردیم که در این ساختمان چیزی کم داریم. تا اینکه به داستان آقای مستور برخوردیم. وقتی داستان را خواندم و در اتاق فکر مطرح کردم که داستان آقای مستور ایدهای دارد که به درد مشکل ما می‌خورد آقای توحیدی و آقای تراب‌بیگی استقبال کردند و با کمک این ایده، هسته اصلی قصه پیدا شد. از اینجا به بعد بود که قصه بهتر پیش رفت و من موضوع را با آقای مستور مطرح کردم. آقای مستور حتی گفتند که می‌توانستی از این ایده استفاده کنی و به من هم نگویی. برای اینکه این ایده و قصه من از هم فاصله زیادی دارند. با این حال از این مرحله به بعد آقای مستور هم به اتاق فکر پیوست و مانند یک مشاور یا همراه با طبع بلند با ما همراهی کردند.

**چگونه به قصه آقای مستور برخوردید؟**
پیشنهاد یکی از دوستانم، حسین مرکی، بود. داشتم مشکل قصه را برایش تعریف

## جشنواره

هم قرار می‌گیرند، تماشاگر بدون کوچک‌ترین اشاره، دیالوگ یا حرف خاصی درنیابد که آنها در یک دوره کوتاه (در دوران دانشجویی) عاشق همدیگر بوده‌اند.

شهرک البته می‌کوشد بخش کوچکی از دشواری‌های هنرپیشگی را برای عشاق و علاقه‌مندان این عرصه به نمایش بگذارد و آنها را در هضم و پذیرش برشی از این مشکلات همراهی کند؛ تاخداي ناكرده با خودفكر نكندند كه بازبگري فقط حضور جلوه‌گرانه در مقابل نورها و دوربین‌ها و در یافت دستمزدهای نجومی، از پی شهرت فراگیر و اقبال عمومی است. به‌هر حال بازیگری از نوع پیشرفته و بسیار حرفه‌ای (یعنی همان کاری که هنرپیشه‌های مطرح جهانی انجام می‌دهند) مراتب‌ها و دشواری‌های تشریح‌ناپذیر و ناگفته بسیاری دارد که فقط یکی از آنها عاشق شدن سر صحنه و سرکوب امیال حسی و غریزی بازیگرهاست. آدم‌هایی که گاهی (مثل همین فیلم) مجبورند همچون یک سرباز وظیفه، خانواده، نامزد و دوستان صمیمی‌شان را پشت در یک شهرک رها کنند تا به بهای رسیدن به جهان آرزوهای خود و منساکت در یک امر بزرگ هنری، زیر و بم نقش را نفس کشیده و آن را به اجرا درآورند. غافل از اینکه روزگار، بازی‌های عجیب و غریبی دارد و حتی گاهی می‌تواند بهترین و بزرگ‌ترین بازیگران عالم سینما را هم از پا درآورده و رسوا کند. جایی که شوربخانه هیچ‌کس نیست تا متلاذست روی شاهانه‌اش گذاشته و به او بگوید: «بیدار شو عزیزم، همه اینها را در خواب دیده‌ای!».

# باجمشیدهاشم پورعاشق سینمای اکشن شدم

رامین سهراب، کارگردان فیلم اکشن «لایه‌های دروغ»، از تجربه‌اش در ساخت این فیلم می‌گوید

فیلم ما اندازه ۲۵ثانیه فیلم «جان ویک» است. ولی خلاقیت کارگردان استست که چطوری با بودجه کم فیلم اکشن را درآورد. بالاخره من با اکشن بزرگ شدم و ۳۰سال است که رزمی کار می‌کنم و کنار کسانتی که فیلم‌های خوب اکشن را ساخته‌اند، بودم و دیدم و یاد گرفتم و الان آمده‌ام ایران تا فیلمی آپرومند برای جهان بسازم.

**فیلم اکشن به یک قهرمان خوب و یک بدمن خیلی خوب نیاز دارد. نقش قهرمان فیلم را خودتان بازی کرده‌اید. نگران نبودید تماشاگر که شما را نمی‌شناسد یا شما ارتباط برقرار نکنند؟**

ریسک بزرگی بود چون من ناشناس هستم ولی راستش را بخواهید کسی در ایران پیدا نشد که بتواند این حرکات را انجام دهد. ما از نزدیک به ۱۰۰انفر اکشن‌کار تست گرفتیم، ولی متأسفانه کسی را پیدا نکردیم. ولی فکر می‌کنم موقعی که تماشاگر فیلم را ببیند که چه حرکاتی انجام می‌دهم، خودبه‌خود کمی گاردش پایین می‌آید. چون پیش خودش می‌گوید واقعا چه کسی می‌خواهد این حرکات را در ایران انجام دهد؟ این امتیازی است که می‌تواند تماشاگر را با فیلم همراه کند.

**بدمن فیلم‌چطور درآمده؟**

چه بدمنی داریم، نادر فلاح! نکته جالب فیلم ما این است که تا۲بدمن داریم و تا آخر فیلم نمی‌دانیم که کدام واقعا بدمن است. از این لحاظ فکر می‌کنم شخصیت بدمن‌های فیلم ما خیلی خوب پرداخت شده و خیلی هم به فیلم‌های جیمز باند نزدیک است. مثل فیلم‌های دهه ۱۹۸۰ نیست که بدمن‌ها کلیشه‌ای بودند. بدمن فیلم ما برای خودش یکااستوری و جزئیات دارد. مشکل بدمن خیلی از فیلم‌های اکشن این است که بدمن‌شان کلیشه‌ای و کاریکاتوریزند. این فیلم را که در آمریکا نشان دادم خیلی‌ها عاشق شخصیت نادر فلاح شدند. گفتند این بدمن he has a soul یعنی این بدمن روح دارد.

**روی فیلمنامه‌ه چقدرس کار کردید؟ معمولاً به فیلمنامه‌های فیلم‌های اکشن ایرادهای زیادی می‌گیرند.**

ما روی فیلمنامه کار کرده‌ایم، اما به هر حال فیلمنامه ما ساده است و داستان پیچیده‌ای ندارد. ولی چون ما می‌خواهیم اکشن را دوباره در ایران زنده کنیم، فرض کن اگر اکشن داشته باشیم و یک داستان پیچیده اضافه کنیم، فرض کن آن بگذاریم، دیگر برای مردم زیاد است. مردم فقط می‌خواهند ببینند آنقدر اکشن اکشن می‌کنید، اکشن‌تان چه جوری است. خوشبختانه اکشن فیلم ما هم آن‌ور و هم در اکران سالن مردمی خوب جواب داده است.

**جنس اکشن فیلم‌تان شبیهی چه فیلمی است؟ مثلاً شبیه کارهای جاد استاهلسکی، کارگردان «جان ویک» است؟**

چه جالب که این را گفتید. من ۱۰سال پیش که رفتم آمریکا رفتم پیش استاهلسکی و گفتم که می‌خواهم با شما تمرین کنم. بله، اکشن فیلم ما خیلی نزدیک به کارهای استاهلسکی است ولی دوباره اینجا بحث بودجه به‌وسط می‌آید. ولی من خیلی امید دارم که اگر فیلم در این جشنواره و جشنواره‌های خارجی مورد استقبال قرار بگیرد، شک نکنید در دو سه سال آتی فیلم‌های ۲۰-۱۰۰میلیون دلاری کارگردانی می‌کنم.

می‌کردم که پیشنهاد خواندن قصه آقای مستور را داد.

**با این اوصاف مدت نوشتن فیلمنامه طولانی‌بود؟**
بله. خیلی. چون چند طرح مختلف داشتیم که مدام به سراغشان می‌رفتم و دوباره کنارشان می‌گذاشتم. کار به درازا کشید. اجازه بده، زمان و تعداد جلسات را نگویم، ولی ۲سال گذشته من از فروردين ۱۳۹۹تا امروز تقریباً به تمامی صرف بدون قرار قبلی شد و جزوقفه بین فیلمبرداری قسمت‌های ایران و آلمان که به‌مدت یک‌ماه درگیر فیلم آقای حسین دارایی، «هناس» بودم درگیر فیلم بدون قرار قبلی بودم.

**اسم فیلم چگونه انتخاب شد؟**
پیشنهاد من بود. در مدتی که در مورد قصه صحبت می‌کردیم به‌نظرم آمد که بدون قرار قبلی برای وقایع فیلم اسم با‌سمایی است.

**پگاه آهنگرانی گزینه اول برای ابفای نقش اصلی بود؟**
اصولاً در سینمای ما هیچ‌وقت گزینه اول برای نقش‌ها ممکن نمی‌شود. اتفاقاً این فیلم

## محدود در شوخی کلامی

نگاهی به فیلم «شادروان»



آشنا شده که نه تازی می دارد نه تمایزی به نگاه فیلمساز داده است.

حسین نمازی بعد از فیلم «آ پاندیس» که موقعیتی رئال را با لحنی جدی به تصویر کشید و توانست همدارن ها و چهسا پیام‌های اثر را درورنی و ظریف ارائه دهد، در فیلم دوم خود تغییری جذاب در سبک و لحن خود متناسب با درام محوری داده که در وهله اول می تواند کنجکاویرانگیز باشد.

خط اصلی، تلاش‌های خانواده‌ای از طبقه فرودست برای دستیابی به حساب بانکی پدری فوت شده برای هزینه کفن و دفن او را دربرمی گیرد؛ موقعیتی تراژیک که با رویکرد طنز یا

کمدی در سینما و ادبیات جهان و ایران دستمایه آثار متعددی قرار گرفته است.

طبعاًانتظار می‌رودوقتی فیلمساز سراغ چنین خط قصه‌اشنایی رفته، به واسطه زاویه نگاه خاص خود و موقعیت‌سازی‌های تازه آن را متمایز با متفاوت کند اما «شادروان» به بستری از طنز و طنزای حرکت می‌کند که کمتر به‌دنبال موقعیت‌سازی و حرکت بر مسیری جدید است و محدود در دیالوگ و بده‌بستان کلامی کاراکترها مانده است.
چالش دزدیدن یک جسد یا دست‌رسی به‌حساب بانکی یک فرد مرده، آنقدر درام و قصه‌ و موقعیت دوگانه کمیک-تراژیک در دل خود دارد که می‌توانست حال و هوای فیلم را از این رگیار مداوم دیالوگ‌ها که به‌تدریج تکراری هم می‌شود، به سطحی جدید و جذاب ببرد.

اما فیلمساز با این انتخاب تمام انرژی فیلم را بر دوش بده‌بستان کلامی کاراکترهایی قرار داده که این‌حاضر جوابی و تکه‌انداختن ویژگی یا تمایز مثلاً کاراکتر محوری نادر نیست بلکه همه مرتب در حال تکه‌پراکنی و حاضر جوابی به یکدیگر هستند. البته این ردوبدل شدن پیننگ-وایر دیالوگ برای اول و دوم جواب می‌دهد، اما وقتی مخاطب بتواند حدس بزند که در لحظه هر کاراکتر چه جوابی می‌دهد و… دیگر آن طنز کلامی هم

کار کرد خود را از دست داده و واقعیت این است که بازمگی هم به‌دنبال ندارد که احتمالاً بخواهد آن موقعیت تراژیک آمیخته به فقر و مرگ را تعدیل کند.

به همین واسطه است که کلیت جهان فیلم باور پذیری پیدا نمی‌کند و وقتی قرار است در پایان کاراکتر اصلی یعنی نادر دچار یک تحول بزرگ شود، آن را هم باور نمی‌کند و فاصله مخاطب از فیلم همچون فاصله خنده‌هایش از موقعیت‌های طنز اثر، بیشتر و بیشتر می‌شود.

این نکته در مورد خط فرعی طراحی شده برای تحول نادر هم می‌افتد و نمی‌توان عشق و علاقه او به زن افغان که زمینه تحول پایانی‌اش را فراهم می‌کند، باور کرد. به‌خصوص که به‌نظر می‌آید افغان بودن زن، فقط تمهیدی است کاربردی برای اینکه در بخش میانی گری‌های وارد کار شده و تلاش برای شناسنامه گرفتن، بخشی از تایم فیلم را پر کنند.

والا کیست که نداند با شناسنامه جعلی که به نام و مشخصات خواهر نادر صادر شده، امکان عقد قانونی آنها وجود ندارد؛ مجموعه این نکات باعث می‌شود فیلم نتواند اثرتابلی ملموس و رای شوخی‌های کلامی لحظه‌ای با مخاطب خود برقرار کند، درحالی‌که خط قصه و موقعیت‌های برآمده از آن استعداد تبدیل شدن به یک اثر طنزانه قابل‌تأمل را در بطن خود دارد.

# نقد من بیشتر به مردم است

کاظم دانشی، کارگردان فیلم «علف‌زار» از سختی ساخت فیلم از یک بحران اجتماعی می‌گوید



برخورد کند.

در اینطور مواقع بحث قدرت پیش می‌آید، چگونه است که در فیلم شما فردی که نسبت به بقیه از قدرت کمتری برخوردار است موفق می‌شود؟

مطمئن باشید قاضی که آقای طبری را گرفته آدم موفق است، قطعاً خیلی‌ها به او فشار آوردند که آقای طبری را بگیرد. وقتی ابریدکاران بانکی را می‌گیرند، فکر می‌کنید به آن قاضی فشار آورده نمی‌شود که این شخص را بگیرید؟ قطعاً از همه جا به او فشار می‌آورند و پیشینه‌های سنگین رشوه می‌دهند.

واقعا همانطور که تلخی را می‌گویم، حق و حقیقت را هم باید گفت. ممکن است یک قاضی رشوه گرفته و پرونده را منخومه کند، ولی

قاضی‌هایی هم داریم که رشوه‌ها را نپذیرفته‌اند؛ چراکه ما می‌بینیم به‌دکار بانکی ۲۰هزار میلیاردی به زندان افتاده است.

باتوجه به صحبت‌هایی که از ممیزی‌های فیلم می‌شود، اکنون از نتیجه‌نهایی راضی هستید؟

ممیزی در هر فیلمی با آسیب همراه است و در این شکی وجود ندارد ولی اکنون از نسخه‌ای که تحویل جشنواره داده‌ام راضی هستم. به‌نظرم فیلم اینقدر شجاعت دارد و مسئله جدیدی را مطرح می‌کند که ارزش یک‌بار دیدن را دارد. همین برآیم کافی است. جوایز و تشویق‌ها لطف است که امیدوارم شامل حال ما هم بشود ولی اینکه مردم فیلم را دوست داشته باشند و در سانس‌های فوق‌العاده آن را ببینند برای من بهترین اتفاق ممکن است.

بهرام رادان به عنوان تهیه‌کننده در فیلم شما حضور دارد. در باره روند آشنایی‌ای که موجب این همکاری شد توضیح دهید؟

ایشان تهیه‌کننده درجه یکی است که حمایت‌های بسیاری از فیلمساز انجام می‌دهد. از طریق آفر ۲ دوستانم با آقای رادان آشنا شدم و فیلمنامه را دادم و ایشان خواند. در ادامه جلساتی گذاشتیم و به این نتیجه رسیدیم که با هم کار کنیم.

قطعاً اختلاف‌نظرهایی هم وجود داشت ولی بهرام رادان خیلی برادرانه و همراه در کنار ما بود. او هر روز سر صحنه حاضر می‌شد و حواسش به شرایط تولید کار بود تا بچه‌ها اذیت نشوند و این برای کارگردان خیلی خوشایند است؛ چراکه هیچ غر و تشنیی سر صحنه وجود ندارد.

عکس: سید صالحی

عکس: سید صالحی

**۶۶** **ممیزی در هر فیلمی با آسیب همراه است و در این شکی وجود ندارد ولی اکنون از نسخه‌ای که تحویل جشنواره داده‌ام راضی هستم. به‌نظرم فیلم اینقدر شجاعت دارد و مسئله جدیدی را مطرح می‌کند که ارزش یک‌بار دیدن را دارد. همین برآیم کافی است**

عکس: سید صالحی

از چه شیوه‌ای استفاده می‌کنید؟ برای باز یگری بازی می‌کنید یا سعی می‌کنید با صحبت هدایت‌شان کنید؟

اصلاً بازی نمی‌کنم. ممکن است گاهی با بازیگر اتود بزنیم اما تلاش می‌کنم که نه بازیگرها شبیه من شوند و نه من جنس بازی آنها را به‌طور کامل قبول کنم تا به یک شخصیت واحد برسیم. حتی چیزی به اسم راهنمایی نداریم بلکه با بازیگر بر سر چیزهایی توافق می‌کنیم. ما از روز اول در مورد یک شخصیت با بازیگر به توافق می‌رسیم. هر دو در تلاشیم تا به نقش برسیم. این توافق همان چیزی است که کمک می‌کند تا ما با هم گفت‌وگو کنیم.

پس بیشتر با گفت‌وگو حاصل می‌شود تا با تمرین؟

بیشتر با گفت‌وگو، ولی جزئیاتی دارد که بین من و بازیگر به‌دست می‌آید. بازی برآیم آن قدر اهمیت داشت که از نخستین فیلم بلند سینمایی‌ام با یک بازیگردان همکاری کردم؛ در دهلیز، علی سربانی همراهان بود. بعد از اینکه سریال «پرده‌نشین» (۱۳۹۳) را کار کردم، علی صلاحی آمد و مسائل‌ها با او کار کردم و تقریباً گفته‌های مان یکی شده بود و اختلاف نظری نداشتیم. از «روز بلوا» به‌دلیل مشغله کاری همکاری با علی صلاحی ممکن نشد.



فیلم «علف‌زار» به کارگردانی کاظم دانشی و تهیه‌کنندگی بهرام رادان یکی از ۲۲ فیلم حاضر در جشنواره چهلم فیلم فجر است. به‌گفته سازندگان، علف‌زار روایتی از یک ماجرای تلخ بوده که برای آن از پرونده‌های واقعی نیز الهام گرفته شده‌است. تجاوز و چگونگی برخورد جامعه کنونی ایران با قربانی این اتفاق و مجرم، مسئله اصلی این فیلم سینمایی به‌شمار می‌آید. پژمان جمشیدی، سارا پهرامی، ستاره پسیانی، ترلان پروانه، مانده طهماسبی، مهدی زمین‌پرداز و مهران امام‌بخش از جمله بازیگرانی هستند که در آن اثر به ایفای نقش پرداخته‌اند. پیرامون چگونگی تولید این فیلم و پرداختن به داستانی ملتهب در آن با کاظم دانشی به‌گفت‌وگو پرداختیم.

**باتوجه به صحبت‌هایی که در باره وام گرفتن از پرونده‌های واقعی مطرح کردید و تحقیقاتی که روی موضوع انجام دادید، می‌توان نتیجه گرفت که با دغدغه‌ای به سراغ ساخت این فیلم رفتید. در این باره توضیح دهید؟**

بعد روانشناسی و جامعه‌شناسی فیلم خیلی برآیم اهمیت دارد. بالاخره یک حرف مهمی در باره یک مقوله و معضل اجتماعی مطرح می‌شود و نمی‌توان بدون عقبه فکری و تحقیقات راجع به آن حرف زد. خیلی تلاش کردم که اتفاق لازم در این فیلم رخ دهد و کاری که انجام دادم، حرکت ویژه‌ای نیست؛ چراکه این کار باید مبنی بر تحقیقات و جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی می‌بود. دلم می‌خواست یک تأثیر اجتماعی بگذارم و با فیلم روی مردم تأثیر گذار باشم. اگر بتوانم با فیلم خود یکی از این پرونده‌ها را کم‌کنم، تأثیر خودم را گذاشته‌ام؛ چون این برآیم خیلی اتفاق ویژه و خوشایندی است.

**تقریباً تمام شخصیت‌های فیلم شما تنها سکوت را به‌عنوان راه‌حل معرفی می‌کنند اما راه‌حل شما که آن را در قالب شخصیت سارا پهرامی می‌بینیم، سکوت نکردن است. آیا باتوجه به قوانین موجود سکوت نکردن راهگشاست؟**
بله. بیشتر از اینکه در این زمینه مشکل قانونی داشته باشیم، با ذهنیت بد مردم و عرف اشتباه جامعه مواجه هستیم. در واقع نقد من بیشتر به مردم است. به هر ترتیب این اتفاق (تجاوز) در همه جای جهان وجود دارد و منحصر مربوط به ایران نیست اما ما همه جای جهان یک وجه‌تمایز داریم و آن سکوت و ترس از آبرو است. این اتفاق در خیلی از پرونده‌های قضایی‌ما وجود دارد.

البته ما کشوری سیستمی که آمار (جرم) تجاوز در آن بالا باشد اما یک دانه این جرم هم برای یک کشور زیاد است. شخصاً معتقدم که آدم‌ها بعد از این اتفاق نباید با مصلحت‌اندیشی سکوت کنند، بلکه باید پای احقاق حق خودشان بایستند.

**پژمان جمشیدی در این فیلم ایفاگر نقش باز پرسى است که باوجود کار کردن در یک سیستم، در مقابل بخش‌هایی می‌ایستد تا حق یک نفر با یمال نشود. این کار حتی به قیمت تبعاتى است که برای شخص خودش به همراه دارد. آیا این شخصیت مابازای بیرونی هم دارد؟**

بله. بالاخره سیستم مبنی بر انسان است؛ به‌عنوان مثال ما همه عضوی از سازمان سینمایی هستیم؛ چه فشار‌هایی روی این سازمان وارد می‌شود تا یک فیلم ملتهب اکران نشود؟ همین فشار روی قوه‌قضاییه هم هست، در یک پرونده مهم و بر سر و صدا کلی فشار از بیرون روی قوه‌قضاییه می‌آید. در پرونده آقای طبری نیز چنین موضوعی را شاهدیم. بخش حفاظت در یک مجموعه به چه معناست؟ یعنی ممکن است آدم‌هایی در این سیستم فاسد یا اهل ردوبند باشند و مقررات را رعایت نکنند و خلاف انجام دهند. حفاظت‌وظیفه دارد که با آنها

از لحاظ انتخاب بازیگر فیلم ویژه‌ای بود. ولی امروز فکر می‌کنم بهترین گزینه برای ایفای این نقش پگاه آهنگرانی بوده؛ به این دلیل که او تاکنون در قالب مادر یا با بازی درونی دیده نشده بود. نکته دیگر این بود که قبلاً دو سه بار قرار بود با او کار کنم که به‌خاطر مشکلات برنامه‌ریزی نشده بود. از آنجا که خودم دغدغه بازیگری دارم، همیشه سعی می‌کنم به گزینه‌های کلیشه‌ای نقش‌ها فکر کنم و بعد کنارشان بگذارم و به آدمی فکر کنم که در این نقش دیده نشده یا اگر در آن نقش ظاهر شود، جنبه دیگری از توانایی‌اش به چشم خواهد آمد. همین اتفاق در مورد الهام کردا هم افتاد. چنانچه پیش از حضور او با یک بازیگر دیگر قرارداد می‌بسته بودیم، ولی وقتی همکاری با او ممکن نشد به این دلیل سراغ الهام کردا رفتیم که این بخش بیرونی از بازی او در سینما دیده نشده بود.

برای بازیگران این فیلم یک نیروی چند برابر گذاشته بودم. مثلاً بازیگر کودک، حامی‌ترابی، از بین تعداد زیادی بچه انتخاب شد. برای انتخاب او با مشاوران اوتیسم مختلف صحبت کردم که بچه مناسب برای این نقش باید چه صورتی داشته باشد. در نهایت هم با پیشنهاد مشاوران و از میان چند گزینه او را انتخاب کردم. بعد هم با او تمرین کردیم تا بتواند نقش یک پسر اوتیستیک را ایفا کند. البته به این موضوع فکر کردم که از کودک مبتلا به اوتیسم استفاده کنیم، اما به دلایل شرایط ویژه فیلمبرداری، مثل مدت زمان کار، تعدد لوکیشن و سفر چنین چیزی ممکن نبود.

## هم‌شهری

یادداشت

شاهین شجری کهن

منتقد

### زیر سایه یک برج بلند

نگاهی به ۲فیلم «دسته دختران» و «بی‌مادر»

چند سال پیش منیر قیدی با ساخت فیلم ویلایی‌ها یکی از آثار بحث‌برانگیز جشنواره سی‌وپنجم را در قالب یک درام جنگی که از دیدگاهی زنانه روایت می‌شود پیش روی مخاطبان سینما گذاشت و دقیقاً به‌دلیل همین تفاوت نگاه و جسارتی که در نزدیک‌شدن به سوژه و شخصیت‌هایش داشت توانست از منتقدان نمره قبولی بگیرد. قیدی امسال با «دسته دختران» باز هم به همان فضای آشنا بازگشته، اما این‌بار تفاوت‌هایی در رویکرد کلی و شیوه روایتش دیده می‌شود و برش دیگری از جنگ را دستمایه داستان‌گویی و خلق موقعیت‌های سینمایی قرار داده است.

«ویلایی‌ها» روی حضور زنان در پشت جبهه متمرکز بود، اما این‌بار قصه فیلم درباره زنانی است که بدون آمادگی قبلی و در فضایی بس خشن و غیرانسانی رو در روی دشمن قرار گرفته‌اند و ناچار باید در خط مقدم با سلاح و روحیه یک رزمنده، از خاکشان دفاع کنند. هر چند فیلمنامه از لحاظ طراحی ساختار درام و خلق موقعیت‌های پیوسته و همسو، تحت‌تأثیر خاطرات زنان حاضر در خرمشهر در کتاب‌هایی مانند دل(خاطرات سیده‌زهر حسینی)، پوتین‌های مریم(خاطرات مریم امجدی)

و ساجی(خاطرات نسربین باقرزاده) است و حتی برخی از دیالوگ‌ها و خطوط فرعی ماجراهای مستقیم از دل آن روایت‌ها و خاطرها بیرون آمده‌اند، اما دسته دختران در مجموع نگاهی آزاد به روایت‌های واقعی از نبرد خانه‌به‌خانه در دفاع از خرمشهر دارد و به‌دلیل انتخاب برش تاریخی خاصی که داستانش در محدوده آن شکل می‌گیرد، رویکرد مستقیم‌تری به میدان جنگ و صحنه‌های تیراندازی، انفجار، حمله هوایی و بمباران دارد. در حقیقت، کمتر صحنه‌ای را می‌توان یافت که در آن صدای گولوله یا صفر خمپاره شنیده نشود. اما امتیاز فیلم در این است که سعی نمی‌کند از صحنه‌های جنگجویی زنان، تصویرهای قهرمان‌پرورانه جعلی دریاورد و مثل بعضی خوانش‌های رسمی از دوران جنگ، شمایل‌سازی کند و تنها به شرح رشادت مردان و زنان بپردازد. بلکه خیلی ساده و سراسرت و با نگاهی انسانی و همدلانه، موقعیت سخت و نفسگیر چند زن تنها و خسته را به تصویر می‌کشد که در بزنگاهی تاریخی وسط بحران و خون و تلاطم گیر افتاده‌اند و باید برای خاک‌شان ایستادگی کنند. در واقع استفاده از سلاح یا رویارویی با دشمن متجاوز، انتخاب این قهرمان‌های بدون شغل و پوینفرم نیست، بلکه اقتضای موقعیتی است که طبق عقاید و اخلاقیات‌شان و بر مبنای وظیفه انسانی و ملی‌شسان، جور دیگری نمی‌توانند برگزاش کنند. شاید به

همین دلیل باشد که هر چه روایت پیش‌تر می‌رود، زنان فیلم آسیب‌پذیرتر، زخمی‌تر و در مانده‌تر می‌شوند اما با آنکه دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند، همچنان در کنار دیگر مدافعان شهر مقاومت می‌کنند. کارگردان از قهرمان‌پروری سطحی و شعاری پرهیز می‌کند و می‌کوشد سویه هولناک جنگ و آثار آن را با پابندی به واقعیت و بدون دخل و تصرف در ماهیت آن، مجسم کند. همین واقع‌گرایی و رویکرد غیر شعاری، باعث شده فیلم در برخی سکانس‌ها بسیار ترسناک و تراژیک جلوه کند و هول و هراس جنگ با تمام ابعاد مرگبار و تلخش به تصویر کشیده شود. استفاده از دوربین متحرک و جست‌وجوگری که تنش و التهاب صحنه را به خوبی منتقل می‌کند، به تعویق انداختن کات‌ها و انتخاب ساختار بصری یکدست و متوازنی که مبتنی بر ادامه واقعه و به تکامل رساندن مابه‌های دراماتیک و هیجان‌انگیز صحنه است و تکیه بر پلان‌سکانس‌هایی شلوغ و پر از اتفاق‌های ریز و درشت، جزو انتخاب‌های خوب کارگردان است که چشم‌اندازی زنده و اثرگذار از جنگ را پیش روی تماشاگر می‌گذارد.

ملودرام خانوادگی –اجتماعی می‌مادر ساخته سیدمرتضی قاضی‌نیز با رگه‌هایی از تأمل فلسفی درباره مفهوم تولد و مسئولیت والدین راجع به زندگی و سرنوشت فرزند آینده، می‌کوشد الگویی امتحان‌شده و یک دغدغه‌آشنای انسانی را دستمایه داستان پردازی قرار دهد. فیلم درباره زنی است (میترا حجار) که پزنشگ موفق است و در کنار همسرش (امیر آقایی) زندگی مرفه و خوبی دارد، اما یک آرزوی بزرگش برآورده نشده: بچه‌دار شدن. او برای رسیدن به آرزویش تلاش می‌کند با رحم اجاره‌ای یک زن فقیر و سختی‌کشیده(با بازی خوب پردیس پورعبادینی) و متقاعد کردن همسرش، پای یک نوزاد را به زندگی‌نیز با رگه‌های از کنار هم گذاشتن تکه‌هایی از زندگی مرفه زوج اصلی و دغدغه‌های زندگی فقیرانه مادر جوان، تصویری از تضاد طبقاتی شدید جامعه امروز ساخته که در پرنگ کردن ابعد مختلفش، شخصیت پرخاشگر پژمان جمشیدی نقش مهمی دارد. در واقع او با خشم و حسوسنتی که حاصل تنازع بی‌پایان بقا در جامعه فرودست است و با حس تحقیر و ناتوانی یا یاسی که از سال‌ها دست‌وپا زدن و فرو رفتن ریشه می‌گیرد، با همه سر جنگ دارد و فرار گرفتنش در کنار شخصیت‌های مرفه و شیک و بی‌دغدغه فیلم، تضاد میان دو سوی قصه را برجسته‌تر می‌کند.

پیش‌تر نمونه پرداخت‌شده این سوژه را در فیلم جمع‌وجور «به دنیا آمدن» ساخته محسن عبدالوهاب دیده بودیم و بی‌مادر هم ادامه همان ابهام فلسفی است با رگه‌های اجتماعی پر رنگ‌تر و البته تأثیر پذیری بیشتر از کلیشه‌های رایج در درام‌های خانوادگی. فیلم در طرح مباحث اخلاقی‌اش چندان عمیق نمی‌شود و بیشتر در صدد تلنگر زدن به ذهن مخاطب است تا روایت یک داستان منسجم و کامل با لایه‌های عمیق و تفکربرانگیز. اما فیلم اول قاضی از امتیازهای مثبت هم بی‌بهره نیست؛ هر چند میترا حجار در یکی از ی تفاوت‌ترین نمونه‌های پرهیز بازیگر از انرژی گذاشتن برای جان بخشیدن به نقش، چون وزنه‌ای به پسی فیلم اویزان باشد!



